

آموزش ابتدایی

رشد

۲

برای آموزگاران دبستان، دانشجویان تربیت معلم و کارشناسان آموزشی

دوره‌ی شانزدهم / آبان ماه ۱۳۹۱ / شماره‌ی پی‌درپی ۱۲۷

ماه‌نامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری

سر دبیر: مرتضی مجدفر

شورای برنامه‌ریزی:

شکوه تقدسیان

فاطمه رضانی

لیلا سلیقه‌دار

یدالله رهبری نژاد

ابراهیم اصلانی

مدیر داخلی: اصغر ندیری

طراح گرافیک: فریبا بندی

نشانی دفتر مجله:

تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸

۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۳۷۵)

نمبر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه:

www.roshdmag.ir

پیام‌نگار:

ebtedayi@roshdmag.ir

تلفن پیام‌گیر نشریات رشد:

۸۸۳۰۱۴۸۲

• کد مدیر مسئول: ۱۰۲

• کد دفتر مجله: ۱۰۹

• کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین:

تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین:

۷۷۳۳۶۶۵۵ - ۷۷۳۳۶۶۵۶

شمارگان: ۷۰۰۰۰

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

آموزش ابتدایی

رشد

دوره‌ی ۱۶ - شماره‌ی ۲

آبان ۹۱

پروژه

۳۲ تا ۱۷

کتاب‌خانه‌ی مدرسه ۳۳: همه چیز برای معلمان / امید قادری

۳۳: دفتر تمرین فارسی اول دبستان / مریم اسماعیلی چرخاب

مبانی پژوهش دانش‌آموزی ۳۴: پژوهش و کتاب‌خانه با هم نسبت فامیلی دارند! / ابراهیم اصلانی

خاطره‌ی خواندنی ۳۷: اشک دیروز، اشک امروز / رضا خانیکی

فلسفه برای کودکان ۳۸: مربی فلسفه، کلاس فلسفه / زری آقاجانی

میراث ما ۴۰: مینیاتوری از تاریخ و تمدن ایران! / حمید دهقان

آموزش ضمن خدمت ۴۲: LD چیست؟ / آزیتا محمودپور

آموزش ضمن خدمت ۴۵: اختلالات زود هنگام یادگیری / حسن شفیع، اعظم محمودزاده

با همراهان ۴۸: پاسخ به نامه‌ها و نوشته‌های مخاطبان / شورای برنامه‌ریزی مجله

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

♦ مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. ♦ مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ♦ مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و بر روی CD یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند. ♦ نفر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی وقت لازم مبذول شود. ♦ محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ♦ مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چه سطرتنظیم شود. ♦ کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ♦ مقاله باید دارای تیترا اصلی، تیتراهای فرعی در متن و سوتیترا باشد. ♦ معرفی نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، رنگی، عناوین و آثار وی پیوست شود. ♦ مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مطالب مقاله‌های رسیده مختار است. ♦ نوشته‌های دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ♦ آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

همه جامی شود کتاب خواند گول آمارها را نخوریم!



مرتضی مجدفر

چماق کمی شمارگان کتاب‌های منتشر شده و باد کردن کتاب‌ها در کتابفروشی‌ها و غلبه‌ی چاپ و فروش کتاب‌های درسی و کمک‌درسی و آموزشی آن‌چنان بر سرمان کوبیده‌اند که ۲۰ دقیقه که سهل است، ۱۵ دقیقه و حتی کمتر از آن را نیز قبول کرده‌ایم.

سال گذشته در اثنای برگزاری برنامه‌های هفته‌ی کتاب، آخرین آمار سرانه‌ی مطالعه‌ی کتاب در کشورمان را از زبان یکی از کارشناسان حوزه‌ی کتاب و از طریق یکی از شبکه‌های سراسری رادیو شنیدم و این بار البته از تعجب بر خود لرزیدم. به گفته‌ی این کارشناس محترم، رقم سرانه‌ی مطالعه‌ی ایرانیان در روز ۱۶ ثانیه است. این فرد برای ادعای خود، به هیچ پژوهشی استناد نمی‌کند و می‌گوید این نرخ بر پایه‌ی مطالعات انجام شده به دست آمده است. وی نمی‌گوید این مطالعه‌ها، کجا، چه‌گونه و براساس چه روشی و به وسیله‌ی چه کسانی انجام شده است. من نمی‌دانم این ویروس تحقیر خودی و برتر دانستن دیگران چه‌گونه به فرهنگ ما راه یافته است، ولی می‌دانم که این ۱۶ ثانیه به زودی، به ویژه از طرف کسانی که دوست دارند با این عدد و رقم‌ها یک

جشن‌ها، سخن‌رانی‌ها، برگزاری مسابقه‌ها و جشنواره‌های گوناگون و جز آن‌ها؛ کتاب و کتاب‌خوانی کماکان یکی از ابزارهای اصلی است. ما نیز براساس رسم معهود و با توجه به قرار گرفتن هفته‌ی کتاب و کتاب‌خوانی در آبان و نام‌گذاری بیست‌و‌چهارمین روز همین ماه با کتاب و کتاب‌خوانی، ترجیح دادیم در یادداشت سردبیر این ماه باز هم مثل سال‌های قبل از کتاب بگوییم و به دو نکته بپردازیم:

نکته‌ی اول) گول آمارها را بخوریم یا نخوریم؟

سال‌هاست در هفته‌ی کتاب سخن‌رانان از پایین بودن میزان سرانه‌ی مطالعه در جامعه حرف می‌زنند، از این که مردم کتاب نمی‌خوانند، گله دارند و بر عددی تأکید می‌کنند که معلوم نیست از کدام پژوهش و براساس چه ملاکی به دست آمده است. این عدد همان سرانه‌ی ۱۵ تا ۲۰ دقیقه‌ای مطالعه‌ی کتاب‌های غیردرسی و غیرآموزشی در روز است که در تمامی سال‌های گذشته، بدون آن که استناد پژوهشی خاصی داشته باشد، آن قدر تکرار شده و رسانه به رسانه گشته که باورمان شده است که واقعاً انسان‌هایی هستیم که روزانه بیش از ۱۵ الی ۲۰ دقیقه تحمل خواندن نداریم. حتی افرادی مانند ما و دوستان دوروبرمان هم که کار فرهنگی می‌کنیم و کتاب دغدغه‌ی اصلی زندگی‌مان است، تا آمده‌ایم بگوییم این چنین نیست، با

آبان امسال ماه بسیار پررویداد و پربرکتی است. از جمله رویدادهای بسیار تأثیرگذار این ماه، فرا رسیدن دو عید خجسته‌ی اسلامی است که برای مسلمانان بسیار گرمی و عزیزند. از نخستین هفته و آغازین روزهای این ماه، همه‌ی ما در تب‌وتاب آیین‌های ویژه‌ی بزرگ‌ترین کنگره‌ی جهان اسلام یعنی حج خواهیم بود و کسانی که توفیق تشریف به سرزمین وحی را داشته‌اند، با چشمانی اشک‌بار و دلی شکسته و آن‌هایی که هنوز نرفته‌اند، با حسرت؛ نظاره‌گر تصاویر و شنونده‌ی اصواتی خواهند بود که از رسانه‌های دیداری - شنیداری پخش می‌شود. در ادامه‌ی ماه و به فاصله‌ی نه روز از عید قربان، به عیدغدیر خم خواهیم رسید و با یادکردی از آخرین حج پیامبر اکرم (ص)، عید ولایت مولا علی (ع) را جشن خواهیم گرفت. اگر مدارس ما این توفیق را داشته باشند که طی ماه آبان، فقط آموزه‌های مرتبط با همین دو عید را در ذهن و روح دانش‌آموزان بارور سازند، بی‌شک خواهیم توانست بخش‌هایی از مسیر رسیدن به **حیات طیبه** راه، که در اسناد تحولی آموزش و پرورش به عنوان هدف غایی نظام تعلیم و تربیت معرفی شده است، پیماییم. در این ماه هم چنین با بزرگداشت سیزده آبان، روز دانش آموز و روز مبارزه با استکبار جهانی نیز روبه‌رو هستیم. در کنار انواع و اقسام ابزارهایی که برای تحقق هدف‌های آموزشی و پرورشی از آن‌ها بهره می‌بریم، مانند برگزاری

حقارت بازی دیگر راه بیندازند، پذیرفته شده و در زمانی کوتاه، به یک ترجیع‌بند تکراری رسانه‌ای، به ویژه در برنامه‌های هفته‌ی کتاب، تبدیل خواهد شد.

نمی‌گوییم چون کبک سر در برف فرو ببریم و بگوئیم وضع ما خیلی خوب است، ما کتاب‌خوانیم، عناوین کتاب‌های منتشر شده‌ی غیر کمک‌درسی و غیر آموزشی در هر سال، از مرز ۵۰ هزار فراتر رفته و رقم سرانه مطالعه‌ی ایرانیان با مردمان کشورهای توسعه‌یافته‌ی جهان برابری می‌کند، نه، اصلاً چنین چیزی نمی‌گوییم. هدف از طرح این نکته، آن است که قدری به خود بیاییم. برای این کار لازم است نخست، حرف‌های خود را با اتکا به یافته‌های پژوهشی واقعی بیان کنیم و سپس به دنبال راه‌هایی برای ارتقای واقعی این رقم (چه آن ۱۵ تا ۲۰ دقیقه کمی واقعی و چه این ۱۶ ثانیه‌ی کذایی) باشیم. مقایسه‌ای بین کتاب‌هایی که به چاپ‌های سی و چند رسیده‌اند (و البته درسی و کمک‌درسی هم نیستند) با کتاب‌هایی که به‌رغم خرید و توزیع رایگان و ارسال کتاب به کتاب‌خانه‌ها و مجامع و نهادهای فرهنگی و خریدهای خاص توسط برخی نهادهای خاص، هنوز موفق به اتمام یک نوبت چاپ چند هزار نسخه‌ای خود نشده‌اند، نشان می‌دهد که مردم تفاوت کتاب خوب و بد را به راحتی تشخیص می‌دهند. البته بگذریم از این که برخی از مردم همین کتاب‌های اهدایی را می‌گیرند و ممکن است آن‌ها به چاپ‌های مکرر هم برسند ولی از خوانده شدن خبری نیست و در مقابل، باز بگذریم از برخی کتاب‌های زرد و عامه‌پسند که با تکیه بر برخی ترفندهای بازاریابی و نیازهای زودگذر و احساسات مخاطبان، به صورت تصنیی پرفروش‌اند و در بررسی‌های ما جای نمی‌گیرند.

هدف ما از طرح این نکته، آن است که به جای تأکید بر آمار دل‌سردکننده و حقارت‌آمیز، در جست‌وجوی روش‌های امیدوارکننده و ترغیبی برای وارد کردن کتاب به زندگی واقعی مردم باشیم.

نکته‌ی دوم) ترویج کتاب‌خوانی به هر شکل ممکن!

بعضی از مفاهیم و اسامی موجود در یک زبان، طی سال‌های طولانی بدون تغییر باقی می‌مانند و امروز نیز همان کاربردی را دارند که هزاران سال پیش داشته‌اند. برای مثال، واژه‌ی آتش به غیر از متون خیلی کهن، تقریباً در دو هزار سال اخیر در زبان فارسی با همین معنی و مفهوم کاربرد داشته است ولی برخی واژه‌ها چنین نیستند. آن‌ها در گذر زمان و به مرور، تغییراتی یافته‌اند و گاه حتی جای خود را به کلمات دیگری داده‌اند؛ کلماتی که نه در تلفظ، و نه در ظاهر به واژه‌ی پیشین هیچ شباهتی ندارند.

اگر حمل بر بی‌ادبی نشود، یکی از این واژه‌ها، **مبال** یا **موال** است. از این واژه تا سه چهار دهه‌ی پیش، در فرهنگ گفتاری ما ایرانی‌ها، به مستراح - که اسم مکان است و از استراحت کردن سرچشمه می‌گیرد - یاد می‌شد. این واژه در مسیر تغییرات خود، به توالی و دست‌شویی تغییر یافت. در حال حاضر نیز به غیر از شست‌وشوی دست، اقدام‌های اساسی دیگری در این مکان انجام می‌پذیرد ولی واژه‌ی دست‌شویی برای مکان یاد شده کاربرد گسترده‌ای یافته است. البته واژه‌ی W.C.^۱ هم از آخرین کلماتی است که کاربرد فراوانی یافته، ولی مراد از آن همان مستراح خودمان است.

غرض از طرح این نکته، صحبت کردن درباره‌ی انتشارات جدیدی است که چند سالی است با عنوان **نشر مستراح**^۲ در آلمان آغاز به کار کرده است. ابتکار جالب این ناشر برای گسترش فرهنگ کتاب‌خوانی در میان مردم آلمان، با تعجب و استقبال همگان روبه‌رو شده است. این انتشارات که در شهر **زاربردکن** آلمان فعالیت می‌کند، اولین کتاب‌های خود را به شکل «دستمال دست‌شویی» به بازار کتاب عرضه کرد و در ابتدا ۱۱ نویسنده‌ی آلمانی حاضر شدند گزیده‌ای از آثار خود را در اختیار این ناشر قرار دهند تا روی کاغذهای

دست‌شویی چاپ شود.

تعداد این نویسندگان، که همه‌ی آن‌ها عضو اتحادیه‌ی نویسندگان آلمان هستند، هم‌اکنون افزایش یافته است. معروف‌ترین این نویسندگان، فردی است برلینی به نام **لوتس راتندروف**. اشعاری از **هاینریش هاینه** و **کریستیان مورگن اشترن** نیز در میان این آثار دیده می‌شود.

سالانه در آلمان در حدود ۹۰ تا ۱۰۰ هزار عنوان کتاب منتشر می‌شود. نویسنده‌ای به نام **مایک بارتل** که نمی‌خواست اولین کتابش در میان این ۱۰۰ هزار اثر نادیده بماند، مبتکر انتشار کتاب روی کاغذ مستراح بود. او می‌خواست با این کار توجه محافل ادبی را به اثر خود جلب کند. یکی از تولیدکنندگان کاغذ دست‌شویی فکر او را پسندید و به این ترتیب، نشر مستراح تأسیس شد. در میان کتاب‌هایی که این مؤسسه‌ی انتشاراتی چاپ می‌کند، می‌توان به داستان‌های جنایی کوتاه، قصه‌های مینی‌مالیستی^۳، داستان‌های طنز و هزل، اشعار کوتاه و معما اشاره کرد. این آثار، در سال‌های گذشته علاوه بر ارائه به شکل بسته‌های کاغذی قابل استفاده در دست‌شویی‌ها، به صورت نمونه و به همان شکل و نیز به شکل کتاب کلاسیک در نمایشگاه کتاب فرانکفورت عرضه شده است.

عده‌ای از کارشناسان طنزپرداز می‌گویند شاید بهتر باشد داستان‌ها و شعرهای برخی از نویسندگان و شاعران به این شکل انتشار یابد؛ چرا که تنها در این صورت است که محتوای اثر و شیوه‌ی نگارش با شکل کتاب هم‌خوان خواهد بود و بدین ترتیب برای اولین بار در تاریخ ادبیات جهان، اصل ارسطویی «وحدت شکل و مضمون» کاملاً تحقق خواهد یافت. در هر صورت ما معلمان که همه نوع کتابی از جمله کتاب‌هایی به شکل بادکنک، اسباب‌بازی‌های بچگانه، کتاب‌های پارچه‌ای، کتاب‌های تاشو، سه‌بعدی، قابل شست‌وشو، قدی، صدادار و جز آن‌ها را برای توسعه‌ی فرهنگ کتاب‌خوانی آزموده‌ایم، چشمان به

جمال کتاب‌های دستمال مستراحی نیز روشن شد. البته ناشران ما خلاق‌اند و ممکن است از همین ایده استفاده کنند و کتاب‌هایی در شکل و شمایل دستمال کاغذی (که هم در کشور ما پرمصرف‌تر است، هم آن بار منفی معنایی راه پیدا کردن به درون دست‌شویی را در خود مستتر ندارد) تولید کنند.

هدف ما از طرح این دو نکته این است که چون در همه جا و به همه شکل و با استفاده از هر ابزاری می‌توان کتاب خواند، ما معلمان خیلی نباید خودمان را در آمارهایی که به ما ارتباطی ندارند، درگیر کنیم. من در مقام یک آموزگار به خودم، همکارانم و ۳۰-۴۰ دانش‌آموزی که وظیفه‌ی تربیت آن‌ها با من است، نگاه می‌کنم. اگر بتوانم طی یک سال تحصیلی، لااقل بیست جلد کتاب مناسب بخوانم و دانش‌آموزانم را هم در موقعیتی قرار دهم که بتوانند هر ماه دست‌کم دو جلد کتاب مفید بخوانند، حجت بر من تمام شده است. در این حال، اگر عده‌ای هم بخوانند با آمارهای کذایی و بدون پشتوانه بازی کنند و با تحقیر فرهنگی مردم ما، مثلاً در افراد برای رفتن به سوی کتاب انگیزه ایجاد کنند، آن حرف دیگری است.

راستی، وقتی داشتیم این یادداشت را به اتمام می‌رساندم، خبری به دستم رسید که در آن به نقل از یکی از مسئولان ارشد فرهنگی، رقم سرانه‌ی مطالعه در کشورمان ۱۵ ثانیه در روز اعلام شد!

پی‌نوشت

۱. water closet یا w.c در فرهنگ آکسفورد انگلیسی به انگلیسی در مقابل شرح این واژه نوشته شده است: توالت به شکل و مدل قدیمی.

۲. برگرفته از واژه‌ای آلمانی با نگارش: Klo verlog.

۳. قصه‌های مینی‌مالیستی به داستان‌های مدرنی گفته می‌شود که حجم بسیار محدود و کمی دارند و حتی گاهی کل یک داستان، یک بند یا جمله‌ای بیش نیست. نویسندگان آلمانی از پیش‌گامان این سبک از نگارش داستان کوتاه در جهان به شمار می‌روند و کتاب‌های مینی‌مالیستی و فلش فیکشن فراوانی در آلمان و نیز برخی از کشورهای دیگر از جمله آمریکایی لاتین به چاپ رسیده است. می‌گویند توسعه‌ی زندگی صنعتی و ماشینی و اوقات اندکی که پشتر امروزی برای فراغت در اختیار دارد، یکی از دلایل پیدایش و توسعه‌ی داستان‌های مینی‌مالیستی است. (برای کسب آگاهی بیشتر در این زمینه نگاه کنید به: مجدف، مرتضی؛ فارادوواق یا سیاه‌پوش (مجموعه‌ی ۲۰ داستانک ترکی با ترجمه‌ی فارسی). تهران: نشر امروز، چاپ دوم، ۱۳۹۰. در مقدمه‌ی این کتاب، توضیحات مبسوطی درباره‌ی داستانک ارائه شده است).

دیگران
توانستند
ما چرانتوانیم!

پیشنهاد رشد آموزش ابتدایی
برای توسعه‌ی فرهنگ کتاب‌خوانی در دبستان‌های کشور
و ثبت رکورد جدید کتاب‌خوانی در کتاب «گینس»

ابتدا این خبر را بخوانید:

رکورد کتاب‌خوانی توسط نویسنده‌ی آلمانی شکسته شد

اشتفان گمل، نویسنده‌ی آلمانی کتاب‌های کودکان، همراه ۵۳۷۴ دانش‌آموز و معلمان آن‌ها یک رکورد جدید کتاب‌خوانی را در کتاب گینس به ثبت رساند. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نقل از خبرگزاری اتریش، سه‌شنبه ۱۲ ژوئن (۲۳ خرداد سال ۱۳۹۱) در شهر کوبلنتس و در حضور دانش‌آموزان و معلمان از سراسر ایالت راینلند-فالتس، رکورد کتاب‌خوانی انفرادی یک نویسنده در جهان شکسته شد. اولاف کوثن بکر، داور این رکورد در میان شادمانی حاضران، خبر ثبت آن را در کتاب رکوردهای جهانی گینس اعلام کرد. اشتفان گمل برای به وجد آوردن دانش‌آموزان برای کتاب خواندن، آن‌ها را ثبت‌کنندگان اصلی رکورد جهانی کتاب‌خوانی نامید و سپس ۴۵ دقیقه به روخوانی کتاب خود با عنوان «آلاسگوس» پرداخت. وی این کتاب را برای ثبت رکوردی تازه در کتاب گینس به رشته‌ی تحریر درآورده بود. پس از کتاب‌خوانی گمل، دانش‌آموزان حدود ۱۵ دقیقه همراه این نویسنده به خواندن بخش‌هایی از متنی دیگر پرداختند. برای شکسته شدن رکورد جهانی کتاب‌خوانی دست‌کم پنج‌هزار شنونده لازم بود و علاوه بر این، باید مدت زمان تقریبی مراسم کتاب‌خوانی نیز دست‌کم می‌بایست به یک ساعت می‌رسید. به گفته‌ی داور این رکورد، از آن جایی که معمولاً زمان کتاب‌خوانی نویسندگان حدود یک ساعت طول می‌کشد، مقررات به این ترتیب تعیین شده است.

حالا به پیشنهاد اولیه‌ی ما توجه کنید:

بباید مشابه کار این نویسنده‌ی آلمانی را با نویسندگان و شاعران کودک و نوجوان ایرانی در دبستان‌های خودمان اجرا کنیم. واحدهای آموزش ابتدایی مناطق و شهرستان‌ها با همکاری واحد فرهنگی ادارات می‌توانند در این زمینه، با دبستان‌های خودشان همکاری کنند. اگر نمی‌خواهیم گول آمارها را بخوریم و می‌خواهیم بگوئیم آمارهای ارائه شده برای مطالعه‌ی کتاب غیرواقعی هستند (لطفاً یادداشت سردبیر همین شماره را بخوانید)، بباید نهضت عمومی کتاب‌خوانی را در مدارس و با حضور نویسندگان و شاعران ایرانی راه بیندازیم. مهم نیست اجتماع ما ۵۳۷۴ نفری باشد یا نه، اگر بتوانیم همه یا قسمت اعظم بچه‌های مدرسه و معلمان را زیر یک سقف یا- اگر شرایط آب‌وهوایی اجازه داد- زیر آسمان کبود گرد هم بیاوریم و با هم کتاب بخوانیم، آمارسازان را ناامید خواهیم کرد.

رشد آموزش ابتدایی در این زمینه چه کمک‌هایی به مدارس و مناطق می‌دهد؟

- ✓ ما در زمینه‌ی اجرای این فعالیت فرهنگی به شما مشاوره می‌دهیم.
- ✓ ما با نویسندگان و شاعران، به‌ویژه همکارانمان در مجلات رشد، صحبت می‌کنیم و آن‌ها را به مدارس شما می‌کشانیم. گرفتن قول همکاری از ناشران و فروشندگان کتاب‌های خوب هم با ما!
- ✓ ما کتاب‌های خوب، خواندنی و مورد علاقه‌ی بچه‌ها را براساس طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی، که به تأیید آموزش و پرورش هم رسیده است، به شما معرفی می‌کنیم.
- ✓ ما به شما کمک می‌کنیم و می‌کوشیم تا با یاری یکدیگر، اندکی در آمارهای مطالعه‌ی کشورمان بهبود پدید آوریم.

پیشنهاد ما، یک بخش تکمیلی هم دارد:

رکوردشکنی به شیوه‌ی کتاب گینس

اگر چند مدرسه در یک منطقه یا شهرستان محلی را پیدا کنند که بتوان ۵۳۷۵ نفر از دانش‌آموزان آن‌ها (تنها یک نفر بیشتر از تعداد دانش‌آموزان آلمانی) را بدون هیچ مشکلی در آنجا جمع کرد، بخش تکمیلی پیشنهاد ما عملیاتی می‌شود؛ بله، تلاش برای شکستن رکورد آلمانی‌ها و ثبت رکورد مطالعه‌ی دانش‌آموزان دبستانی ایران در کتاب رکوردهای گینس. همه‌ی خدمات و مشاوره‌هایی که در اجرای پیشنهاد اولیه‌ی خودمان قولش را به شما دادیم، در این بخش هم پابرجاست؛ مضاف بر این که اگر کار شما به این بخش کشیده شد، بسیاری دیگر هم باید کمک کنند.

ما این گونه فکر می‌کنیم؛ شما چه‌طور؟

ما فکر می‌کنیم بچه‌های ما با توانمندی‌های ویژه‌ای که دارند، قادرند در هر زمینه‌ای برتر باشند. اگر همه دست به دست هم بدهیم، ترویج نهضت کتاب‌خوانی در مدارس، به‌ویژه در دبستان‌های کشور که اساس و ابتدای آموزش است، کاری است ساده و لذت‌بخش.

بلندخوانی برای کودکان

فرزانه شهر تاش

مؤلف و مترجم کتاب‌های آموزشی

اشاره

در این شماره از مجله علاوه بر یادداشت سردبیر، مطالب گوناگونی درباره‌ی کتاب‌خوانی فراهم کرده‌ایم که بلندخوانی برای کودکان یکی از آن‌هاست. در واقع مجموعه‌ی مطالبی که در این شماره درباره‌ی کتاب و کتاب‌خوانی در مجله ارائه خواهد شد، به نوعی پرونده‌ای درست کرده است که امیدواریم مورد توجه مخاطبان قرار گیرد.



می‌طلبید، اضافه کنیم نتیجه این می‌شود که محیطی مناسب برای رشد عدم تمرکز فراهم آورده‌ایم. تعداد دانش‌آموزان بیش‌فعال مدارس، خود حاکی از وجود کودک‌ان است که قربانی این محیط شده‌اند. بلندخوانی برای کودک درست خلاف این وضعیت است و توجه کودک به صدا، تصویر و جزئیات و گوینده را تقویت می‌کند. بلندخوانی و سپس خواندن متن‌ها بر محور لذت‌بخش بودن و علاقه داشتن، مهارت تمرکز را برای کودکان به ارمغان می‌آورد.

۳. بلندخوانی تعداد واژگان کودک را افزایش می‌دهد. میزان دشواری متن یک داستان خوب، سه برابر یک محاوره‌ی معمولی با کودک است. با گسترش دایره‌ی واژگان، درک شنیداری (کلماتی که می‌شنویم) افزایش می‌یابد که خود به درک خواندن و نوشتن (کلماتی که می‌خوانیم و می‌نویسیم) کمک می‌کند.

بلندخوانی هم‌چنین موجب تقویت مهارت خواندن در دوران یادگیری کودک می‌شود و چون خواندن، پایه‌ی دروس دیگر است بنابراین روی پیشرفت تحصیلی کودک تأثیر مستقیم و به‌سزایی دارد. خواندن امری اکتسابی است و کودک هرچه بیشتر بخواند، بهتر می‌خواند و هرچه بهتر بخواند، بهتر درک می‌کند. درک بهتر هنگام خواندن، یادگیری

او کاشته می‌شود. والدین، معلمان، پدربزرگ و مادربزرگ‌هایی که برای کودک داستان می‌خوانند، این دانه را در ذهن او می‌کارند و پیوندی را برقرار می‌کنند که نه تنها مخرب نیست بلکه ترغیب‌کننده و رضایت‌بخش است. این در حالی است که تکالیف و آزمون‌های مدرسه چنین نیستند.

۲. بلندخوانی زمان تمرکز کودکان را برای شنیدن افزایش می‌دهد. جنبه‌ی ناخوشایند زندگی امروزی، پراکندگی آن است. معلمان همواره از کاهش زمان تمرکز کودکان شکایت دارند. فرهنگ امروزی مانع از تمرکز و توجه است. در کشور ما ده‌ها شبکه‌ی تلویزیونی و ده‌ها برابر آن کانال‌های ماهواره‌ای و پایگاه‌های اینترنتی وجود دارد که تا ده سال پیش وجود نداشت. امروزه در برنامه‌ها و فیلم‌ها دائم با چرخش زاویه‌ی دوربین روبه‌رو هستیم. دو ثانیه از این زاویه، سه ثانیه از زاویه‌ی بازتر و بعد چهار ثانیه از نزدیک و همین‌طور تا آخر. وقتی به‌طور روزانه با پدیده‌ی پراکندگی سروکار داریم، توانایی تمرکز روز جزئیات را از دست می‌دهیم، چیزی که خلاف یادگیری است. ذهن کودک‌انی که جلوی تلویزیون می‌نشینند به زمان‌های کوتاه و سرعت‌های بالا و هیجانات متوالی عادت می‌کند و مهارت تمرکز و دقت برای مدت طولانی را از دست می‌دهد. حالا اگر برای نوجوانان و جوانان و حتی بزرگسالان فرهنگ پیامک (اس‌ام‌اس) را هم که اکثراً پاسخ‌های کوتاه و سریع

ولی / مربی محترم شاید از خود بپرسید:

- فایده‌ی بلندخوانی برای کودکان چیست؟
- آیا این کار برای والدین نیز فایده‌ای دارد؟
- با گرانی کتاب‌ها چه کنیم؟
- نقش بلندخوانی در پیشرفت تحصیلی فرزندان چیست؟
- و چه کسی بهتر است این کار را انجام دهد؟ و تا چه زمانی؟
- چه زمانی برای کودکان داستان بخوانیم؟
- و بالاخره در دنیای دیجیتال چه نیازی به کتاب‌های چاپ‌شده‌ی سنتی داریم؟

کمی پیرامون جواب‌های احتمالی به سؤالات بالا با شما صحبت می‌کنیم. امیدواریم که این نوشته انگیزه‌ای باشد تا این کار لذت‌بخش و پرفایده را برای کودکان آغاز کنید یا هم‌چنان بدان ادامه دهید.

● هدف از بلندخوانی داستان، همان است که در حرف‌زدن با کودک دنبال می‌کنیم. بعضی از دلایل آن می‌تواند شامل اطمینان‌دهی و ایجاد حس امنیت از کنارهم بودن، سرگرم‌شدن، ایجاد هم‌بستگی و پیوند فرهنگی - عاطفی، دادن آگاهی، تحریک حس کنجکاوی، لذت‌بردن و نظایر آن باشد. ولی از این‌ها مهم‌تر دلایل زیر است:

۱. بلندخوانی پیوندی دوست‌داشتنی میان کودک و نوشتارها برقرار می‌کند. هیچ‌کس در بدو تولد عاشق فوتبال یا خواندن نیست. این شوق به وسیله‌ی افرادی غیر از کودک در ذهن



را برای کودک بامعنا می‌کند و «بامعنایی» به او قدرت تفکر بهتر و عمیق‌تری می‌دهد. بهتر خواندن که موجب درک بیشتر می‌شود، رابطه‌ای مستقیم با قدرت استدلال کودک نیز دارد. خوب است بدانیم که آزمون‌های ادراکی گوناگونی برای درک شنیداری و درک خواندن وجود دارد (مانند آزمون پرلز).

● همواره درک شنیداری کودکانی که از بدو تولد تقویت شده است، از درک خواندن کودکان دیگر جلوتر است. تا زمانی که کودکان بتوانند در خواندن و درک مطالب خواندنی به اندازه‌ی درک شنیدن مهارت پیدا کنند، شنیده‌ها را بهتر درک می‌کنند. شما باید ابتدا یک کلمه را شنیده باشید تا بتوانید آن را بیان کنید یا آن را بخوانید و بنویسید. اگر شما کلمه‌ی «عظیم» را به طرزی بامعنا نشنیده باشید، هنگامی که موقعیت خواندن و نوشتن آن پیش آید معنای آن را درک نخواهید کرد. در واقع یک نوع گنجینه‌ی لغات در ذهن کودک وجود دارد و کار والدین پرکردن این گنجینه با کلمات هرچه بیشتر است تا به صورت کلام و سپس خواندن و نوشتن سرریز کند. کودکان چهار ساله در خانواده‌های مرفه حدود ۴۲ میلیون کلمه از بستگان خود می‌شنوند و کودکان خانواده‌های فقیر حدود ۱۳ میلیون کلمه. این اختلاف یعنی ۳۲ میلیون کلمه، خود معادل

جلو بودن کودکان مرفه به اندازه‌ی یک سال تحصیلی است. از طرفی کودکان ما حدود ۹۰۰ ساعت در مدرسه و حدود ۸۰۰۰ ساعت در کنار خانواده هستند. بنابراین چه کسی بهتر از پدر و مادر می‌تواند با دل‌سوزی و مراقبت، به تأمین مهارت‌های زندگی کودک از جمله مهارت خواندن کمک کند.

● بلندخوانی از سنین کودکی برای کودکان حداقل کار و مفیدترین کار در عرصه‌ی یاددهی - یادگیری است. طبق آمارهای بین‌المللی، کودکان حس حیرت و کنجکاوی خود را به‌خاطر حضور در مراکز آموزشی و روش‌های آموزشی موجود و نوع برخورد با ایشان تا سن یازده سالگی از دست می‌دهند، پس خوب است که از همین امروز اقدام کنیم. ولی تا چه زمانی باید این کار را ادامه دهیم؟

● معمولاً سطح شنیداری و خواندن کودکان برابر نیست. این امر تا کلاس سوم راهنمایی ادامه دارد. یعنی زمانی که سطح خواندن به سطح شنیدن برسد، البته آن هم برای آن دسته از کودکانی که روی مهارت خواندن نیز به اندازه‌ی کافی تمرین می‌کنند. این بدان معناست که دانش‌آموزان کلاس اول می‌توانند کتاب‌های دانش‌آموزان کلاس چهارم را بشنوند و بفهمند ولی خود قادر به خواندن آن‌ها نیستند. همین‌طور یک دانش‌آموز کلاس

چهارم می‌تواند به داستان‌های دانش‌آموز کلاس اول راهنمایی گوش کند. حتی خواندن کتاب‌های فصل‌بندی شده که معمولاً بدون تصویرند یا تصاویر کمی دارند نیز برای این دسته از کودکان، دنیایی از کلمه‌ها و ایده‌های تازه را باز می‌کند و در عوض به آن‌ها کمک می‌کند تا مطالب کتاب‌های درسی را بهتر بفهمند. کتاب‌هایی که جملات ساده و کوتاه دارند برای آن نوشته می‌شوند که خوانندگان مبتدی - که معمولاً در کشور ما کلاس اولی‌ها هستند - بتوانند به تنهایی آن را بخوانند. ولی حقیقت مطلب آن است که آن‌ها توانایی درک جملات بلندتر و واژگان غنی‌تر را نیز دارند و برای همین بزرگ‌سالان باید در خواندن متن‌های غنی‌تر به آن‌ها کمک کنند تا بدین ترتیب حس ماجراجویی آن‌ها ارضا شود.

● بلندخوانی گنجینه‌ی آن دسته از لغاتی را در کودک افزایش می‌دهد که در محاورات روزمره یافت نمی‌شود. لغاتی که در گفت‌وگوها نادرند ولی در یادگیری و آموزش به کار می‌روند و کلیدی‌اند. از این‌رو بلندخوانی به‌خصوص در سال‌هایی که کودک قادر به خواندن نیست، موجب آشنایی او با کلمات جدید و تسهیل امر خواندن در سال‌های آینده خواهد شد. کودک این لغت‌ها را از طریق شنیدن آن‌ها چه برایش خوانده می‌شود، در حافظه‌اش نگاه می‌دارد و

سعی می‌کند آن‌ها را در گفتار خویش به کار گیرد تا بعدها آن‌ها را در خواندن و نوشتن نیز به کار ببرد.

● وقتی می‌خواهید برای بچه‌ها بلندخوانی کنید، به گروه‌های سنی مندرج در کتاب توجه نکنید چون کودکان قدرت درک شنیداری بالاتری دارند مانند، وقتی که با ایشان سخن می‌گویید. ولی اگر کودک خودش بخواند کتاب بخواند، باید در سطح سواد علمی گروه سنی او کتاب را تعیین کنید. همواره علاقه و

مدت زمان تمرکز کودکان را هنگام بلندخوانی برای آن‌ها تأکید کنید. شما باید براساس شناختی که از کودک دارید و توجه به تفاوت سطح شنیداری و خواندن کودک، برای او کتاب بخوانید یا کتاب بخیرید. این انتخاب با شماست. گاهی برای یک کودک پیش‌دبستان از گروه «ب» و «ج» هم می‌شود کتاب خواند. این انتخاب‌ها بستگی به گنجینه‌ی لغات کودک نیز دارد.

● در آغاز دوره‌ی خواندن که در برخی کشورها

از چهار سالگی نیز شروع می‌شود، کودک نمی‌تواند متن‌هایی را با کلمات غیرمصطلح یا نادر بخواند. اگر در دوران کودکی آن کلمات را به کمک بلندخوانی والدین یا اطرافیانش شنیده باشد و بیان کرده باشد، برای خواندن آن‌ها آمادگی بیشتری دارد. کودکان به‌طور طبیعی در روند رشد خود ابتدا کلمات را می‌شنوند، سپس آن‌ها را بیان می‌کنند و بالاخره می‌خوانند و دست آخر می‌توانند آن‌ها را در نوشته‌هایشان به کار ببرند. حتی کودکانی که تازه شروع به

بایدهای بلندخوانی

۱. هرچه زودتر بلندخوانی را برای کودک خود آغاز کنید. وقتی کودکان کوچک‌ترند بهتر و آسان‌تر این کار انجام می‌شود.
۲. برای خردسالان مهم نیست که کتاب دارای تکرار و وزن باشد، وقتی بزرگ‌تر شدند کتاب‌های دارای وزن و قابل پیش‌بینی را اضافه کنید.
۳. هنگام خواندن کتاب‌هایی که قسمت‌های قابل پیش‌بینی دارند، گاهی در قسمت‌های کلیدی صبر کنید و اجازه دهید کودک کلمات را بگوید.
۴. هر وقت شما و کودکان (فرزندان / دانش‌آموزان) وقت دارید، با هم بخوانید و منتظر زمانی معین نمانید.
۵. سعی کنید حداقل یک زمان مشخص را برای خواندن داستان در طول روز در نظر بگیرید.
۶. به‌خاطر داشته باشید که هنر گوش کردن یک مهارت اکتسابی است که باید آموخته شود و به‌تدریج رشد کند؛ یک شبه اتفاق نمی‌افتد.
۷. با کتاب‌های تصویری شروع کنید، کتاب‌هایی که فقط چند خط در هر صفحه دارند. کم‌کم به سمت کتاب‌های پرحجم و با تصاویر کمتر و در نهایت به سوی کتاب‌های فصل‌بندی شده بروید.
۸. به تنوع و تغییر حجم و موضوع مطالب خواندنی از داستانی گرفته تا غیرداستانی توجه کنید.
۹. برای درگیر کردن کودکان خردسال از آن‌ها بخواهید در زمان لازم برای شما کتاب را ورق بزنند.
۱۰. همیشه قبل از خواندن متن، عنوان کتاب، نام نویسنده، نام تصویرگر و نام مترجم کتاب و حتی نام ناشر را برای کودک بخوانید.
۱۱. اگر برای اولین بار کتابی را می‌خوانید، درباره‌ی تصویر روی جلد بحث کنید. برای مثال: «فکر می‌کنی این کتاب درباره‌ی چیه؟»

۱۲. در حین خواندن برای مشارکت بیشتر مخاطب گاهی بپرسید: «فکر می‌کنی بعدش چی می‌شه؟»

۱۳. کتاب‌های تصویری را به راحتی می‌توان برای طیفی از کودکان در خانواده خواند هر چند که اختلاف سنی آن‌ها زیاد باشد. داستان‌های بلند در این مورد استثنا هستند. چنانچه اختلاف سن (و بالطبع اختلاف اجتماعی و عاطفی) میان کودکان بیش از دو سال وجود دارد، هر کودک در صورتی بهره‌مند خواهد شد که برایش جداگانه بخوانید. این کار نیروی بیشتری از طرف والدین می‌طلبد و به نتایجش می‌ارزد.

۱۴. تا زمانی که قدرت تخیل و مدت تمرکز کودک به حد لازم نرسیده است از خواندن متن‌های طولانی خودداری کنید. هیچ اشکالی ندارد که متن‌ها را کوتاه یا به‌طور کلی حذف کنید. وقتی متن‌ها را از قبل خوانده باشید، می‌توانید چنین قسمت‌هایی را شناسایی کنید و با مداد در حاشیه‌ی کتاب علامت بگذارید. **چارلز دیکنز** اغلب وقتی در مجامع عمومی می‌خواند، چنین ترفندی را به کار می‌برد.

۱۵. چنانچه فصول کتاب طولانی است و شما زمان کافی ندارید که هر روز فصلی کامل را بخوانید، یک قسمت حساس یا تعلیق‌کننده را برای توقف انتخاب کنید. اگر شنوندگان خود را تشنه رها کنید، آن‌ها برای نوبت بعدی خواندن، بیشتر لحظه‌شماری می‌کنند.

۱۶. ابتدا اجازه بدهید در طی چند دقیقه شنوندگان شما در جای خود مستقر شوند و وضعیت ذهن و بدن خود را برای این کار آماده کنند. اگر داستان بلند می‌خوانید با این سؤال شروع کنید: «دیروز کجا بودیم؟». روحیه عامل مهمی در گوش دادن است. جملات «حالا بس کنید و آرام بگیرید»، «درست بنشینید و توجه کنید» لزوماً روحیه‌ی پذیرایی را ایجاد نمی‌کند.

۱۷. اگر کتاب تصویری می‌خوانید، مطمئن شوید کودکان می‌توانند تصاویر را به راحتی ببینند. اگر در مدرسه هستید، بچه‌ها را به صورت نیم‌دایره جلوی خود بنشانید. خودتان در

خواندن می کنند نیز نمی توانند فقط با خواندن کتاب‌هایی که توان آن را دارند، روحیه‌ی ماجراجویی و حس کنجکاوی خود را ارضا کنند. آن‌ها برای جبران این کمبود به آن‌چه دیگران برایشان تعریف می کنند یا می خوانند، عشق می ورزند. به همین دلیل وجود انگیزه و علاقه‌ی کودک به بلندخوانی همواره مهمیاست و این امر برایش تحمیلی نیست چون او قادر به درک کلماتی است که خود قادر به خواندن آن‌ها نیست. بنابراین بلندخوانی برای کودکان

در سال‌های اول دوره‌ی ابتدایی بیش از دوران پیش دبستان (که کودک می داند، نمی تواند بخواند) مطرح است. ● انسان اساساً لذت طلب است و کارهایی را که دوست دارد، بارها و بارها انجام می دهد. اگر می خواهیم مطمئن شویم که کودکان در آینده به کتاب خوانی روی می آورند، باید مطمئن شویم که خواندن را دوست دارند. کودکان چون از شنیدن داستان لذت می برند، می توان با اتکا به این خصوصیت، پیوند و انس آنان را

با کتاب محکم کرد. ● بلندخوانی عامل تحریک کننده و انگیزه دهنده برای خواندن کودک است و علاقه به خواندن و میل به دانستن را در کودک افزایش می دهد. هر بلندخوانی مانند یک تبلیغ رسانه‌ای برای کتاب خوانی است. امید است با لذت بخش کردن زمان‌های بلندخوانی برای کودک، جمع امتیازات خواندن و خواندن‌ها در دوران رشد او از امتیاز سایر جاذبه‌های اطراف وی مانند تلویزیون و بازی‌های رایانه‌ای پیشی

جای مرتفع تری قرار بگیرید که بچه‌های عقبی بتوانند کتاب و شما را از بالای سر دیگران ببینند.

۱۸. اگر داستان بلند می خوانید، خودتان و بچه‌ها طوری بنشینید که راحت باشید. برای خواندن جلوی یک پنجره‌ی پر نور نایستید چون نور پشت سر شما، چشم شنوندگان را می زند.

۱۹. به خاطر داشته باشید که از کتاب‌های تصویری همه لذت می برند، حتی نوجوانان و جوانان.

۲۰. چه در خانه و چه در مدرسه حتماً بعد از خواندن داستان، وقت برای بحث و گفت و گو بگذارید. افکار، امیدها، ترس‌ها و اکتشافات به وسیله‌ی کتاب تحریک می شوند. به آن‌ها اجازه‌ی ظهور بدهید و به کودکان اجازه دهید تا از طریق بیان شفاهی، نوشتاری یا هنری (چنانچه ذوق آن را دارند) واکنش نشان دهند. گفت و گوها را به آزمون تبدیل نکنید یا بچه‌ها را وادار نکنید که داستان را تفسیر یا معنی کنند.

۲۱. همه قادرند بلندخوانی کنند اما اجرای موفقیت آمیز و راحت آن با تمرین به دست می آید.

۲۲. از حالت‌های گوناگون لحن و چهره هنگام خواندن استفاده کنید. در صورت امکان تَن صدای خود را متناسب با گفت و گوها تغییر دهید. سرعت خواندن را با متناسب با محتوای داستان کم و زیاد کنید. در قسمت‌های حساس و بلا تکلیف، شمرده و آهسته تر بخوانید.

۲۳. اشتباه عمومی در بلندخوانی - چه برای کودک هفت ساله بخوانید و چه برای آدم چهل ساله - آن است که تند بخوانید. برای کودک آن قدر شمرده بخوانید که بتواند تصاویر ذهنی خویش را از آن چه می شنود، بسازد. برای کودکان آن قدر شمرده بخوانید تا بتوانند بدون عجله تصاویر کتاب را دنبال کنند. تند خواندن به خواننده مهلت نمی دهد از لحن و آهنگ صدای مناسب هنگام خواندن استفاده کند.

۲۴. قبلاً خودتان کتاب را بخوانید. با این کار می توانید

تصمیم بگیرید که کجاها را تند کنید، کجاها را حذف یا با شرح و تفصیل بخوانید.

۲۵. نویسنده را نیز به همراه کتاب زنده کنید. به کمک نام نویسنده در جست و گوگر گوگل، سایت و تصویر او را بیابید و اطلاعات مربوط به او را بیان کنید. خواندن شرح حالی از نویسنده برای مخاطب، یادآوری می کند که کتاب‌ها به وسیله‌ی آدم‌ها نوشته می شوند نه ماشین‌ها.

۲۶. هر جا که ممکن بود به کتاب بعد سوم بدهید، مثلاً اگر داستان درباره‌ی شب یلدا و تنقلات مخصوص آن شب است حتماً یک کاسه انار یا آجیل شیرین جلوی دست بگذارید. ۲۷. از اقوام، دوستان (کادر مدرسه، اولیای داوطلب) بخواهید که داستان‌هایی را با صدای خود برای کودکان ضبط کنند تا شما برای دانش آموزان کلاس پخش کنید.

۲۸. برای کودکانی که سواد خواندن ندارند یا بیش فعال اند، معمولاً بسیار سخت است که فقط بنشینند و گوش دهند. وجود کاغذ، مداد شمعی و مداد رنگی هنگام گوش کردن باعث مشغولیت دستانشان می شود، درست مانند بزرگسالانی که هنگام گوش کردن یا حرف زدن با تلفن چیزی را خط خطی می کنند.

۲۹. پدران در امر بلندخوانی برای فرزندان خویش باید بیشتر همت به خرج دهند چون معلمان مدارس ابتدایی معمولاً خانم هستند و کودکان به طور ناخودآگاه کار مدرسه و خواندن را به بانوان مرتبط می کنند. از طرفی پدران بیشتر دنبال بازی فوتبال و مانند آن هستند تا این که با فرزندان خود به کتاب خانه بروند. بی خود نیست که رتبه‌ی تحصیلی پسران در طول ده‌های اخیر نسبت به دختران رو به کاهش است. درگیری پدران با کتاب و کتاب خوانی در بالابردن مقام کتاب در ذهن پسران بسیار مؤثر خواهد بود.

۳۰. وقتی بچه‌ها دلشان می خواهد برای شما کتاب بخوانند، بهتر است کتاب هر چه می تواند ساده باشد تا مشکل.

نبايدهای بلندخوانی

۱. داستانی را انتخاب نکنید که خودتان از خواندن آن لذت نمی‌برید. بی‌علاقگی شما هنگام خواندن آشکار می‌شود و با هدف شما (ترغیب خواندن) مغایر است.

۲. وقتی متوجه می‌شوید کتاب انتخابی شما مناسب نبوده است، به خواندن ادامه ندهید. به اشتباه خود اذعان کنید و کتاب دیگری را برگزینید. البته مطمئن شوید به کتاب فرصت کافی برای شکوفایی و نمود داده‌اید چون ماجرای بعضی داستان‌های بلند کمی کندتر از سایر داستان‌ها شروع می‌شود. این قضیه درباره‌ی فیلم‌ها هم صادق است. گاهی فیلم شما را از صحنه‌ی اول جذب می‌کند و گاهی بعد از مدتی این کار صورت می‌گیرد.

۳. احساس معلمی را نداشته باشید که گویا همه‌ی چیزها بایست با محتوای کتاب‌های درسی پیوند داشته باشد. طیف وسیع ادبیات کودکان را با محدوده‌ی تنگ برنامه‌ی درسی ادبیات و سایر درس‌ها محصور نکنید. آیا شما دوست دارید تمام کارهای روزانه‌تان را به محتوای یک سخن‌گره بزنید در حالی که سخنان دیگری نیز وجود دارد؟ هدف ما این است که از کودک خواننده‌ی مادام‌العمر بسازیم و نه فقط یک خواننده در زمان مدرسه. این هدف هرگز میسر نمی‌شود چنان‌چه دانش‌آموز فکر کند خواندن همیشه با درس و کارهای شاق پیوند خورده است.

۴. شنونده‌ی خود را تحت فشار قرار ندهید. سطح رشد عقلانی، اجتماعی و عاطفی مخاطب خود را هنگام بلندخوانی در نظر بگیرید. هرگز بالاتر از سطح عاطفی - هیجانی کودک برایش نخوانید.

۵. کتابی را انتخاب نکنید که بچه‌ها قبلاً فیلم آن را در تلویزیون یا سینما یا ویدئو دیده‌اند. وقتی که ماجرای یک داستان معلوم است، انگیزه‌ی کودک بیشتر از میان می‌رود. شما همیشه می‌توانید اول داستان را بخوانید و بعد فیلم ویدئویی آن را تماشا کنید. به این ترتیب کودکان می‌توانند بفهمند که نوشته‌ها چه قابلیت‌هایی را برای پردازش دارند که فیلم‌ها ندارد. برای مثال می‌شود بحث کرد: «چه قسمت‌هایی در فیلم نبود؟ چرا؟ اگر قرار بود تمام ماجرای کتاب را به صورت فیلم درآوریم، فیلم ما چه قدر طول می‌کشید؟»

۶. در انتخاب داستان‌های بلند برای بلندخوانی از کتاب‌هایی که حجم بالایی از گفت‌وگو (دیالوگ سنگین) دارند، اجتناب کنید. این نوع کتاب‌ها برای خواندن و شنیدن دشوارند. تمام علائم نوشتاری مانند پیش‌روی پاراگراف یا بند، گیومه‌ها، پرانتزها و زیرنویس‌ها برای تسهیل در صامت‌خوانی است چرا که خواننده قادر به دیدن آن‌هاست و می‌تواند بفهمد که شخص جدیدی صحبت می‌کند ولی شنونده از درک چنین علائمی عاجز است، بخصوص اگر نویسنده از آوردن نام گوینده مانند، «خانم معلم گفت» در متن خودداری کرده باشد، آن‌گاه شنونده اصلاً متوجه نمی‌شود که چه کسی حرف زده است.

۷. گول جوایز ادبی نامبرده روی کتاب‌ها را نخورید. صرف

جایزه گرفتن یک کتاب، ضمانت کافی برای موفقیت آن کتاب در بلندخوانی نیست. بیشتر مواقع این جوایز به‌خاطر کیفیت نگارش یا تصویر اعطا می‌شوند و نه به‌خاطر کیفیت آن در بلندخوانی.

۸. اگر وقت کافی برای به پایان رساندن داستان را ندارید، از خواندن صرف‌نظر کنید. اگر قرار باشد بعد از یکی دو صفحه خواندن را قطع کنید، همان بهتر که اصلاً شروع نکنید. زیرا این امر به جای ایجاد انگیزه در واقع کسالت به همراه می‌آورد و ذوق کودک را در علاقه به کتاب‌خوانی از میان می‌برد.

۹. هنگام خواندن خیلی هم راحت نباشید. حالت لمیده و قوز کرده به احتمال زیاد خواب‌آلودگی به همراه می‌آورد. لم‌دادن پیام فوری به قلب می‌رساند که آرام بشوید. وقتی خون کمتری به گردش درآید، اکسیژن کمتری به مغز می‌رسد و حالت رخوت و سستی به انسان دست می‌دهد. این حالت برای همه فراهم نمی‌شود ولی برای اکثریت چنین است. سعی کنید پاهایتان را روی زمین نگاه دارید.

۱۰. با سؤالاتی که بچه‌ها هنگام خواندن می‌پرسند، خودتان را ناراحت نکنید، به‌خصوص اگر کودکان خردسال باشند. اگر هدف از سؤال کردن به تعویق انداختن زمان خواب یا عدم تمرکز و شیطنیت نیست با حوصله به آن پاسخ دهید. خواندن که محدودیت زمانی ندارد، ولی کنجکاوی کودکان زمان مشخص و محدودی دارد. کنجکاوی کودکان را با جواب‌های باحوصله تقویت کنید و سپس خواندن را از سر بگیرید. البته سؤال‌های کلاسی متفاوت‌اند و بهتر است در پایان کار بدان‌ها پرداخته شود. با وجود بیست شاگرد سرکلاس که هر کدام سؤالی مطرح کنند، هیچ‌وقت نمی‌توانید داستان را به پایان برسانید.

۱۱. تفسیر داستان را به شنونده‌ی خود تحمیل نکنید. یک داستان می‌تواند به تنهایی لذت‌بخش باشد و لزوماً هیچ دلیلی هم نمی‌خواهد و تازه شما حرف‌های دیگری برای کودک دارید تا بیان تفسیر خود از کتاب. بیشتر تأثیر ادبیات وقتی مشاهده می‌شود که کودکان بتوانند بعد از بلندخوانی پیرامون آن امکان بحث و گفت‌وگو داشته باشند.

۱۲. سعی نکنید با فیلم‌ها و تلویزیون رقابت کنید. برای مثال بگویید: «کدام یک را می‌خواهی، داستان یا تلویزیون؟» چون آن‌ها معمولاً تلویزیون را انتخاب می‌کنند. این درست مثل آن است که یک بچه‌ی نه ساله بگوید: «چی میل داری؟ سبزیجات پخته یا یک بستنی قیفی؟» چون شما بزرگسال هستید، این تصمیم‌گیری با شماست. «تلویزیون سر ساعت هشت و نیم قطع می‌شود، اگر قبل از خواب داستان خواستی که خوب است و گر نه از تلویزیون خبری نیست و موقع خواب است!» اجازه ندهید که کتاب‌ها مسئول جدایی کودکان از تلویزیون باشند. هر چند تحقیقات محدودیت استفاده از بازی‌های رایانه‌ای و تلویزیون را در عملکرد بهتر دانش‌آموزان مورد تأیید قرار می‌دهد.

گیرد و کودک در این زمینه به خودجوشی و خودبستگی برسد.

● از آنجا که محور دروس ادبیات در مدارس چه‌گونه خواندن و نوشتن است، از میل به خواندن در این درس غفلت شده است. حال آن‌که مهارت خواندن و درک خواندن با تمرین به‌دست می‌آید و نه با آگاهی از اصول خواندن. حلقه‌ی مفقوده در مدارس ما به‌ویژه در دوره‌ی ابتدایی عدم توجه کافی به تنوع انگیزه در کودکان و رعایت تفاوت ذائقه‌ها و گوناگونی منابع ادبی اعم از داستانی، علمی تخیلی، طنز، افسانه‌های تمثیلی و کهن، داستان‌های ماجراجویانه، داستان‌های فکری و فلسفی، نمایشنامه، داستان پریان، فانتزی و... است. در کشورهایی مانند کانادا، آمریکا و انگلستان به گفته‌ی «کتاب هفته» (نشریه‌ی وزارت ارشاد اسلامی) میلیون‌ها کتاب از طرف نظام آموزشی برای ترغیب کودکان به خواندن به آن‌ها داده می‌شود تا در درس ادبیات استفاده شود. در متروی شهر تورنتوی کانادا از هر ۱۰ نفر دست کم هشت نفر به صورت ایستاده یا نشسته در حال خواندن هستند و این صحنه برای ما بسیار قابل تأمل است. باید دانه‌های خواندن را در زمان کودکی بکاریم.

● وقتی به سال‌هایی که برای کودکان خود کتاب خوانده‌اید برگردید، متوجه می‌شوید که به همان اندازه که شما به آن‌ها چیزی داده‌اید، آن‌ها نیز به شما چیزی هدیه کرده‌اند. این کار باعث می‌شود هر شب زمان پرکاری را با آن‌ها سپری کنید و همین کار آغازگر گفت‌وگویی میان شما و آن‌ها می‌شود و تعلقات فرهنگی و عاطفی در این میان محکم می‌گردد. گاهی کتاب‌هایی را برایشان می‌خوانید که خودتان در کودکی از آن بی‌بهره بوده‌اید و گاهی کتابی را می‌خوانید که خود بسیار دوست داشته‌اید. در هر مورد بازگشت به دوران کودکی، به شما کمک می‌کند که پدر و مادر بهتری شوید. اگر کسی شما را از این کار منع کند حتماً برای هیچ کودکی کتاب نخوانده است. تجربه نشان داده است که هر کس این کار را انجام دهد، بار دیگر کودکی خود را مرور کرده است.

● دسترسی به فهرست کتاب‌های خوب برای کودکان همواره امکان‌پذیر است. مسئولان کتابخانه‌ها در مدارس و مراکز فرهنگی شهرداری یا کانون پرورش فکری و به‌ویژه معلمان از این کتاب‌ها باخبرند. ناشران کتاب‌های کودک و نوجوان نیز همواره بروشورهایی را در این زمینه منتشر می‌کنند یا در اینترنت قرار می‌دهند. شما خود نیز با مرور سریع کتاب‌ها در کتاب‌فروشی‌های کودک و با شناختی که از کودک خود دارید زود به این امر پی خواهید برد. اگر هم مایل نیستید کتاب‌ها را خریداری کنید، همیشه کتابخانه‌ها در خدمت شما هستند. بسیاری از بستگان نیز بعد از بزرگ‌شدن کودکان خود نمی‌دانند با کتاب‌هایشان چه کنند! خوب است رسم بخشیدن یا امانت‌دادن کتاب میان بستگان و دوستان و هم‌کلاسی‌ها معمول شود. این کار باعث چرخش کتاب‌های موفق و مورد علاقه‌ی کودکان خواهد شد. این روزها خبر از رسم خوب گذاشتن کتاب در اتوبوس، مترو و مراکز پرجمعیت مانند بوستان‌ها نیز به گوش می‌رسد. می‌توانید کتاب‌های اضافی خود را به کتابخانه‌ها، مدارس، مطب پزشکان کودک و دفتر پارک‌ها هدیه کنید. خوب است کتاب بچرخد تا این‌که در یک‌جا بماند!

● لازم نیست نگران زمان بلندخوانی باشید و خیلی وسواس به خرج دهید. اگر کتاب در خانه باشد، وقت خواندنش پیدا می‌شود. گاهی ممکن است قطعه‌ای را از روزنامه یا مجله یا متنی که از طریق ایمیل دریافت کرده‌اید، در سر میز صبحانه برای اعضای خانواده، با صدای بلند بخوانید. هر وقت احساس کردید ممکن است کلمه‌ای یا ماجرای کودک شما را ناراحت کند یا او پیام اشتباه دریافت کند، از خواندن آن قسمت خودداری کنید. مطمئناً همین کار را دلتان می‌خواست با بعضی قسمت‌های فیلم‌ها انجام دهید، این‌طور نیست؟

● بعضی‌ها فکر می‌کنند آینده در دست دنیای دیجیتال است و دوران کتاب به پایان رسیده است. خوب است به این حقیقت اشاره کنیم که کتاب‌های هزار سال پیش را هم‌اکنون

می‌توان خواند، بدون این‌که احتیاج به باتری یا برق یا نرم‌افزاری مناسب باشد. ولی خود شاهد بوده‌ایم که دیگر نمی‌توانیم نوارهای ویدئویی و VHS، فیلم‌های هشت میلی‌متری و مشابه آن را ببینیم. اصولاً منازل جایی برای آن دستگاه‌های بزرگ ندارند و در ضمن فایل‌های word 95 را دیگر نمی‌توانیم باز کنیم. مقالات، مجلات و اطلاعاتی را که امروز در دسترس شماست، معلوم نیست در چند دهه‌ی بعد چه می‌شود! خودتان با سی‌دی‌هایی که دیگر خوانده نمی‌شود و دی‌وی‌دی‌هایی که دیگر باز نمی‌شوند، روبه‌رو هستید ولی یک کتاب را هر چند کهنه و رنگ و رو رفته می‌شود، به راحتی و با احساس قدرشناسی می‌توان باز کرد و مشغول شد. خواندن کتاب‌های الکترونیکی چشم را بسیار خسته می‌کند و این به‌خاطر صفحه‌ی روشن کامپیوتر است. علاوه بر این وضوح کلمات نیز در صفحه‌ی نمایش کمتر است تا در چاپ. انعکاس نور آفتاب در گوشی‌های همراه نیز خواندن را مشکل می‌کند. دوران کتاب ممکن است کمرنگ شود و رقبا گاهی میدان را بگیرند ولی هنوز به پایان نرسیده است، آن هم برای کودکان و کتاب‌های مصور و یا دست‌کم هنوز در ایران.





۱۰ پیشنهاد ساده برای کتاب خوانی

محبت الله همتی
کارشناس کتاب‌های آموزشی

اشاره

هفته‌ی کتاب فرصت مناسبی است تا دانش‌آموزانمان را با دنیای کتاب و لذت کتاب‌خوانی آشنا کنیم. این فرصت را از دست ندهیم.

تا حالا به این موضوع فکر کرده‌اید که چرا ایجاد مهارت خواندن از جمله‌ی مهم‌ترین هدف‌های تعلیم و تربیت در دوره‌ی ابتدایی است؟ کودکان در این دوره باید به میزان لازم و کافی در خواندن مهارت یابند تا بتواند بخش مهمی از نیازهای خواندنی خود را از طریق خواندن به دست آورند. دوران کودکی، دوران کسب و تثبیت عادت‌های مفید است. عادت به مطالعه‌ی کتاب در این سنین در کودکان نهادینه می‌شود. برخی مطالعات نشان داده است، دانش‌جویانی که در دانشگاه بیشترین استفاده از کتاب‌خانه را می‌کنند معمولاً آن‌هایی هستند که مطالعه را از دبستان آغاز کرده‌اند. فضای آموزشی و به‌خصوص معلم مهم‌ترین عامل در تشویق کودکان به مطالعه و خواندن است.

برای ترویج و تشویق به کتاب‌خوانی این کارها را می‌توانیم انجام دهیم:

۱. اگر مدرسه‌ی ما کتاب‌خانه‌ی مناسب و مجهزی ندارد، خودمان است به کار شویم. تشکیل کتاب‌خانه‌ی کوچک کلاسی به کمک خود بچه‌ها و مشارکت والدین می‌تواند راه‌گشا باشد.

۲. چه کتاب‌هایی برای کتاب‌خانه‌ی کلاسی مناسب است؟ نگران این مسئله نباشیم. برای تجهیز کتاب‌خانه‌ی کلاس، می‌توانیم از فهرست پایان کتاب‌های درسی استفاده کنیم. مهم‌ترین فهرست، فهرستگان کتاب‌های مرتبط با برنامه‌ی درسی دوره‌ی ابتدایی موسوم به «کتاب‌نامه‌های رشد» است که می‌تواند ما را یاری کند. مراجعه به فهرستگان کتاب‌های مناسب نهادهای گوناگون هم کار گشاست.

۳. یادمان باشد در یک کتاب‌خانه‌ی کلاسی علاوه بر مطالعه‌ی کتاب‌های علمی و آموزشی از کتاب‌های داستانی هم نباید غفلت کنیم. سعی کنیم کتاب‌خانه‌ی کلاسی ما از انواع داستانی و غیرداستانی، کتاب داشته باشد. مهم‌ترین مرجع برای کتاب‌های داستانی، توجه به فهرستگان کتاب‌های برگزیده‌ی جشنواره‌های گوناگون است. مانند، «جشنواره‌ی کتاب سال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی»، «جشنواره‌ی کتاب کودک و نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان»، «جشنواره‌ی کتاب سال مجله‌ی سلام بچه‌ها»، «جشنواره‌ی کتاب سال شهید غنی‌پور»، «جشنواره‌ی کتاب برتر انجمن فرهنگی ناشران کودک و نوجوان» و فهرست‌های برگزیده‌ی کتاب مثل فهرست کتاب‌های «لاک‌پشت پرنده» و «شورای کتاب کودک و...».

۴. از مهم‌ترین کتاب‌هایی که در کتاب‌خانه‌ی کلاسی باید داشته باشیم انواع کتاب‌های مرجع مثل «دایره‌المعارف‌های عمومی» و موضوعی خاص کودکان و نوجوانان و «فرهنگ‌های فارسی» مخصوص بچه‌هاست. می‌توانیم هنگام تدریس در موقعیت‌های گوناگون، شاگردانمان را در کلاس به مطالعه‌ی این نوع کتاب‌ها ارجاع دهیم تا آن‌ها یاد بگیرند چه‌گونه برای پیدا کردن پاسخ پرسش‌های خود به کتاب‌های مرجع مراجعه کنند.

۵. استفاده از کارت‌های قصه‌گویی به‌ویژه برای کودکان کلاس اول و دوم دبستان بسیار لذت‌بخش خواهد بود. فرصت‌هایی را برای خواندن داستان در کلاس فراهم کنیم. سعی کنیم با تکنیک‌های قصه‌خوانی آشنا شویم و از آن‌ها در هنگام قصه‌گویی بهره ببریم. خواندن قصه به وسیله‌ی معلم در کلاس درس معجزه می‌کند. کافی است امتحان کنیم.

هم‌چنین می‌توانیم از مادر بزرگ دانش‌آموزانمان بخواهیم در کلاس حضور یابند و

برای بچه‌ها قصه‌خوانی کنند یا قصه بگویند. ۶. برای کودکان کلاس اول و یا دوم دبستان قصه بخوانیم، سپس از آن‌ها بخواهیم یک قطعه نقاشی از قصه بکشند. بعد آن‌ها را در کلاس به نمایش بگذاریم و از ناشر یا تصویرگر یا نویسنده‌ی کتاب بخواهیم تا کارهای بچه‌ها را ببیند. در صورتی که موفق به این کار نشدیم، می‌توانیم نقاشی‌ها را برای ناشر کتاب بفرستیم و در عوض از او درخواست کنیم برای کتاب‌خانه‌ی کلاسی ما، کتاب هدیه دهد.

۷. اگر به نویسندگان یا شاعران کودک دسترسی داریم، از آن‌ها بخواهیم در کلاس حاضر شوند و برای دانش‌آموزان قصه بخوانند.

۸. آیا در نزدیکی مدرسه‌ی ما، کتاب‌خانه‌ی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان وجود دارد؟ بچه‌ها را به کتاب‌خانه‌های کانون ببریم و از کتاب‌دار بخواهیم که برای بچه‌ها کتاب بخواند. می‌توانیم از کتاب‌دارهای کانون بخواهیم در کلاس ما حضوراً قصه برای بچه‌ها بخوانند.

۹. شرایطی فراهم کنیم تا در هفته‌ی کتاب، کودکان به هم‌دیگر کتاب هدیه بدهند. قبلاً از مشارکت والدین در این زمینه اطمینان حاصل کنیم و از آن‌ها برای این کار دعوت کنیم.

۱۰. همه‌ی این نوع کارها کمی فکر بکر و همت می‌خواهد. امکانات در درجه‌ی دوم اهمیت قرار دارد. فکرمان را به کار بیندازیم، صدها راه دیگر برای ترویج خواندن و مطالعه به ذهن مان خواهد رسید. به این ترتیب می‌توانیم آن‌ها را بنویسیم و برای مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی بفرستیم تا در اختیار دیگر همکاران قرار گیرد. راستی یک قرار دیگر نیز با هم بگذاریم. بخشی از این برنامه‌ها را اجرا کنیم و نتایج آن را به سردبیر مجله بفرستیم. نظرتان چیست؟

دست به کار شوید!



کدام کتاب‌ها را بخوانیم؟

فریبا کیا

مدیر سامان‌دهی منابع آموزشی مکتوب



وقت نظام آموزشی را واداشت تا طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی را اجرا کنند. در واقع سامان‌بخشی با هدف تعیین استانداردها و اعلام نیازهای آموزشی به مؤلفان و ناشران و برگزاری جشنواره با هدف سامان دادن به فرایند تولید و انتشار کتاب‌نامه‌های رشد و معرفی کتاب‌های درسی تأیید شده در پایان کتاب‌های درسی با هدف اطلاع‌رسانی و سامان دادن به فرایند مصرف، طراحی شده است. به این ترتیب هم میزان مطالعه و کتاب‌خوانی در دانش‌آموزان و معلمان افزایش می‌یابد و هم با معرفی کتاب‌های آموزشی مناسب و مرتبط با نیازهای آموزشی آنان فرایند یاددهی-یادگیری در دانش‌آموزان و معلمان تقویت شده و ذائقه‌ی مطالعاتی‌شان را تغییر می‌یابد.

توسعه‌ی کمی و کیفی آموزش و پرورش و میل عمومی به مطالعه و آموختن در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی شرایطی را فراهم آورد تا عرضه و تقاضای انواع کتاب‌های آموزشی و کمک درسی به شدت افزایش یابد.

از طرف دیگر توسعه‌ی فنی امور و امکانات چاپ و انتشار و گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی، امکان بهره‌گیری از تجربه‌های دیگر کشورها و ترجمه‌ی مواد آموزشی و کمک درسی را در مقیاس وسیع ممکن و فرایند تهیه، تدوین و تولید کتاب‌ها را آسان ساخت.

اشتیاق مدارس، معلمان، خانواده‌ها و دانش‌آموزان به کتاب و مواد خواندنی از یک‌سو و نیز توسعه‌ی بنگاه‌ها و مؤسسات تولید کتاب‌های آموزشی از دیگر سو شرایطی را ایجاد کرد که انبوه کتاب‌های گوناگون برای دانش‌آموزان و مدرسه؛ تولید و منتشر شوند. بدیهی است بسیاری از مطالب خواندنی با نظام فرهنگی و آموزشی کشور هماهنگ نبودند و برخی با هدف سودجویی منتشر می‌شدند و فاقد کمترین شرایط و تعاریف لازم برای کتاب‌های آموزشی بودند. چاپ بی‌رویه‌ی کتاب‌هایی از این دست، مسئولان

کلی پایه‌ی ششم و ۳۵۰ عنوان کتاب مناسب و مرتبط با سرفصل کلی پایه‌ی دوم ابتدایی را انتخاب کرده است. همراه فهرستگان توصیفی آن، در دو مجلد کتاب‌نامه‌ی رشد پایه‌ی ششم و کتاب‌نامه‌ی رشد پایه‌ی دوم منتشر و هم‌زمان با توزیع کتاب‌های درسی توزیع شده است. نسخه‌ی الکترونیکی آن‌ها نیز در پایگاه سامان کتاب به نشانی <http://samanketab.roshdmag.ir> بارگذاری شده و برای کلیه‌ی کاربران قابل دسترس است.

با توجه به ماده‌ی شش آیین‌نامه‌ی سامان‌دهی مبنی بر این‌که خرید، عرضه و تبلیغ هرگونه منبع آموزشی و تربیتی در واحدهای آموزشی، صرفاً از منابع استاندارد مجاز خواهد بود، این دو مجلد می‌تواند به عنوان منبع و مرجعی مناسب، به منظور بهره‌گیری آموزشی، در اختیار اولیای مدرسه، معلمان و دانش‌آموزان قرار گیرد.

هم‌زمان و هم‌راستا با طرح تحول بنیادین، طرح سامان‌دهی مواد و منابع آموزشی و تربیتی (مواد و رسانه‌ها) با تصویب در جلسه‌ی مورخ ۸۹/۶/۲ شورای عالی آموزش و پرورش، با عنوان «آیین‌نامه‌ی سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی (مواد و رسانه‌ها)» شتاب فزاینده‌ای به هم‌سوسازی تولیدات و انتشار کتاب‌های آموزشی در بخش‌های خصوصی و دولتی و منطبق با برنامه‌ی درسی بخشید. هم‌زمان با تغییر ساختار آموزشی و ایجاد پایه‌ی ششم و تغییر پایه‌ی دوم دبستان، تغییر و تولید محتوای آموزشی نیز مدنظر است. بنابراین دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در میان کتاب‌های آموزشی چاپ شده در سال‌های ۹۰-۱۳۸۸ تعداد ۳۷۸ عنوان کتاب آموزشی مناسب و مرتبط با سرفصل‌های

آشنایی با کتاب‌های مناسب پایه‌های دوم و ششم ابتدایی در کتاب‌نامه‌های رشد اختصاصی همین پایه‌ها برای کسب اطلاعات بیشتر به نشانی www.roshdmag.ir (بخش سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی) مراجعه کنید.

انواروش

برای منحصر به فرد ساختن
 کلاس های درس

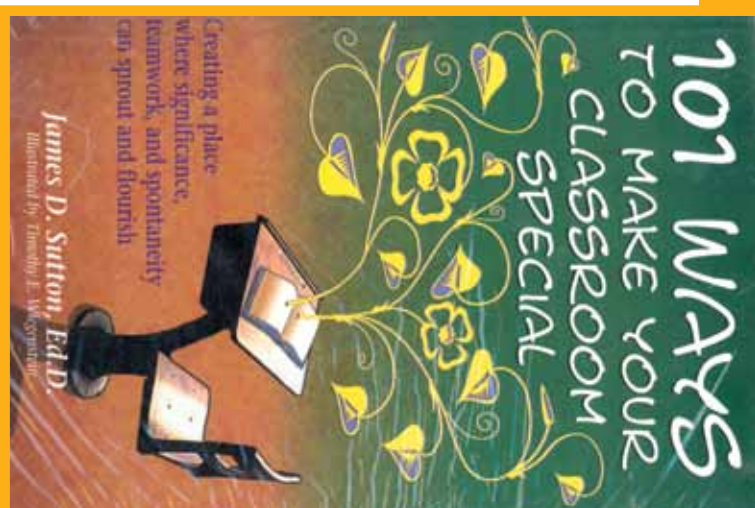
چگونه می توانیم کلاس های درس را منحصر به فرد کنیم؟

نویسنده: دکتر جیمز دی. ساتن

مترجم: نگار مجدفر

اشاره

در شماری قبل، از نخستین صفحات کتاب «۱۰۱ روش برای منحصر به فرد ساختن کلاس های درس» برخی مباحث اولیه و نیز سه اصل مهم و مدنظر نویسنده را خواندید. اکنون، فصل دوم و سوم کتاب را که شامل نکته های دیگری است، می خوانید.



فصل دوم

شیوهی استفاده از این کتاب

ایده ها و فعالیت های موجود در این کتاب، مهارت ها و توانایی های بسیاری را برای مدرسه، کلاس درس و زندگی مورد توجه قرار می دهد. این فعالیت ها بدون توجه صرف به پاسخ «صحیح» باعث پرورش قدرت تفکر و عملکرد می شود. خلاقیت همیشه باید در مرکز توجه قرار گیرد؛ به دانش آموزان ارزش آن را بیاموزید. **چارلز کترینگ** می گوید: «موقعیت های افراد به قوهی تخیل آن ها محدود می شود اما، عدهی کمی بر این باورند که هزاران نوازنده می توانند در خدمت یک آهنگ ساز باشند». هیچ اشکالی ندارد اگر در طول عمرتان یکی دو آهنگ ساز را وارد زندگی حرفه ای خود کنید.

کمک فراوان

مطالب این کتاب در جریان ارتباط من با معلمان در حدود ده سال گذشته گردآوری شده است. بدون کمک معلمان این کتاب به وجود نمی آمد. من بسیاری از این ایده ها و فعالیت ها را هنگام برگزاری کلاس های

(برای مثال، مصاحبه‌ی تلفنی با والدین در بعدازظهر).

نکته سوم: همیشه به نتایجی افزون بر نتیجه‌ی مورد نظر بیندیشید.

گاهی برخی ایده‌ها باعث بروز ایده‌های جدید می‌شوند یا روشی را که در گذشته استفاده می کرده‌اید، به یاد شما می‌آورد. با این روش می‌توانید ۱۰۱ راه را به ۲۰۱ راه تبدیل کنید.

● نکته‌ی چهارم: تلفیق و با یکدیگر اعمال کنید.

تلفیق و ترکیب نظرات و فعالیت‌ها را همواره در ذهن داشته باشید. برای مثال، در فصل ششم فعالیت بشاش ذهنی در گروه را معرفی کرده‌ام؛ در حالی که در فعالیت ۲۹ در فصل چهارم، کودکان و نوجوانان کارتهای احساس درست می‌کنند و آن‌ها را در دیگر تمرین‌های همان فصل به کار می‌برند. در این جا، ما فعالیت بارش ذهنی را به طریقی سسودمند به کار گرفته‌ایم، در فعالیت‌های هشت و ۱۳، ترندهای جادویی به کار رفته است. این فعالیت‌ها نشان می‌دهد که یک مهارت هنگامی که آموخته شود، می‌تواند برای اهداف گوناگون، به کار رود و موقعیت‌های مشابه دیگری نیز در این کتاب وجود دارد.

● نکته‌ی پنجم: فعالیت‌ها را با سن دانش آموزان تطبیق دهید.

برخی از این ایده‌ها و فعالیت‌ها ممکن است در نگاه اول از نظر سنی برای دانش آموزان نامناسب به نظر برسند. با این حال، با اعمال چند تغییر بیشتر آن‌ها قابل استفاده خواهند بود. برای مثال، ایده‌ی قرار دادن یک پرونده‌ی لوژیکی روی میز یکی از دانش‌آموزان (روش هفتم) می‌تواند با تغییراتی چند برای سنین بالاتر نیز قابل استفاده باشد. به جای یک پرونده‌ی کاغذی، طرز ساخت آن را به همراه چند ورق کاغذ درون یک پاکت بگذارید و روی میز دانش‌آموز قرار دهید (شاید یک یادداشت کوچک همراه آن نیز مفید باشد. روی پاکت بنویسید: «آیا می‌دانی چه گونه می‌توان این را ساخت؟»).

● نکته‌ی ششم: کار گروهی را تشویق کنید.

یادگیری در گروه به دلایل متعددی در طول سال‌های متناهی به کار رفته است. آموزش فعالیت گروهی به دانش‌آموزان برای پیشرفت آنان در آینده مفید است.

فصل سوم

تأثیر معلم

پسر سه ساله‌ام، در حالی که از صداش تحسین می‌یابید، از من پرسید: «آیا، تو معلمی؟» همان موقع من و همسرم درباره‌ی اطلاعات تلفنی صحبت می‌کردیم. عصر همان روز، همکارانم در مدرسه با استفاده از مرکز اطلاعات تلفنی به دنبال نمادهای برای فرمان‌داری ایالت بودند.

آموزشی برای معلمان و دیگر فعالان عرصه‌ی آموزش کودک، در بیش از ۳۰ دانشگاه در سراسر کشور فراگرفته‌ام. همیشه از همکاری این افراد قدرانی کرده و از آن‌ها اجازتی چاپ فعالیت‌هایشان در این کتاب را گرفته‌ام. من به آن‌ها اعتبار بخشیده‌ام؛ تنها کار درست همین است.

مواقع دیگری نیز بوده است که دیدگاه‌های متنوعی تنها در یکی از جلسات مطرح شده‌اند. در نظر داشته باشید که من ایده‌ها و فعالیت‌های موفق را مدت‌ها قبل از آن که به فکر نوشتن این کتاب بنفتم، جمع‌آوری می‌کردم. گاهی یک ایده، فعالیت یا راهبرد توجه مرا جلب کرده اما نام یا منبعی برای آن ذکر نکردم. در شرایطی که من، به ایده یا فعالیتی اشاره کرده‌ام که مطمئنم از آن خودم نیست، سعی کرده‌ام دست‌کم محل گردآوری آن را ذکر کنم. افرادی که با ایده‌های خود در این کتاب رویه رو می‌شوند، کافی است به من اطلاع دهند تا در چاپ‌ها یا ویرایش‌های بعدی آن را اصلاح کنم.

از آن جا که من به تمام نقاط کشور سفر می‌کنم و با معلمان، مشاوران و متخصصان کار با کودکان در ارتباطم، می‌دانم که افراد زیادی کارهای خلاقانه و پربار برای کودکان و نوجوانان انجام می‌دهند. من سعی کرده‌ام نام همه‌ی آن‌ها را در این کتاب ذکر کنم (کاری که تقریباً غیرممکن بوده است و من نگران بودم، به خاطر آن، این کتاب به مرحله‌ی چاپ نرسد).

نکته‌هایی برای استفاده از این کتاب

● نکته‌ی اول: ایده‌ها و هدف‌ها را هم‌سو کنید.

همیشه این سؤال را در ذهن مرور کنید: «چه کسی بیشترین سود را از این ایده یا فعالیت خواهد برد؟» پاسخ این سؤال را نیز به‌خاطر بسپارید: «دانش‌آموزان». توجه به این امر باعث افزایش تمرکز می‌شود (همان‌طور که **زیگ زیگلار**، به این گفت‌وگو افتخار می‌کند که «مسئله‌ی اصلی، مسئله‌ی اصلی را مسئله‌ی اصلی نگه داشتن است»).

دلیل شادری من به چنین امر واضحی این است که گاهی می‌توانیم از این ایده‌ها و فعالیت‌ها به عنوان وسیله‌ای برای راضی خود استفاده کنیم. اگر این امر به عادت شود، تأثیر آن‌ها از بین می‌رود. نوجوانان توانایی تحمل و حتی قدرانی از راهی را دارند که به فعالیت‌های آن‌ها هدف می‌دهد اما هیچ کس دوست ندارد تمام مطالب درس اصلی‌اش را از راه حقه و فن‌های گوناگون بیاموزد.

● نکته‌ی دوم: ترندهای کار ساز را در هم بیاویزید.

اگر هر یک از این کتاب برایتان همچون معنی‌عاری بود، عالی می‌شد. عالی اما غیرواقعی، برخی ایده‌ها و فعالیت‌ها گاهی تحت هیچ شرایطی، به کار نمی‌آیند یا به منابع و شرایط بسیار زیادی نیازمندند. برای مثال، در یکی از فعالیت‌هایی که در فصل سه به آن اشاره شده است، از والدین می‌خواهم که یک نامه درباره‌ی پسر یا دختر خود بنویسند. اگر شما از مشکلات خواندن و نوشتن خانواده‌ها اطلاع داشته باشید، محال است این ایده را به کار بگیرید یا حداقل فرم اصلاح شده‌ی آن را استفاده می‌کنید.

بودن را تجربه کنند و برای یادگیری این موارد، چه راهی بهتر از مشاهده‌ی رفتار معلمی که به کیفیت زندگی هم‌چون مطالب درسی اهمیت می‌دهد؟

در این جا ۲۸ طرح و فعالیت برای افزایش تأثیر معلم آمده است. مواردی را که با شخصیت، سبک و شرایط شما سازگار است، انتخاب کرده و امتحان کنید.

۱. در آستانه‌ی در «وانگینگ»^۲

این طرح را من از دکتر **هری وانگ**^۳، معلم و مربی سرشناس، آموختم. هری یکی دو سال در دوره‌ی دکتر در دانشگاه بریگهام یانگ، از من جلو تر بود و در یکی از تابستان‌ها، او برای گروه ما سخن رانی کرد و از آن پس، دید من نسبت به بچه‌ها تغییر کرد.

هری راهبرد ساده‌ای را که هر روز در کلاس‌هاش اجرا می‌کرد، با ما در میان گذاشت. آن راهبرد بی نهایت مفید بود. هری به این اصول بسیار پای بند بود و معتقد بود که این راهکارها، سال تحصیلی را برای دانش آموزان، ساده‌تر و دل‌پذیرتر می‌کند.

هری در آستانه‌ی در کلاس خود در دوره‌ی راهنمایی می‌ایستد و با لبخند به تمام دانش آموزان خوش آمد می‌گوید و با آن‌ها دست می‌دهد.

(نکته: امروزه، تماس با دانش آموز امری مهم است و باید با دقت و حساسیت به آن توجه شود. اگر دانش آموز در این زمینه حس خوبی ندارد یا سیاست مدرسه یا محله‌ی شما عدم تماس با دانش آموزان است، این کار را انجام ندهید اما من مطمئنم که دانش آموزان زیادی تشنه‌ی همین حرکت ساده‌اند).

خوش آمدگویی در آستانه‌ی در کاملاً مؤثر است. مرکز خرید محله‌تان را به یاد بیاورید؛ همیشه شخصی در آستانه‌ی در ایستاده است و به شما هنگام ورود خوش آمد می‌گوید. **مسام والتون** می‌دانست که می‌تواند این حرکت را، که برای عموم جذاب‌تر است، در بانک نیز اجرا کند.

تنها یک نکته‌ی دیگر در زمینه‌ی تماس (دست دادن با دانش آموزان)؛ کودکان به شما سرخ می‌دهند. مدتی در یک پیور شگاه با یک کودک هفت ساله کار می‌کردم. هنگام ترک آن جا و خداحافظی با این کودک، او ابتدا به سمت در رفت. سپس ناگهان برگشت و به سمت دفتر من دوید؛ خودش را به من چسباند و دستاش را دور گردنم حلقه کرد و در حالی که نیز به هیچ توضیحی نبود، گفت: «اشکالی ندارد»

^۲ بی نوشت
 ۱. یکی از روان‌شناسان شناخته شده و معاصر آمریکایی که گفته‌ها و نوشته‌هایش، محل ارجاع بسیاری از مؤلفان آثار آموزشی است.

۲. فعل ساختن از اسامی، اکنون به شیوه‌ای بر سر م در زندگی انگلیسی تبدیل شده است. در این فراز و نبر راه‌های معنی که در شماردی بعد خواهد آمد، نویسنده‌ی کتاب از اسم دم و رنگ وازگ فعل ساخته است.
 Door Way Wonging

3. Dr. Harry Wong

برای پسر من، هیچ چیز بالاتر از یک معلم نبود؛ هیچ چیز. معلمان شانس تأثیر گذاری بر زندگی جوانان را دارند؛ شانسی که دیگر بزرگسالان از آن محروم‌اند. تمام متغیرها به کمک معلم می‌آیند: روابط، زمان و اهداف. فرصت برای ایجاد روابط معلم - شاگردی برای شاگردان در هر سنی وجود دارد.

کودکان معمولاً عادت دارند عقاید، نظرها و تصمیم گیری‌های متعصبانه‌ی خود درباره‌ی بزرگسالان را تقریباً به هر بزرگسالی که سر راهنشان قرار می‌گیرد، بازگو کنند. تعدادی از کودکان، بزرگسالان را افرادی بسیار صمیمی و حامی می‌پند. گذراندن یک سال تحصیلی با چنین کودکانی اصلاً دشوار به نظر نمی‌رسد.

از سوی دیگر، اگر کودک بزرگسال را فردی بی حوصله، غیر منطقی، پر توقع، سخت گیر و تنبیه گر بداند، چه خواهد شد؟ ذهنیت او این گونه است: «آه، اینم یکی دیگه مثل بقیه است» و رفتارش نیز بر همین منوال خواهد بود. چنین رفتاری از نخستین روز برای شما در دسر ایجاد خواهد کرد.

چنین کودکی الزاماً خیال «بد بودن» ندارد؛ او صرفاً ذهنیت آشنایی را دنبال می‌کند که به او شخصیت می‌دهد. شخصیتی که ممکن است شخصیت خوبی نباشد یا حتی کودک آن را انتخاب نکرده باشد اما در هر صورت که «شخصیت» است، ضرب‌المثلی قدیمی می‌گوید: «تفس بدبو بهتر از بی تفسی است». درباره‌ی این بیندیشید. بسیاری از مشکلات رفتاری جوانان هنگامی رخ می‌دهد که معلم به جای بهبود بخشیدن به ذهنیت کودک، آن را می‌پذیرد از طرف دیگر، دانش آموزانی هستند (معمولاً در سنین بالاتر) که دریافته‌اند همه‌ی بزرگسالان هم‌چون پدر و مادرشان نیستند؛ بنابراین رفتار خود را با هنجار جامعه تطبیق داده‌اند. من با دختر نوجوانی کار می‌کردم که در یک خانگی جمعی زندگی می‌کرد. پدر و مادر این دختر صلاحیت سرپرستی او را نداشتند؛ زیرا هر دو با مواد مخدر، الکل و اعتیاد دست و پنجه نرم می‌کردند. زندگی آن‌ها بین مراکز بازپروری، زندان و بیمارستان‌های شهر می‌گذشت اما این دختر باهوش دریافته بود که باید زندگی‌اش را ادامه دهد و امیدوار به بهبود شرایط والدینش نباشد. او اکنون در کلاس‌های ویژه‌ی تیزهوشان شرکت می‌کند و به زودی بورس کامل تحصیلی‌اش را پس از فارغ‌التحصیلی از دبیرستان کسب خواهد کرد.

حرف‌های این دختر تیزهوش دربارهی معلمانش شنیدنی بود. او درباره‌ی عادات پدر و مادرش به آن‌ها چیزی نمی‌گفت اما معتقد بود که بسیاری از معلمانش رغبت به کارشان را از دست داده‌اند و تنها تظاهر به انجام دادن آن می‌کنند. او به من گفت: «خب اونا هر روز میان مدرسه، اما انگاره انگیزه‌شون رو خیلی وقت پیش از دست دادن»

و ما فکر می‌کنیم دانش آموزان متوجه رفتار ما نمی‌شوند؛ در این که کودکان امروز باید آموزش ببینند، شکی نیست اما آن‌ها از ما تأثیر می‌پذیرند؛ تأثیری که روح آن‌ها را احیا می‌کند و به آن‌ها انرژی دوباره برای یادگیری و به کار بستن آموزه‌های می‌دهد. هم‌چنین آن‌ها نیاز دارند خودآگاهی‌های و معقول

تجربیات

رشد‌های دانش‌آموزی را به تکالیف درسی تبدیل نکنید ۱۸ / شکوه تقدسیان
مجله خوانی در مدرسه ۱۹ / لیلی خلجی
کتاب‌خانه‌ای در ایرانشهر ۲۰ / نورمحمد خادمی فرد
کتاب‌های غیرداستانی و کودکان ۲۰ / مترجم: مرجان حاجی مرادی
آموزگار کتاب‌خوان ۲۲ / الهه شیرخدا
دانش‌آموز کتاب‌خوان، کتاب نویس شد ۲۳ / اصغر ندیری
در کتاب نبودند ۲۳ / نرگس اسدی مقدم
جدول‌هایی شگفت‌انگیز در لباس رنگ، شکل و عدد ۲۴ / پروانه شبان‌پور
مربع‌های شگفت‌انگیز و هفت‌سنگ ۲۴ / زهرا گودرزی
اگر و مگرهای مهلک ۲۶ / تهمینه مهربانی
تجربه‌های هنری برای کودکان ۲۷ / فاطمه قائمی
رشد در جلسه‌ی گروه‌های آموزشی ۲۸ / فرزانه محی‌الدین
تغییر فیزیکی و شیمیایی از دید بچه‌ها ۲۸ / فرشته روشن‌روان
جشن سخاومت ۲۹ / منیره حبیب‌پور
از هم‌یاری تا بخشش ۳۱ / ابراهیم اصلانی
خانم معلم؛ «به گوشم!» ۳۲ / کبری محمودی
دفتر تمرین نگاره‌ها (بنویسیم) ۳۲ / منیره حبیب‌پور

آموزش ابتدایی
۲

آموزش ابتدایی

دوره‌ی ۱۶ - شماره‌ی ۲

آبان ۹۱

مجله، کتاب درسی نیست

رشد‌های دانش‌آموزی را به تکالیف درسی تبدیل نکنید



شکوه تقدیسیان

عضو شورای برنامه‌ریزی رشد آموزش ابتدایی



با نگاهی به تجربه‌های دو تن از آموزگاران شهرستان خفر، از استان فارس

اشاره

در سرفصل «با مجله‌های دانش‌آموزی رشد» که چند سالی است در رشد آموزش ابتدایی گشوده شده است، با آموزگاران محترم درباره‌ی چه‌گونگی بهره‌بردن از مجلات دانش‌آموزی رشد (کودک، نوآموز و دانش‌آموز) سخن می‌گوییم. نگارش این سلسله مطالب به عهده‌ی خانم تقدیسیان است که علاوه بر سال‌ها سابقه‌ی آموزگاری و مدیریت در دوره‌ی ابتدایی، شش دوره هم سردبیری مجله‌ی رشد نوآموز را برعهده داشته است. بخش نخست این مطالب را با محوریت مرور تجربه‌های همکاران آموزشی از سراسر کشور، در پی می‌آوریم.

بر دانش‌آموزان، برای مشق نوشتن و انجام دادن تکالیفی مشابه برنامه‌های درسی تبدیل شوند، خودداری کنند. این عمل ممکن است دانش‌آموزان را از مطالعه‌ی مجلات و لذت‌بردن از آن‌ها دور کند و باعث شود که آن‌ها مجله را مشابه کتاب درسی تلقی کنند که البته با هدف‌های سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش مغایرت دارد.

در ارتباط با کاربرد مجلات دانش‌آموزی و برای انگیزش بیشتر و جلب توجه بچه‌ها، دو تن از همکاران خوب و علاقه‌مند به نام خانم **سودابه گل کار** و آقای **عبدالکریم لطیفی**، از آموزش و

ورای مطالعه‌ی کتاب‌های درسی است. از سویی دیگر، مجله‌ی رشد ابتدایی با ابتکار خود و با هدف تنوع‌بخشیدن به برنامه‌های کلاسی و کمک به بروز خلاقیت‌های بالقوه و فراوان «معلمان» در فرایند یاددهی-یادگیری، گاه بخش‌هایی از متون مجلات دانش‌آموزی دوره‌ی دبستان را که استفاده‌ی آموزگاران از آن‌ها در جریان تدریس مناسب است، معرفی می‌کند تا در صورت تمایل و در ساعت‌هایی از کلاس که دقت اضافه دارند، این گونه فعالیت‌ها را با استفاده از مجلات رشد دانش‌آموزی انجام دهند.

این کار واجد چند ویژگی است:

- معلم کلاس هم‌پای شاگردانش مجلات رشد را مطالعه می‌کند و با آنان هم‌گام می‌شود.
- ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان برای داشتن دقت در نوشته‌ها و مطالبی غیر از کتاب‌های درسی.

● به‌وجود آوردن انگیزه در معلمان تا برای تنوع‌بخشیدن به فرایند یاددهی-یادگیری بچه‌ها و اعتلای دانش و بروز خلاقیت آنان از ابزارهایی غیر از کتاب‌های درسی استفاده کنند.

● پر کردن اوقات خالی کلاس با فعالیتی مفید، آموزنده و مفرح. عزیزان همکار پرهیزند از این که مجلات رشد هم به محملی برای فشار آوردن

مجلات دانش‌آموزی «رشد» با سعی و تلاش گروهی از ارباب فرهنگ و هنر برای



رشد توان‌مندی‌های

دانش‌آموزان تهیه می‌شود تا با مطالعه و مشاهده‌ی دنیایی تازه، به‌غیر از مطالعه‌ی کتاب‌های درسی اوقات فراغت خود را به نحوی مطلوب کنند و با مطالعه‌ی نشریات و کتاب‌های دیگر انس بگیرند و مطالعه برایشان لذت‌بخش و شیرین شود. بنابراین اگر قرار باشد از مجلات هم مشابه کتاب‌های درسی و موازی با فعالیت‌های کلاسی استفاده شود، به تصور من آن‌ها لطف خود را برای کودک از دست می‌دهند. اگر مخاطب، دانش‌آموزی باشد که تکالیفش را با میل و رغبت انجام نمی‌دهد، مطالعه‌ی مجلات رشد را با اکراه و ناراضایتی دنبال خواهد کرد؛ در حالی که هدف از انتشار این مجلات، بسط و توسعه‌ی فرهنگ مطالعه و انس گرفتن با کتاب



پرورش خفر در استان فارس، شرح بهره‌وری خود از مجلات رشد را برای همکاران چنین نوشته‌اند:

۱. بلند خواندن داستان مجله برای بچه‌ها، نه تنها محتوا و معنای آن را انتقال می‌دهد بلکه به این وسیله عشق و علاقه‌ی کتاب‌خوانی نیز منتقل می‌گردد و به این ترتیب، رابطه‌ی عمیق و عاطفی

مجله خوانی در مدرسه

لیلی خلجی

معاون آموزشی دبستان آزاده، زاینده رود، زرین شهر

یکی از وظایف معاونان آموزشی در مدارس، کمک به بهبود جریان یاددهی - یادگیری است. به نظر من یکی از فعالیتهایی که معاونان آموزشی می توانند در این زمینه انجام دهند، توسعهی فرهنگ «خواندن» در مدارس است. به این منظور دو فعالیت را در دبستان خودمان سامان داده ام:

○ ایجاد ایستگاه

مطبوعات: مجلات مربوط

به دانش آموزان را تهیه می کنم و در محل مخصوصی که نام آن را ایستگاه مطبوعات گذاشته ام، قرار می دهم. در این ایستگاه، علاوه بر مجلات رشد، دیگر مجلات شناخته شدهی کودک هم وجود دارد. این کار با استقبال شدید دانش آموزان روبه رو می شود و آن ها در زنگ های تفریح از این مجلات استفاده می کنند. حتی دانش آموزان کلاس اول، در همان ماه های اول حضور خود در مدرسه، یا تصاویر مجله ها را به هم نشان می دهند یا به دنبال کلمه هایی می گردند که فرا گرفته اند.

○ تهیهی ماهنامه

برای مدرسه: برای مدرسه، ماهنامه منتشر می کنیم. مطالب ماهنامه توسط خود

دانش آموزان و همکاران تهیه می شود. ماهنامه مطالب متنوعی دارد؛ داستان دنباله دار، جدول، مطالب علمی ساده، حرف های در گوشی با مدیر، پیشنهادهای دانش آموزان و جز آن ها. بچه ها در صندوقی که به همین منظور مشخص شده است، مطالب خود را می اندازد تا در نشریه ی ماه بعد از آن استفاده شود. استفاده از این ماهنامه در میان همه ی دانش آموزان شورانگیز است.

عزیزان همکار از این که مجلات رشد هم به محملی برای فشار آوردن بر دانش آموزان، برای مشق نوشتن و انجام دادن تکالیفی مشابه برنامه های درسی تبدیل شوند، خودداری کنند.

بین آنان پدید می آید. بدین منظور یک روز در ماه، دانش آموزان مجله را می آورند و معلم یا یکی از شاگردان کلاس با صدای بلند داستانی را برای کلاس می خواند.

۲. در خانواده نیز والدین، قبل از خواب می توانند داستان مجله را برای کودک بخوانند؛ حتی اگر فرزندشان آن داستان را خوانده و فهمیده باشد، کلمات در ذهن او بیشتر نقش می بندد.

هم چنین دانش آموز می فهمد که مجله برای والدین نیز اهمیت دارد.

۳. داستان گویی یا شعرخوانی بچه ها از محتوای مجلات رشد در برنامه ی صبحگاهی، تأثیر زیادی در تشویق دانش آموزان به مطالعه دارد. ۴. شعر کودکان باید ساده و روان باشد تا به راحتی خوانده شود. شعرهای مجله برای این منظور مناسب است. بچه ها می توانند در مراسم و جشن ها آن ها را بخوانند و تشویق شوند.

۵. در ساعت درس انشا مناسب است که بچه ها داستان ها را نقد و بررسی کنند و قطعات ادبی و نکات آموزنده را بلند بخوانند. این روش به بچه ها نگرش انتقادی می دهد و سلیقه ی آنان را در انتخاب کتاب بالا می برد و باعث می شود با خواندن هر کتاب، بی دلیل، عقیده ای را که به آنان القا می شود، نپذیرند.

۶. در زنگ هنر می توان از کاردستی و سرگرمی هایی که در مجله وجود دارد، استفاده کرد. تشکیل نمایشگاهی از این فعالیت ها موجب افزایش جلب بچه ها به کارهای هنری می شود.

۷. تهیهی نشریه های دیواری از مجلات رشد، یکی دیگر از فعالیتهای مفید است که بچه ها را به همکاری گروهی تشویق می کند و انگیزه ی قوی برای مطالعه ی مجله در آنان به وجود آورد.

به این ترتیب، مجلات دانش آموزی رشد هم برای دانش آموزان مفیدند و هم ابزارهایی هستند در دست «معلم» برای تنوع بخشیدن به فعالیتهای رسمی کلاس؛ البته فارغ از کارهایی که موازی و مشابه تمرین ها و تکلیف های برنامه ی درسی است.



کتابخانه‌ای در ایران شهر



که ما می‌توانیم مردم را سوار ماشین کرده و یک فضای ادبی، فرهنگی و شاد برای آن‌ها ایجاد کنیم. از سال ۱۳۸۹ این کار را شروع کردیم و اسم آن را «کتابخانه» گذاشتیم. کم‌کم ماشین را قفسه‌بندی کردیم و کتاب‌های بیشتری گذاشتیم. درواقع، به نوعی آرزوها و رؤیایمان را جدی گرفتیم و سعی کردیم به آن‌ها جامه‌ی عمل بپوشانیم. همیشه سعی می‌کنیم در ارتباط خود با مردم لبخندمان را حفظ کنیم و این کمترین کاری است که یک فرد می‌تواند برای مردم شهرش انجام دهد. حتی اگر زندگی در سیاه‌ترین قسمتش باشد، سعی کرده‌ایم همیشه امید داشته باشیم. هیچ‌موقع دوست نداریم چیزی را به مردم بفروشیم که به آن نیاز ندارند یا جزو اولویت‌هایشان نیست. می‌توان چیزهایی به مردم داد که جزو اولویت‌های زندگی‌شان قرار گیرد و موجب بالا رفتن سطح فکری و برطرف شدن خستگی آن‌ها شود. به همین دلیل، کتاب و محصولات فرهنگی را انتخاب کردیم. در ماشین علاوه بر کتاب، بخش موسیقی داریم. حتی فیلم‌های کوتاه مستند هم برای مردم نمایش می‌دهیم. ما به دنبال کتابخوان کردن مردم نیستیم بلکه هدف اصلی‌مان ترویج فرهنگ امید، خلاقیت و نشاط بین آن‌هاست. اگر مردم دریابند که در زندگی و تحت هر شرایطی خوش‌حال باشند، خیلی از مشکلاتشان برطرف می‌شود. یک انسان خوش‌حال می‌تواند کتاب بخواند، برای مشکلاتش راه‌حلی بیابد و به نفع جامعه‌اش کار کند.»

آن‌ها درباره‌ی نوع کتاب‌ها و موسیقی‌هایی که در ماشین به فروش می‌رسانند، می‌گویند: «سعی

ارتباطی برقرار کند و به این ترتیب، دریافتیم که وقتی با بچه‌ها خلاقانه ارتباط برقرار کنیم، برای آن‌ها جذاب خواهد بود. بعد از چند ماه مادران از ما خواستند کارگاه‌هایی درباره‌ی چه‌گونگی ارتباط با کودکان برگزار کنیم. بیشتر می‌خواستیم بچه‌ها را شاد کنیم و آن‌ها را به جنب‌وجوش بیندازیم.» از این زوج درباره‌ی چه‌گونگی راه‌اندازی کتابفروشی (کتابخانه) و هدفشان از این کار پرسیدیم و آن‌ها جواب دادند: «از مهدکودک‌ها که برمی‌گشتیم، به جای این که پشت ترافیک حرص بخوریم، برای هم کتاب می‌خواندیم. به این نتیجه رسیدیم که این کار را دنبال کنیم تا دریابیم واکنش مردمی که وارد ماشین می‌شوند، چیست. با هم



صحبت کردیم که این همه شغل در دنیا وجود دارد، چرا شغلی به اسم خوش‌حال کردن آدم‌ها وجود نداشته باشد؟ بدین ترتیب این ایده شکل گرفت

از طریق **ابراهیم اصلانی**، عضو شورای برنامه‌ریزی رشد آموزش ابتدایی، با زوجی آشنا شدیم که کار فرهنگی می‌کردند اما نه به صورت معمول، بلکه از طریق یک خودروی پرآید با قفسه‌هایی پر از کتاب و موسیقی!

با آن‌ها قرار گذاشتیم و آن‌ها با کتابفروشی یا به قول خودشان کتابخانه‌ی دیدنی خود به روبه‌روی دفتر مجلات رشد در خیابان ایرانشهر آمدند.

مهدی یزدانی از ۱۷ سالگی و به قول خودش از موقعی که دنیا را درک کرد، در کتابفروشی کار کرده است. رشته‌ی تحصیلی او عکاسی بود ولی زمانی که وارد حوزه‌ی کتاب شد، احساس کرد مسیر زندگی‌اش را یافته است؛ بنابراین، به تحصیل ادامه نداد. همسر وی، **سروناز هرانر** کارشناس ارشد رشته‌ی ادبیات انگلیسی است. او ابتدا در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی درس می‌داده ولی هم‌اکنون مدرس دانشگاه است. آن‌ها در سال ۱۳۸۹ تصمیم گرفتند برای بالا بردن نشاط مردم در سطح شهر، اقدامی فرهنگی انجام دهند.

این زوج در زمینه‌ی فعالیت کاری اولیه‌شان می‌گویند: «به عنوان مربی و عکاس به مهدکودک می‌رفتیم و تابلوها و کتاب‌های مربوط به عددها، رنگ‌ها و... را به بچه‌ها نشان می‌دادیم و می‌خواندیم. بچه‌ها به تابلویی به نام «تردبانی به ماه» علاقه‌ای خاص پیدا کرده بودند؛ به طوری که وقتی از آن‌ها سؤال کردیم «تا حالا به ماه رفته‌اید» خیلی‌ها می‌گفتند بله، با تردبان. برای ما خیلی عجیب بود که این نقاشی چه‌طور توانسته است با بچه‌ها چنین

معلمان بخوانند و به اولیا توصیه کنند:

کتاب‌های غیرداستانی و کودکان

برای مشارکت دادن کودک می‌توان از وی خواست که تصویرهای داستان را توصیف کرده یا انتهای داستان را پیش‌گویی کند.

رفتن مرتب به کتابخانه و داشتن یک کتابخانه‌ی کوچک شخصی در منزل نیز می‌تواند موجب علاقه‌مندی کودک به مطالعه شود. البته کودکانی که والدین خود را همواره در حال مطالعه ببینند به مطالعه علاقه‌مندتر خواهد شد.

معمولاً یکی از دغدغه‌های بسیاری از پدر و مادرها چه‌گونگی تشویق فرزندانشان به مطالعه است. کودکی که به مطالعه می‌پردازد، از این رهگذر با سرزمین‌ها و سنت‌ها و انسان‌های برخورد می‌کند و با علوم و هنرهای جدید آشنا می‌شود.

معمولاً برای تشویق کودک به مطالعه راهکارهای گوناگونی پیشنهاد می‌شود؛ از جمله خواندن کتاب برای کودک با صدای بلند و مشارکت کودک در این مطالعه.

مترجم: مرجان حاجی‌مرادی - اصفهان

اکثر کودکان بیشتر به مطالعه‌ی کتاب‌های داستانی می‌پردازند و قهرمان‌های داستان‌ها جزئی از زندگی واقعی آن‌ها می‌شوند. کودکان در خیال‌پردازی‌هایشان به قهرمانان مورد علاقه‌شان فکر می‌کنند و حتی می‌کوشند مشکلات آن‌ها را حل کنند. برای کودکانی که در سن دبستان هستند، خواندن مجلات کودکانه و کتاب‌های غیرداستانی نیز بسیار با اهمیت است و چه بسا خواندن کتاب‌های غیرداستانی آثار آموزشی بسیاری داشته باشد. متأسفانه اکثر والدین از اهمیت این گونه مطالعات در شکل دادن روحیه‌ی



نورمحمد خادمی فرد

در یک محیط فرهنگی قرار می گیرند و کم کم توجه آن‌ها به کتاب‌ها جلب می شود. تعداد بسیار کمی هم که عکس العمل خوبی نشان نمی دهند، همان‌هایی هستند که واقعاً خسته اند.»

مهدی یزدانی ادامه می دهد: «این دسته، خیلی وقت‌ها اصلاً متوجه فضای خاص داخل ماشین نمی شوند. بعد از چند دقیقه که تمرکز

آن‌ها سر جایش

برمی گردد، یک

دفعه نگاه می کنند

و می پرسند: «این‌ها

چیست؟» این خیلی

ناراحت کننده است.

فکر می کنم شرایط

حاکم بر زندگی مردم

ما، آن قدر هم سخت

نیست که تا این حد

در خودشان فرو بروند.

بعضی وقت‌ها به

همسر می گویم اگر

روزی در این شهر مواد اولیه کم یاب شود، احتمالاً

خیلی از مردم با زندگی وداع می کنند.»

خانم هرانر در ادامه ی صحبت‌های همسرش

می افزاید: «ما خیلی مشکل داشتیم. اوایل خانه ی

کوچکی اجاره کردیم اما بعد از شش ماه از عهده ی

اجاره اش برنیامدیم و به خانه ی مادرم برگشتیم.

الان هم خیلی تحت فشار هستیم، ولی به

تلاش‌های فردی معتقدیم.»

خوش حال می شویم کسی پشت این ماشین‌ها بنشیند که در درجه ی اول انسان و نیازمند چنین کاری باشد. می خواهیم به شهرمان انرژی مثبت بدهیم.»

خانم هرانر می گوید: «هفته ای دو بار سوار ماشین می شوم و بخشی از کتابی را که به نظر من الهام بخش می آید برای مسافران می خوانم. عکس العمل مردم خوب و حمایتگر است. همیشه

کرده ایم از کتاب‌های پیچیده یا فلسفی استفاده نکنیم، بلکه کتاب‌های داستانی یا کتاب‌های حاوی جملات کوتاه و آن چه بتواند یک فرد را برای لحظاتی از فضای سخت و سنگین زندگی اش خارج کند به مردم عرضه کنیم. چون تا حدودی با کتاب‌های خوب آشنا هستیم، روی انتخاب کتاب‌ها، به ویژه کتاب‌های ترجمه دقت نظر خاصی داریم. نوع موسیقی‌ها هم سنتی یا مقامی مناطق گوناگون ایران است.»

آن‌ها در پاسخ

به این سؤال که

آیا این را از جایی

گرفته اند؛ گفتند:

«این را خیلی‌ها

از ما می پرسند.

به ما می گویند

که این ایده را از

مجموعه ی تلویزیونی

«کتاب فروشی

هدهد» گرفته اید. ما

واقعاً این سریال را

ندیده بودیم. وقتی تصمیم می گیرید کاری انجام دهید که برای جامعه سودمند است و ذات پاکي دارد، خداوند به شما کمک می کند. تمام چیدمان قفسه ی داخل ماشین، انتخاب کتاب‌ها و همه چیز خودش شکل گرفت. سعی کردیم لطافت فرهنگی این کار حفظ شود. هیچ موقع با دید یک کار اقتصادی به آن نگاه نکرده ایم. دوست داریم روزی برسد که چند اتومبیل از این نوع را طراحی کنیم.

ما را تشویق کرده اند. موسیقی ملایمی پخش می شود و همه جای ماشین پر از کتاب است. برخی از مسافران می گویند صبح را خیلی بد شروع کرده بودیم ولی شما یک دفعه تغییری ایجاد کردید. اکثریت مردم نظری مثبت دارند. ما افرادی را سوار ماشین می کنیم که خسته تر از آن هستند که به کتاب فروشی بروند یا وقت و حوصله ی چنین کاری را ندارند. مردم به صورت تصادفی سوار می شوند،

دلیلی برای کتاب خواندن

همیشه در مقابل این سؤال که فایده ی کتاب خواندن چیست، به یاد این جمله از **ماربو بارگاس یوسا** می افتم و خود را این گونه توجیه می کنیم که «**هیچ کس نمی پرسد فایده ی آواز قناری و غروب زیبا چیست. اگر این چیزها وجود دارد و اگر به یمن وجود آن‌ها، زندگی حتی در یک لحظه کمتر زشت و آلوده می شود، پس باید از آن‌ها حداکثر استفاده را کرد.** اگر انسان‌هایی که کتاب نمی خوانند مایه ی تأسف من می شوند، برای این نیست که نمی دانند چه لذتی را از دست می دهند، بلکه به این دلیل است که جامعه ی بدون ادبیات محکوم به توحش معنوی و فاقد آزادی است. دلیل به وجود آمدن کتاب‌های خوب، غنا بخشیدن به کل زندگی آدمی است. پیوندی که کتاب‌های خوب میان انسان‌ها برقرار می کند باعث می شود آن‌ها با هم گفت و گو کنند و خاستگاه و هدف مشترک خود را به یاد آورند و از همه ی موانع بگذرند.»

مطالب بیشتر در یک حوزه است و مطلب مورد نظر در کتاب یا مجله ی خاصی وجود ندارد، می توانید برای یافتن پاسخ پرسش‌های وی به مجلات یا کتاب‌های بیشتری مراجعه کنید.

همواره به این نکته توجه داشته باشید که مطالعه و آموزش موضوعات غیرداستانی می تواند برای کودکان بسیار شگفت انگیز باشد.

۲. اگر در متن مورد نظر نمودارها یا جداولی وجود داشته باشد، مطالعه و بررسی آن‌ها در درک مطلب بسیار مفید و ضروری خواهد بود. به کودک آموزش دهید که چه گونه نمودارهای موجود را بررسی کند و به کمک آن‌ها داده‌های بیان شده در متن را به راحتی مقایسه کند. کودک را متوجه این نکته کنید که نمودارهای هندسی نیز اطلاعات مفیدی در اختیار او قرار خواهد داد.

۳. از کودک بخواهید دست کم سه مورد از مواردی را که با خواندن متن دریافته است، برای شما بیان کند.

۴. در صورتی که فرزند شما علاقه مند به یادگیری

پژوهش و کنجکاوی در کودکان بی اطلاع اند. معمولاً والدین نسبت به آن چه فرزندانشان در این سنین باید بدانند و توانایی‌های آن‌ها برای یادگیری روش‌های مطالعه ی پژوهشی، اطلاعات کمتری دارند. مهم ترین نکته در این ارتباط چه گونه ی کمک به کودکان و جهت دادن آن‌ها به سمت درست درک مطلب است.

برای رسیدن به این هدف، توجه به نکات زیر برای راهنمایی کودک ضروری است:

۱. به کودک آموزش دهید تا با خواندن عنوان یک مطلب بتواند ایده‌ای کلی مندرجات متن پیدا کند. همچنین بررسی تصاویر و خواندن زیرنویس مربوط به آن‌ها در درک مفاهیم بیان شده بسیار مفید است.

1. Reading Non-Fiction with yong children. KPS Summer Program. Mishing. US. WWW. kalamazoopublichools.com/Family Link/July2012



آموزگار کتاب خوان!

الیه شیر خدا

نداشتم، ممکن بود از این که بچه‌ها در مطالعه از من سبقت گرفته‌اند، دچار یأس فلسفی شوم اما به شیوه‌ی مثبت‌اندیشان به دلم بد راه ندادم و تصمیم گرفتم با بچه‌ها به رقابت سازنده بپردازم و کتاب‌های جدید را در اولین فرصت مطالعه کنم. خلاصه آن روز در زنگ انشا هر دانش‌آموزی را که صدا کردم، با معرفی یک کتاب جدید مرا شگفت‌زده ساخت و باید بگویم در آخر، برعکس شد. دانش‌آموزان با استعداد هم روزی به یادماندن برای من ساختند و هم شبی به یادماندن؛ زیرا تا پاسی از شب مشغول خواندن کتاب‌های جدیدی بودم که با خود به خانه برده بودم!



برای آشنایی بیشتر آنان با محتوای کتاب، من به معرفی آن می‌پردازم و در آخر نیز پیام کتاب را برایشان خواهیم گفت. دوست داشتم از آن روز، برای بچه‌ها روزی خاطره‌انگیز بسازم؛ روزی که در ذهنشان ثبت شود و هرگز آن را از یاد نبرند. ابتدا **کیوان صفایی**، باهوش‌ترین و زرتنگ‌ترین شاگرد کلاس را صدا کردم. طولی نکشید که صفایی مثل همیشه در کمال آمادگی با دفتر انشایش جلوی تخته‌ی کلاس ایستاد و گفت که اسم کتاب منتخبش «روایات یک شاپرک آبی» است. پس از آن همه‌ی نگاه‌ها به من دوخته شد تا به معرفی کوتاهی از کتاب و نویسنده‌ی آن بپردازم.

من که در کمال ناباوری متوجه شده بودم نام این کتاب را برای اولین بار است می‌شنوم، برای این که بچه‌ها را از قهرمان افسانه‌ای خود ناامید نکنم! بلافاصله تصمیم جدیدی اتخاذ کردم و به بچه‌ها گفتم که هر کس ابتدا مقدمه‌ی کتابش را بخواند و پس از آن من به نقد و توضیح پیام کتاب خواهم پرداخت. سپس از صفایی خواستم مقدمه‌ی کتابش را برای هم کلاسی‌هایش بخواند. صفایی نیز بلافاصله شروع به خواندن مقدمه کرد و بعد، از روی دفترش خلاصه‌ی کتاب را خواند. داستان درباره‌ی شاپرکی بود که می‌خواست از محل زندگی‌اش در یک دهکده‌ی کوچک به جنگل مجاور برود و به بقیه‌ی شاپرک‌های آبی بپیوندد. الحق که بسیار زیبا و لطیف بود و من تحت تأثیر قرار گرفته بودم. سپس نفر بعدی را صدا کردم؛ از شما چه پنهان پس از این که متوجه شدم از کتاب نفر دوم هم بی‌اطلاع، دریافتیم که دانش‌آموزان عزیز حریفان قدری هستند. ناگفته نماند اگر من به پشتوانه‌ی دانش لایتناهی خود اعتماد

فکر می‌کردم اگر یک روز در بزرگ‌ترین میدان شهر، تندیس باشکوه مرا دیدید که به عنوان نماد کتاب‌خوانی در معرض دید عموم قرار گرفته است، اصلاً تعجب نکنید. تعریف از خود نباشد، فکر نکنم در دنیا معلمی وجود داشته باشد که به اندازه‌ی من کتاب خوانده باشد و یا دست کم به اندازه‌ی من از محتوای کتاب‌ها اطلاع دقیق و جامع داشته باشد.

اصلاً همین چند روز پیش جمعی از جامعه‌ی فرهیخته‌ی کشور پیشنهاد دادند که روز تولد من به جای ۲۴ آبان که روز ترویج کتاب‌خوانی است، به ثبت برسد و بعید نیست در همین لحظه این طرح خلاقانه توسط مسئولان ذی‌ربط در حال اجرا باشد. البته ناگفته نماند که من به عنوان یک فرد دانش‌آموخته و دانا از حیطة‌ی مسئولیت‌های خود آگاهی کامل دارم و براساس همین امر تصمیم گرفتم دانش‌آموزان عزیزم را نیز طبق الگوهای موفق خود به کتاب خواندن تشویق کرده و در امر خطیر توسعه‌ی فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی ادای دین کنم.

با عنایت به موارد فوق، در اولین زنگ انشا از شاگردهایم خواستم که از وجود چنین اسطوره‌ای استفاده کنند و با برنامه‌های مدونی که برایشان تدارک دیده‌ام، همکاری‌های لازم را مبذول فرمایند تا ان‌شاءالله در آینده‌ی نزدیک درست تحویل جامعه بشوند!

خلاصه، مقرر شد بچه‌ها برای جلسه‌ی بعد در زنگ انشا از میان کتاب‌های معروف و مفید یکی را تهیه کنند و علاوه بر همراه داشتن آن، برای معاوضه با دیگر هم کلاسی‌هایشان، خلاصه‌اش را نیز بنویسند. ناگفته نماند که در ابتدا این طرح مانند اکثر طرح‌های موفق دنیا با مقاومت و عدم پذیرش روبه‌رو شد اما سرانجام با همراهی چند تن از شاگردان ساعی، رضایت همه‌ی بچه‌ها جلب شد. جلسه‌ی بعد وقتی وارد کلاس شدم، شک نداشتم هر کتابی را که بچه‌ها به همراه دارند، قبلاً حداقل یک بار خوانده‌ام. بر همین اساس با تکیه بر اطلاعات بی‌کرانم به بچه‌ها گفتم: «ابتدا

دانش آموز کتاب خوان کتاب نویس شد



اصغر ندیری

فاطمه به او بسیار کمک کرده است. فاطمه می گوید: «خانم مرا می به من فرصت داد تا پایان سال تحصیلی درباره ی تصویرها و مطالب کتاب «بخوانیم» فکر کنم و داستان بنویسم. او مرا خیلی تشویق کرد...»

مادر فاطمه درباره ی فعالیتها و حمایت های بیشتر فاطمه در آینده می گوید: «برای این که او پیشرفت کند، تنها می توانیم او را به کلاس های آموزش زبان بفرستیم. در حقیقت شهر ما امکانات چندانی برای پیشرفت دخترم ندارد. معلمش می گوید او با دیدن تصاویر یا شنیدن موضوعی در کلاس، فی البداهه شعر می گوید.»

از دیگر علایق و زمینه های فکری و تلاش این نویسنده ی هشت ساله، پژوهش و مطالعه روی دانه های روغنی و دارویی است. او با این پژوهش در سال گذشته در جشنواره ی جابرین حیان اول شد اما به دلیل این که در پایه ی اول تحصیل می کرد، به ادامه ی مسابقات راه نیافت.

کتاب مجموعه داستان های بین و بگو (بر پایه ی کتاب بخوانیم پایه ی اول)، به وسیله ی انتشارات ظهور قم (۷۲۲۷۷۹-۰۲۵۱) در شمارگان هزار نسخه به چاپ رسیده است.

نماز، احترام به والدین، حفظ محیط زیست و حتی رشد گیاهان و دانه ها از مواردی هستند که **فاطمه پورداراب**، نویسنده ی هشت ساله از بهبهان به آن ها توجه می کند. همین دقت نظر است که باعث شده است او درباره ی تصویرها و اتفاقات اطرافش جملات و حتی شعرهایی بگوید. مجموعه داستان های «بین و بگو» حاصل همین نگاههاست. خودش می گوید: «من تصاویر را به داستان تبدیل می کنم.»

اما ماجرای آشنایی او با حروف الفبا و توان خواندن و نوشتن وی را از زبان مادرش بشنویم. مادر فاطمه می گوید: «زمانی که او یک ماهه بود، برایش کتاب می خواندم و او از حدود چهار سالگی نسبت به کتاب، نوشتن و کلمات عکس العمل نشان داد.»

خانم صفی خانی در ادامه می گوید: «چون من دبیر آموزش و پرورش و نیز مدرس دانشگاه هستم، برای فاطمه کتاب می خریدم و می خواندم و او در ضمن همین کار و شرکت در کلاس قرآن، شکل کلمات و حروف را یاد گرفته و توانست به زودی و پیش از رفتن به مدرسه، خواندن و نوشتن را بیاموزد.»

فاطمه در سال ۱۳۹۰ نخستین کتاب خود را با ۱۶ داستان و به نام «بین و بگو» به چاپ رسانده است. در این راه خانم مرا می، آموزگار کلاس اول

در کتاب نبودند!

نرگس اسدی مقدم

لبخندهای کلاسی

آموزگار دبستان دخترانه فضیلت، غنی آباد بشرویه

یک روز از **مریم** که نوآموز پیش دبستانی بود، خواستم به **دفتر** آموزشگاه بروم و نوارچسب را تحویل خانم مدیر بدهم. لحظه ای گذشت، مریم به کلاس برگشت و کنار میز من ایستاد و گفت: «خانم! نوارچسب را روی میز خانم مدیر گذاشتم. خانم مدیر در ... در ... در ... و ناگهان مثل این که ادامه ی جمله اش را به خاطر بیاورد، سریع گفت: «آها! خانم مدیر در **کتاب** نبودند!»



جدول‌های شگفت‌انگیز در لباس رنگ، شکل و عدد

آشنایی با طریقه‌ی ساخت یک وسیله‌ی آموزشی: جدول سودوکو

فاصله‌های پنج سانتی‌متر از پایین آن را خط‌کشی می‌کنیم و روی خط‌ها را با کاتر یا تیغ برش می‌دهیم (یک سانتی‌متر اطراف مربع را برای حاشیه می‌گذاریم).

سپس مقوای دیگری به همان اندازه در زیر آن قرار می‌دهیم و نیم سانتی‌متر پایین‌تر از هر برش را آزاد گذاشته، بقیه‌ی جاها را به مقوای زیرین می‌چسبانیم.

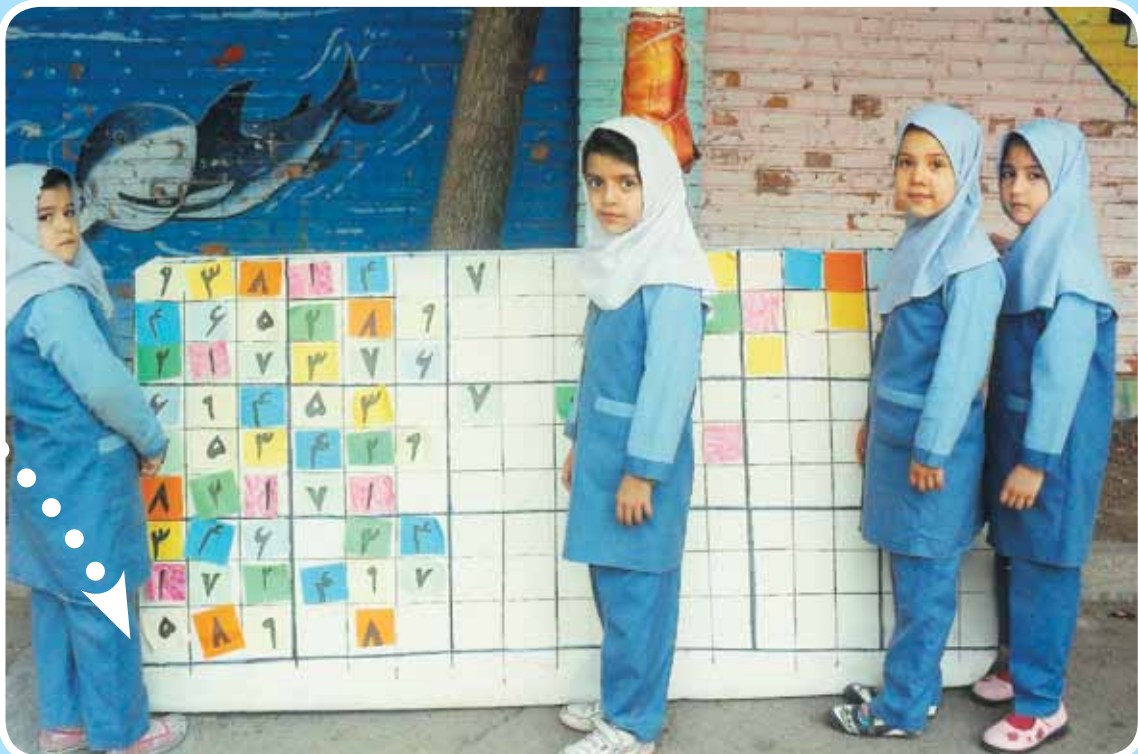
از مقواهای رنگی (زرد، سبز، قرمز و آبی) از هر کدام به تعداد چهار عدد مربع‌های کوچک به ابعاد پنج در پنج و نیم سانتی‌متر تهیه می‌کنیم (۱۶ عدد). مربع‌های کوچک رنگی و جدول را در اختیار فراگیرندگان قرار می‌دهیم و می‌گوییم آن‌ها را طوری در جدول قرار دهند که در هر ردیف و هر ستون فقط یک رنگ به کار برده شود. می‌توان روی مربع‌های کوچک از شکل‌های هندسی دایره، مثلث، مربع و یا مستطیل

در کتاب «ریاضی» جدید پایه‌ی اول ابتدایی، جدول‌هایی به نام جدول شگفت‌انگیز یا سودوکو به صورت رنگ، شکل و عدد آموزش داده می‌شود. فراگیرندگان باید با مفهوم ردیف و ستون آشنا شوند تا بتوانند رنگ‌ها، شکل‌ها یا عددها را طوری در کنار هم قرار دهند که در هر ردیف و هر ستون فقط یک بار به کار برده شوند.

من برای آموزش این جدول‌ها، نمونه‌هایی از آن‌ها را که با استفاده از مقواهای رنگی تهیه کرده‌ام، در اختیار فراگیرندگان قرار می‌دهم تا آن‌ها به راحتی بتوانند با جابه‌جا کردن قطعه‌های جدول از طریق آزمایش و خطا، جای درست آن‌ها را پیدا کنند و جدول را کامل کنند.

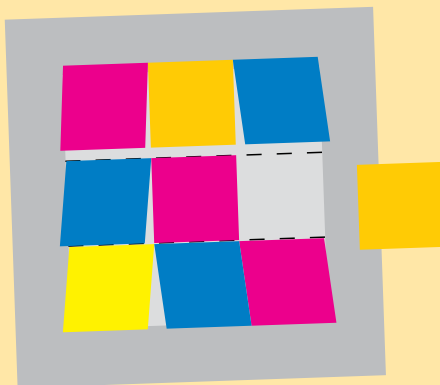
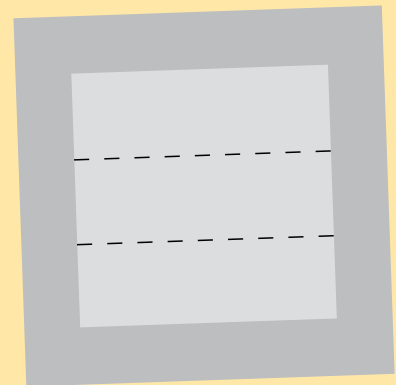
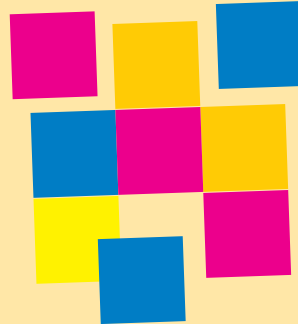
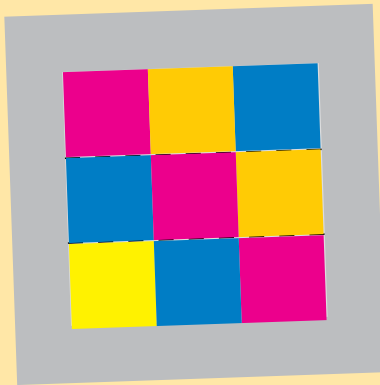
طرز درست کردن جدول شگفت‌انگیز 4×4

ابتدا یک مربع 22×22 سانتی‌متر از مقوا تهیه کرده و به



پروانه شبان پور

آموزگار پایه‌ی اول، شهرضا، اصفهان



یا اعداد استفاده کرد.

لازم به ذکر است که در کتاب ریاضی این جدول‌ها از جدول‌های سه در سه سانتی‌متر شروع شده است و تا جدول‌های نه در نه سانتی‌متر ادامه می‌یابد.

نمونه‌ای از این جدول به همراه عکسی از آن را مشاهده می‌کنید.

مربع‌های شگفت‌انگیز و هفت سنگ

یک بازی ساده و مفرح برای اثربخش کردن آموزش ریاضی اول دبستان

زهرا گودرزی

آموزگار دبستان شهدای هشت شهریور، منطقه‌ی ۱۶ تهران

کوچک بریده و آماده کردم.

یونولیت را در زنگ ورزش به حیاط مدرسه بدم و دانش‌آموزان را گروه‌بندی کردم. گروه اول برای اجرای بازی در کنار جدول شگفت‌انگیز ایستادند و ابتدا با مشورت، عدد مناسب را پیدا کردند. سپس سنگ‌ها را چیدند و شروع به بازی کردند. با پرتاب توپ، سنگ‌ها ریختند. حالا اعضای گروه به سرعت عدد مناسب را که با مشورت پیدا کرده بودند، برداشتند و با سوزن ته‌گرد در جای خالی وصل کردند. هم‌زمان نیز باید سنگ‌ها را دوباره می‌چیدند و مواظبت می‌کردند که گرگ گروه، آن‌ها را با توپ نزنند. گروه‌های دیگر هم به همین ترتیب بازی را از سر می‌گیرند و ادامه می‌دهند.

با تغییر کامل کتاب ریاضی پایه‌ی اول ابتدایی از مهرماه ۹۰، در فکر روشی بودم که تدریس جدول شگفت‌انگیز را برای بچه‌ها راحت و آسان کنم. باتوجه به این که بچه‌ها عاشق بازی هستند، تدریس را با بازی هفت‌سنگ در زنگ ورزش تلفیق کردم. با طرح این روش دانش‌آموزان در محیطی شاد و همراه با بازی، آموزش داده می‌شدند.

آماده‌سازی وسایل و اجرای بازی

ابتدا یونولیتی به عرض یک و طول دو متر تهیه کردم. با پارچه‌ای سفید روی یونولیت را پوشاندم و سپس جدول شطرنجی را روی آن رسم کردم. آخر سر نیز کارت‌های اعداد را از صفر تا نه در مربع‌های



۲۵

آموزش ابتدایی
دوره‌ی ۱۶ شمادی ۲
آبان ۹۱

اگر و مگر های مهلک ...

تهمینه مهربانی

آموزگار دبستان، منطقه ۲ دو تهران



همه‌ی ما خودمان را چنین متقاعد می‌کنیم که زندگی بهتری خواهیم داشت اگر شغلمان را تغییر دهیم، مهاجرت کنیم، با افرادی تازه آشنا شویم و ازدواج کنیم.

فکر می‌کنیم، زندگی بهتر خواهد شد اگر تفریح بگیریم، اقامت بگیریم، با افراد بیشتری آشنا شویم، بچه‌دار شویم. و خسته می‌شویم وقتی می‌بینیم مدیران ما را درک نمی‌کند، با دیگران زبان مشترک نداریم، هم‌دیگر را درک نمی‌کنیم، و می‌بینیم کودکانمان به توجه مداوم نیازمندند.

بهتر است صبر کنیم.

با خود می‌گوییم زندگی وقتی بهتر خواهد شد که مدیران تغییر کند، شغلمان را تغییر دهیم، به جای دیگری سفر کنیم، دنبال دوستان تازه‌ای بگردیم، همسرمان رفتارش را عوض کند، یک ماشین شیک‌تر داشته باشیم، بچه‌هایمان ازدواج کنند، به مرخصی برویم و در نهایت بازنشسته شویم.

اما حقیقت این است که برای خوش‌بختی، هیچ زمانی بهتر از همین الان نیست. اگر الان نه، پس کی؟

زندگی همواره پر از چالش است. بهتر این است این واقعیت را بپذیریم و تصمیم بگیریم که با وجود همه‌ی این مسائل، شاد و خوش‌بخت زندگی کنیم.

ما همواره تصور می‌کنیم زندگی دل‌خواه، موقعی شروع می‌شود که موانعی که سراهمان هستند، کنار بروند؛

مشکلی که هم‌اکنون با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم، حل شود، کاری که باید تمام کنیم، انجام شود؛ زمانی که باید برای کاری صرف کنیم، صرف شود و بدهی‌هایی را که باید پرداخت کنیم، بپردازیم.

و بعد از آن زندگی ما، زیبا و لذت‌بخش خواهد بود!

بعد از آن که همه‌ی این‌ها را تجربه کردیم، تازه می‌فهمیم که زندگی همین چیزهایی است که ما آن‌ها را مانع می‌دانستیم. این بصیرت به ما یاری می‌دهد تا دریابیم که جاده‌ای به سوی خوش‌بختی وجود ندارد. خوش‌بختی خود همین جاده است. بیایید از هر لحظه لذت ببریم.

برای آغاز یک زندگی شاد و سعادت‌مند لازم نیست در انتظار بنشینیم. در انتظار فارغ‌التحصیلی، بازگشت به دانشگاه، کاهش یا افزایش وزن، شروع به کار، مهاجرت، دوستان تازه، ازدواج، شروع تعطیلات، در انتظار دریافت وام جدید، خرید یک خودروی نو، بازپرداخت قسط‌ها، بهار و تابستان و پاییز و زمستان، اول برج، پخش فیلم موردنظرمان از

ART

تجربه‌های هنری

برای کودکان

فاطمه قائمی

کتاب‌های نه جلدی «تجربه‌های هنری»، در سه مجموعه‌ی جدا از هم توسط انتشارات گام در تهران منتشر شده است.

این کتاب‌ها که مؤلف آن‌ها **نیل بوکانان** است، با برگردان **ساجده تقی‌زاده** در شکل و شمایل زیبا، چهاررنگ و مناسب کودکان و نوجوانان گروه‌های سنی (ج) و (د) به چاپ رسیده است.

مجموعه‌ی اول شامل سه کتاب است: «نقاشی کنیم»، «چه‌گونه طراحی کنیم» و «با خمیر کاغذ کار دستی بسازیم».

در مجموعه‌ی دوم هم سه کتاب قرار دارد: «چه‌گونه عروسک درست کنیم؟»، «نقاب و لباس میدل بسازیم» و «چه‌گونه کارت درست کنیم؟».

در نهایت مجموعه‌ی سوم، سه کتاب دیگر را شامل می‌شود: «چه‌گونه اتاق خود را تزئین کنیم؟»، «چاپ کنیم» و «چه‌گونه کلاژ بسازیم؟».

علاوه بر آن که کتاب‌ها حالت خودآموز دارند، معلمانی می‌توانند از محتوای آن‌ها در کلاس‌های درس «هنر» دوره‌های ابتدایی و راهنمایی به فراخور توان‌مندی‌های دانش‌آموزان استفاده کنند. هر یک از جلد‌های این مجموعه در ۲۴ صفحه‌ی رنگی و قطع بزرگ با کاغذ گلاسه و کیفیت مطلوب چاپ شده و ناشر قیمت هر یک از جلد‌ها را ۱۵۰۰ تومان تعیین کرده است.

با انتشارات گام در تهران می‌توان از طریق شماره تلفن ۸۸۴۹۸۶۲ ارتباط برقرار کرد.



تلویزیون، مردن، تولد مجدد و...

خوش‌بختی یک سفر است، نه یک مقصد. هیچ زمانی بهتر از همین لحظه برای شاد بودن وجود ندارد. زندگی کنید و از حال لذت ببرید.

اکنون فکر کنید و سعی کنید به سؤالات زیر پاسخ دهید.

۱. پنج نفر از ثروتمندترین مردم جهان را نام ببرید.
۲. برنده‌های پنج جام جهانی آخر را نام ببرید.
۳. آخرین ده نفری که جایزه‌ی نوبل را بردند، چه کسانی هستند؟
۴. آخرین ده بازیگر برتر برنده‌ی اسکار را نام ببرید.

نمی‌توانید پاسخ دهید؟ نسبتاً مشکل است؛ این‌طور نیست؟ نگران نباشید؛ هیچ‌کس این اسامی را به‌خاطر نمی‌آورد!

روزهای تشویق به پایان می‌رسد! نشان‌های افتخار خاک می‌گیرند! برندگان به‌زودی فراموش می‌شوند!

اکنون به این سؤال‌ها پاسخ دهید.

۱. نام سه معلم خود را که در تربیت شما مؤثر بوده‌اند، بگویید.
۲. سه نفر از دوستان خود را که در مواقع نیاز به شما کمک کرده‌اند، نام ببرید.
۳. سه تن از افرادی که با مهربانی‌هایشان به زندگی شما معنا بخشیده‌اند، به یاد بیاورید.
۴. پنج نفر را که از هم‌صحبتی با آن‌ها لذت می‌برید، نام ببرید.

حالا ساده‌تر شد؛ این‌طور نیست؟

افرادی که به زندگی شما معنی بخشیده‌اند، ارتباطی با «ترین‌ها» ندارند، ثروت بیشتری ندارند و بهترین جوایز را نبرده‌اند. آن‌ها کسانی هستند که به فکر شما هستند، مراقب شما هستند، همان‌هایی که در همه‌ی شرایط، کنار شما می‌مانند.

کمی بیندیشید. زندگی خیلی کوتاه است. شما در کدام فهرست قرار دارید؟ نمی‌دانید؟

اجازه دهید کمکتان کنم. شما در زمره‌ی مشهورترین‌ها نیستید، اما کسی هستید که در خاطر من بوده‌اید و سعی کرده‌ام این پیام را به شما برسانم.

رشد در جلسه‌ی گروه‌های آموزشی



جلسه‌های گروه‌های آموزشی مدرسه‌ای، منطقه‌ای یا در سطوح بالاتر، محلی است برای طرح تجربه‌ها و سؤال‌ها و البته دادن اخبار. حال اگر خبر یا ردپایی از مجلات رشد و به ویژه مجله‌ی «رشد آموزش ابتدایی» هم در آن‌ها باشد، دیگر نور علی نور است.

بنا به گزارش خانم **فرزانه محی‌الدین**، آموزگار دبستان شاهد حضرت رقیه (س) از بندر ماه‌شهر در استان خوزستان، گروه‌های آموزشی پایه‌ی چهارم ماه‌شهر در نشست که داشته‌اند، ابتکاری به خرج داده‌اند. آن‌ها با توجه به مسابقات مجله‌های رشد، برای جذب حداکثری فرهنگیان در راستای آموزش و آشنایی با یافته‌های جدید تعلیم و تربیتی، دست به خلاقیت زده و مسابقاتی را در میان همکاران پایه‌های چهارم و پنجم برگزار کرده‌اند. به گزارش این همکار، مطالب مجلات رشد، به ویژه رشد آموزش ابتدایی و سپس «رشد معلم» و رشد «آموزش مدیریت مدرسه» از جذاب‌ترین و بهترین محتوایی است که در این جلسه‌ها می‌توان از آن‌ها سوالات متنوع و مطالب قابل طرح انتخاب کرد و به بحث گذاشت.

هم‌چنین همکاران گروه‌های آموزشی ماه‌شهر، نوشتن لبخندهای کلاسی را از همه‌ی همکاران خواستار شده‌اند که تعداد فراوانی لبخند کلاسی به گروه‌های آموزشی این شهر رسیده است. برخی از این مطالب را در شماره‌های گوناگون سال جاری مجله خوانده‌اید و نیز خواهید خواند.

لبخندهای کلاسی

تغییر فیزیکی و شیمیایی

از دیت بیته تا!

فرشته‌روشن‌روان

آموزگار دبستان شاهد حضرت رقیه‌بندر ماه‌شهر

در درس علوم، در حال توضیح درباره‌ی دگرگونی‌های دوگانه‌ی مواد یعنی تغییرات فیزیکی و شیمیایی بودم. بحثمان تمام شده بود و به پرسش و پاسخ رسیده بودیم. از دانش‌آموزی پرسیدم: «حالا با توضیحاتی که دادم، تفاوت بین تغییر شکستن شیشه و پختن غذا چیست؟»

دانش‌آموز گفت: «خانم اجازه! وقتی شیشه می‌شکند، دست ما را می‌برد و خون ما کم و بدنمان ضعیف می‌شود ولی وقتی غذا پخته می‌شود، ما آن را می‌خوریم و بدنمان قوی می‌شود.»

ضمن این‌که از توضیح این دانش‌آموز خنده‌ام گرفته بود، به فکر تکمیل شیوه‌ی تدریسم نیز بودم.

چشم سقاوت

گزارشی از اجرای هم‌زمان طرح سقاوت در دو مدرسه دخترانه و پسرانه در رباط کریم

منیره حبیب‌پور

اشاره

هدف آموزش و پرورش درونی کردن ارزش‌ها و پرورش انسان‌های بالنده و خلاق است که هم برای سعادت و خوش‌بختی خود بکوشند و هم برای با هم زیستن و نیکی کردن به یکدیگر تلاش کنند. در این راه، مهم آن است که انسان به خود جرئت بدهد، قلم به دست گیرد و آن چه را در ذهن دارد و برای دیگران مفید است، روی کاغذ بیاورد. این نگرشی است که خانم مریم محمدی و آقای سعید عبداللهی پیربداغ، مدیران دو مدرسه در رباط کریم استان تهران، دارند و در پی آن می‌خواهند یکی از سجایای اخلاقی، یعنی بخشش، را در مدرسه تبلیغ و تقویت کنند اما این کار به طرحی نیاز دارد. عبداللهی می‌گوید: «اظهارات همکاران مبنی بر کم‌رنگ شدن روحیه‌ی بخشش باعث شده است که ما چنین فعالیتی را انجام دهیم.» با هم به ادامه‌ی این گزارش توجه می‌کنیم تا اطلاعات بیشتری به دست آوریم.

هدف‌های طرح

عبداللهی پیربداغ در توجیه طرح خود می‌گوید:
«با توجه به اظهارات معلمان کلاس‌های گوناگون مبنی بر این که

تفریح و سرگرمی، نشاط، لذت و اشتیاق، دوست‌یابی و روابط سالم، بالا بردن اعتماد به نفس دانش‌آموزان، کسب مهارت و لذت‌بخش آموزشی، ترغیب اولیای دانش‌آموزان به شرکت در جلسات و فعالیت‌های مدرسه و کمک غیرمستقیم به دانش‌آموزان نیازمند به وسیله‌ی خود دانش‌آموزان از جمله اهدافی هستند که این دو مدیر انتظار دارند در سایه‌ی اجرای طرح به آن‌ها برسند.

روشن‌کار

به گفته‌ی این مدیران، طرح در تمامی پایه‌ها و در بین همکاران مطرح شده و به تصویب شورای مدرسه و معلمان رسیده است. در این‌جا متذکر می‌شویم که یک نکته‌ی قابل توجه در اقدامات آموزشی، می‌تواند همکاری دو آموزشگاه در اجرای طرح‌های مشترک و نوآورانه باشد.

با این توضیح، توجه خوانندگان محترم مجله به این نکته جلب



در مقایسه با سال‌های گذشته، روحیه‌ی بخشش در میان دانش‌آموزان ضعیف شده و ارتباط‌های رفتاری آنان با هم سست گشته است، سعی کردیم طرحی را در مدرسه پیاده کنیم که باعث تقویت این روحیه در مدرسه و محیط‌های دیگر شود. هم‌چنین، ارتباط دانش‌آموزان را با هم بهبود بخشد.

هر طرحی اهدافی دارد که در بلندمدت به سرعت قابل دست‌یابی است. آن‌طور که این فرهنگی‌های فعال می‌گویند، بسیاری از اهداف عالی‌های اخلاقی، رفتاری و آموزشی در این طرح مستور است که می‌توان به تعدادی از آن‌ها و در زمانی مناسب دست یافت.

ایجاد روحیه‌ی گذشت و مهربانی و بخشندگی و سقاوت، ایجاد تعاون و همکاری در بین دانش‌آموزان، ایجاد تنوع در مکان آموزش،



دانش آموزان نیز از اجرای طرح و از این که بعضی از وسایل خود را به دوستانشان بخشیده بودند، خرسند شدند.

مدیر آموزشگاه شهید پرنیا نیز گفت:

به اذعان همه‌ی شرکت کنندگان در طرح، روحیه‌ی گذشت و بخشش اموال در وجودشان تقویت گردید. حتی چند تن از دانش آموزان مانند **رضایی، آقایی، رجبی و احمدی** در کلاس گفتند: «ما تا به حال تجربه‌ی کسب چنین لذتی را نداشته‌ایم و امروز که این وسایل را به دوستانمان بخشیدیم بسیار احساس خوش حالی می‌کنیم، بعد از این هم سعی می‌کنیم چیزهایی به دوستانمان ببخشیم.»



می‌شود که طرح، هم‌زمان در مدرسه‌ای دیگر، آن هم واحدی دخترانه به نام ۱۲ فروردین با مدیریت **مریم محمدی** اجرا شده است و البته این آموزشگاه‌ها به نتایج بسیار نزدیکی هم رسیده‌اند.

عبداللهی پیرداغ درباره‌ی این تجربه توضیحات بیشتری می‌دهد: «این طرح هم‌زمان در دو آموزشگاه ۱۲ فروردین و شهید پرنیا در روز دوشنبه دوازدهم دی ماه ۱۳۹۰ و در تمامی پایه‌ها اجرا شد. اولیا نیز از یک هفته جلوتر نسبت به طرح توجیه شده و موافقت خود را با آن اعلام کرده بودند. وظایف هر کدام نیز شرح داده شده بود. آن‌ها موظف بودند وسایل اضافی دانش آموزان را - که معمولاً استفاده نمی‌شد (به غیر از لوازم شخصی) - فهرست کنند و همراه آن‌ها به مدرسه بفرستند.»

مریم محمدی، دیگر مسئول اجرایی این طرح می‌افزاید: «دو روز مانده به زمان اجرای طرح، تبلیغات اندکی در مدرسه شروع شد تا دانش آموزان چیزهای قابل استفاده اما اضافی را که می‌توانند، به مدرسه بیاورند و در زمان مشخص به دوستان خود یا هم‌مدرسه‌ای‌هایشان ببخشند. شور و شوق عجیبی میان دانش آموزان به وجود آمده بود و صحبت همه‌ی بچه‌ها از چگونگی طرح و اجرای آن بود. سرانجام در روز موعود، بچه‌ها وسایلی را به مدرسه آوردند و در زنگ کلاس در میان دانش آموزان با حضور و زیر نظر معلم در معرض دید قرار دادند. بچه‌ها وسایلشان را به دوستانی که نیاز داشتند، می‌بخشیدند. برای نمونه، در پایه‌ی چهارم یکی از دانش آموزان به نام مینا کفشی نو را که به پایش تنگ شده بود، به بچه‌ها نشان داد و نرگس هم گفت که آن را به من بده. مینا کفش خود را با رضایت به دوستش بخشید و بچه‌ها او را تشویق کردند. در زنگ دوم دانش آموزان تجربه‌ی خویش را با دوستان خود در میان گذاشتند و در زنگ سوم، آن‌ها درباره‌ی سخاوت نقاشی کشیدند و نقاشی‌ها را روی تابلوی کلاس و در سالن آموزشگاه نصب کردند.»

محدودیت‌ها و موانع انجام طرح

هر طرحی می‌تواند با موانع و محدودیت‌های احتمالی همراه شود، اما بنا به گفته‌ی این دو مدیر و با توجه به همراهی اولیا و دانش آموزان، این تجربه‌ی جدید، با هیچ مانع و محدودیتی روبه‌رو نشد.

پایان خوش و نتیجه‌گیری

در نتیجه‌ی اجرای این طرح که بیشتر به جشنی با نشاط شبیه بود، مریم محمدی و سعید عبداللهی پیرداغ گفتند که دانش آموزان و همکاران از این فعالیت بسیار ابراز رضایت کردند.

مدیر آموزشگاه ۱۲ فروردین افزود: «این طرح در روز ۱۲ دی در مدرسه‌ها به اجرا درآمد و همکاران و دانش آموزان از اجرای آن اظهار رضایت کردند و خواستار اجرای دوباره‌ی طرح در آینده شدند.

از هم‌یاری تا بخشش

تأملی بر طرح سخاوت در دو مدرسه

ابراهیم اصلانی

توسعه‌ی ارزش‌های انسانی و اخلاقی یکی از وظایف عمده‌ی نظام تربیتی ماست. تقویت مستمر این ارزش‌ها می‌تواند به درونی‌شدن آن‌ها کمک کند. این که دانش‌آموزان به ارزش‌های انسانی و اخلاقی پای‌بند باشند، خواسته‌ای متعالی و ارزش‌مند است اما تحقق آن به سادگی امکان‌پذیر نیست.

خوب است که مدرسه در جهت ایجاد و تقویت ارزش‌ها برنامه‌ریزی کند اما در طراحی چنین برنامه‌هایی، لازم است به چند نکته توجه شود:

✓ برنامه‌ها باید بر نیازسنجی و ارزیابی مبتنی باشد و نه ایده‌های فی‌البداهه؛

✓ ارزش‌های هدف باید شناسایی و اولویت‌بندی شوند؛

✓ مهم‌تر از طراحی یک برنامه، پیش‌بینی طرح‌هایی برای استمرار آن است. کسی نباید توقع داشته باشد که با اجرای برنامه‌ای در یک محدوده‌ی زمانی مشخص، یک ارزش جا بیفتد و درونی شود.



اما درباره‌ی طرحی که با عنوان سخاوت در دو مدرسه اجرا شده و گزارش آن را در دو صفحه‌ی قبل خواندید، نکته‌ای قابل تذکر است. آنچه را اتفاق افتاده است، می‌توان نوعی هم‌یاری دانست. بخشش، عطا کردن بلاعوض است که ممکن است در پنهان یا آشکار صورت گیرد و البته در بیشتر مواقع توصیه می‌شود، مخفی باشد. یک شرط مهم دیگر بخشش این است که چیزی را که دوست داریم، ببخشیم، نه آنچه دیگر به درد ما نمی‌خورد.

بسیار مناسب است که این گونه اقدامات با فرصت‌های توجیهی

– البته متناسب با سن دانش‌آموزان – همراه شود. اگر دانش‌آموز مفهوم بخشش را به درستی درک کند و حتی در حد فهم خودش، موقعیت‌های بخشش را بشناسد، آن‌گاه می‌توان امیدوار بود که این ارزش در او نهادینه شود.

آشنایی دانش‌آموزان با هم‌یاری شایسته و ضروری است و می‌تواند مقدمه‌ای برای بخشش باشد. دانش‌آموزان از طریق هم‌یاری می‌فهمند که کمک کردن به یکدیگر تا چند اندازه ارزش‌مند و لذت‌بخش است. در گام بعدی می‌توان آن‌ها را متوجه ساخت که کمک به دیگری، بدون توقع پاسخ متقابل، لذت و ثواب بیش‌تری دارد.

آن‌چه نوشتیم به این منظور بود که بگوییم، توجه به تقویت ارزش‌های انسانی و اخلاقی در مدارس، اقدامی شایسته است و سپس یادآوری کنم که این کارها نیازمند برنامه‌ریزی همراه با دقت، ظرافت و استمرار است.

خانم معلم؛ «به گوشم!»

کبری محمودی

مادر یک دانش آموز دوره ابتدایی

رویارویی ناگهانی با حجمی از اطلاعات و دانش ها را ندارند. راحت بگویم، در آن کلاس دلم می خواست معلم به من اجازه می داد که هر چه را روی دیوار یا سقف بود، بردارم تا کلاس را از آن وضع افسرده در بیاورم. دلم می خواست به آن اتاق شلوغ کمی آرامش بدهم و می دانم که شما هم با من هم عقیده هستی که سادگی و تمیزی بهترین تزئین است.

خانم معلم، حتماً شما هم در هر سال خواسته‌اید کارهای شاگردان همان سال را در کلاس نصب کنید، ولی جایی نداشته‌اید! در حالی که اگر دیوارها هر سال، با ورود شاگردان جدید تمیز و پاک شود و تا آخر سال، به مرور نمونه کارهای خوب دانش آموزان همان کلاس روی آن‌ها نصب شود، تأثیر آموزشی و انگیزشی بالاتری خواهد داشت.

خانم معلم، شاید این قدم به شما هم در اداره‌ی کلاس پر جمعیت و کوچک کمک کند و دست کم از مزیت آرامش بخشی چنین کاری بهره‌مند شوید.

اگر با پیشنهاد من موافق هستید، لطفاً اجازه دهید از امسال پسر من در کلاسی ساده و تمیز پای درس شما بنشیند

سلام خانم معلم، از مهر امسال پسر من به کلاس شما آمده است. تابستان از مدیر مدرسه خواش کردم که اجازه بدهد کلاس امسال پسر من را ببینم. او هم اجازه داد. خانم معلم! کلاس خیلی بزرگ نیست و من نمی دانم شما چه طور می خواهی حدود ۳۵ پسر بچه‌ی کلاس دومی را کنترل کنی! من که مادرم، در آپارتمان ۶۰ تا ۷۰ متری نمی توانم دو تا بچه را ضبط و ربط کنم؛ خدا به داد شما برسد که باید در اتاق ۱۲ متری، به ۳۵ بچه درس بدهی! خدا خیرت بدهد که صبر ایوب داری!

از همین اولین ماه‌های سال خسته نباشی. یک پیشنهاد مادرانه یا شاید بتوان گفت یک خواهش هم دارم. پارسال وقتی در اولین جلسه‌ی اولیا و معلمان مدرسه، که برای هر پایه، در کلاس خودش برگزار شد، شرکت کردم، اولین نکته‌ای که تا وارد کلاس شدم توجهم را جلب کرد، شلوغی و تاریکی آن بود. دیوارها پر بودند از کارهایی که بچه‌های سال‌های قبل انجام داده بودند؛ از روزنامه‌ی دیواری و نقاشی و لوحه‌های آموزش حروف الفبا گرفته تا آموزش اعداد ریاضی و آزمایش‌های علوم و ... آن قدر آویز از سقف آویزان بود که نور لامپ به هیچ جا نمی رسید. هر چند که همه‌ی آن کارها و تزئینات، صد در صد به آموزش درس‌های همین پایه مربوط می شدند، اما راستش به حدی کلاس را شلوغ کرده بودند که شاید هیچ کدام به چشم بچه‌ها نمی آمدند! البته خیلی از آن‌ها هم پاره و کثیف شده بودند.

شما که معلم هستی، بهتر از من می دانی که بچه‌ها در این سن، شاید به خاطر این که خیلی با حروف و کلمات و جملات آشنا نیستند و در خواندن چندان تبحر ندارند، تصویر زودتر توجهشان را جلب می کند و این نوشته‌ها و دیوارکوب‌ها شاید برایشان مفید باشد، اما به همان اندازه، آن‌ها هنوز آمادگی

دفتر تمرین نگاره‌ها (بنویسیم)

نویسنده: صدیقه سربخش

ناشر: هنر پارینه (۰۲۱-۶۶۴۱۱۰۵۶)

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۹

قیمت: ۱۴۰۰ تومان

پایه‌ی اول ابتدایی از مهم‌ترین دوره‌های تحصیلی است و سنگ بنای تحصیلات و شخصیت علمی و اجتماعی کودک در این پایه گذاشته شود. با در نظر گرفتن این عوامل و هدف دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، یافتن راه‌هایی برای ارائه‌ی صحیح و اصولی آموزش در این پایه ضروری می نماید.

به اعتقاد مؤلف، دفتر تمرین نگاره‌ها، بخش «بنویسیم» جزوهای است برای رشد توانایی و خلاقیت فراگیرندگان که همراه با تکلیف‌هایی به شکل نقاشی، تمرین‌هایی متنوع برای ترغیب بیشتر آنان در خود دارد.

تقویت دست‌ورزی، تشخیص جهت‌ها، بالا بردن توجه نسبت به خط زمینه و تقویت حرکت دقیق چشم‌ها از مزایای انجام دادن این تکالیف است. صدیقه سربخش، از فرهنگیان استان فارس است.



منیره حبیب‌پور

همه چیز برای معلمان

امید قادری

یاددهی - یادگیری، معلمان و مهارت توسعه‌ی پژوهش‌های دانش‌آموزی و معلمان و مهارت‌های آغازین. در ضمیمه‌ی کتاب نیز سنجه‌هایی برای شناخت معلمان حرفه‌مند در جهان ذکر شده است. دبیر این مجموعه **ابراهیم اصلانی**، عضو شورای برنامه‌ریزی رشد آموزش ابتدایی است. وی در مقدمه‌ای که در ابتدای هر یک از کتاب‌های مجموعه آورده، اظهار امیدواری کرده است که آموزگاران با مطالعه‌ی این مجموعه، بتوانند با بهره‌مندی از منابعی به روز و کارآمد، زمینه‌های ارتقای خود و نظام آموزشی کشور را فراهم سازند. مجموعه کتاب‌های «همه چیز برای معلمان» توسط انتشارات **پیشگامان پژوهش‌مدار**

-۸۸۳۴۵۲۱۷)

۰۲۱) منتشر

می‌شود.



۵۵ اصل برای کلاس‌داری موفق

(آموزش آداب و مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان)
مؤلف: رن کلارک / مترجم: فرشته مجیب / ۱۳۶ صفحه / قطع رقی / ۵۰۰۰ ریال
کتاب مشتمل بر ۵۵ اصل کاربردی، در حوزه‌ی مهارت‌های کلاس‌داری و آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان است. همچنین چند راهنمایی برای رفتار با بچه‌ها، نکاتی درباره‌ی کنار آمدن با والدین، انتظارات از اولیا و نکاتی درباره‌ی تشویق و تنبیه، از دیگر مطالب این کتاب است.

هفت مهارت اساسی برای معلمان

(به همراه ضمیمه‌ای درباره‌ی ویژگی‌های معلمان حرفه‌مند در جهان)
مؤلف: مرتضی مجدفر / ۱۳۴ صفحه / قطع رقی / ۵۰۰۰ ریال
کتاب شامل هفت فصل و یک ضمیمه است.

عنوان فصل‌ها شامل این موارد است: معلمان و مهارت تفکر و پرسش‌گری، معلمان و توسعه‌ی مهارت‌های تفکر فراشناختی، معلمان و مهارت سکوت، معلمان و مهارت درونی ساختن انگیزه‌ها در کلاس درس، معلمان و مهارت بهره‌گیری از طرح درس در فرایند

به تازگی سه جلد از مجموعه‌ای با عنوان «همه چیز برای معلمان» انتشار یافته است. این مجموعه‌ی ادامه‌دار، بر آن است تا به بررسی حرفه‌ی معلمی از زوایای گوناگون بپردازد. از جمله ویژگی‌های این مجموعه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- * انتخاب موضوعات جذاب و متنوع
- * بهره‌گیری از نویسندگان و مترجمان باتجربه و آشنا با موضوع
- * بیان مطالب به صورت شیوا و تا حد امکان، کم‌حجم
- * توجه خاص به زوایای پنهان معلمی
- * کمک به معلمان در همه‌ی جنبه‌های شغلی

مشخصات سه کتاب چاپ شده از این مجموعه به این شرح است:

روان‌شناسی کودک و نوجوان امروزی

مؤلف: علی اکبر شعاری‌نژاد / ۸۰ صفحه / قطع رقی / ۳۰۰۰ ریال
در این اثر که در سه فصل تألیف شده، ویژگی‌های دوران کودکی و نوجوانی و همچنین چگونگی کاربرد نظریه‌های روان‌شناسی در برخورد با دانش‌آموزان به صورت مجزا و به زبانی ساده بیان شده است.

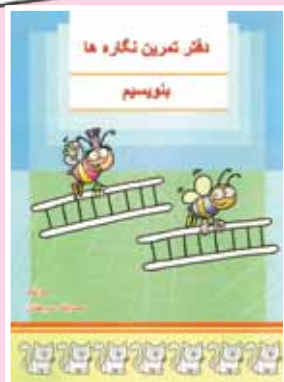
دفتر تمرین فارسی اول دبستان

مؤلف: مریم اسماعیلی چرخاب

ناشر: رشد اندیشه (تهران ۷۷۶۰۰۲۷۲ - ۰۲۱)

۷۲ صفحه، مصور، ۱۰۰۰ تومان.

املا نویسی به معنی صحیح نوشتن و خواندن نویسی حرف‌ها، کلمه‌ها و جمله‌های شنیده شده است. برای همین، لازم است هنگام املا نویسی، دانش‌آموزان کلمه‌ها را خوب بشنوند و سپس در ذهن خود آن‌ها را مجسم کنند و بعد بنویسند. دفتر تمرین «فارسی» اول دبستان که براساس کتاب «بخوانیم» و «بنویسیم» به رشته‌ی تحریر درآمده و در چهارمین جشنواره‌ی کتاب آموزشی رشد در فهرست کتاب‌های کمک درسی پیشنهاد شده است، می‌کوشد املا نویسی را به همراه فعالیت‌های دیگری مانند جدول، بازی، جمله‌های کامل کردن و طبقه‌بندی شکل‌ها و کلمه‌ها آموزش دهد. کتاب دارای ۳۶ متن املا، پنج آزمون و املاهایی با طراحی خود دانش‌آموز است. مریم اسماعیلی چرخاب، از آموزگاران بازنشسته‌ی تهرانی است.



پژوهش و کتابخانه با هم نسبت فامیلی دارند!



ابراهیم اصلانی

جایگاه کتابخانه و زمینه های وابسته در فعالیت های پژوهشی

اشاره

نویسنده ای این مجموعه مطالب، برای قسمت دوم موضوع دیگری را در نظر گرفته بود، اما از آن جا که این شماره در مسیری خودجوش! به صورت ویژه نامه ی کتاب و کتاب خوانی درآمد، وی نیز ترجیح داد تا مطلبش را پیرامون موضوع کتابخانه بنویسد. به این ترتیب، مطلبی که خواهید خواند، هم به بررسی مهارت های مرتبط با کتاب خوانی به عنوان مهارت هایی مقدماتی برای پژوهش، می پردازد و هم نوع ارتباط کتابخانه با فعالیت های پژوهشی را مشخص می سازد.

کتاب و پژوهش

کتاب در بیشتر فرهنگ ها، نماد دانش و دانایی است. هر موضوع مرتبط با دانایی، از جمله پژوهش و پژوهش گری هم خط و ربطی با کتاب دارد. تا به حال به کسانی که کتاب در دست یا کنار کتابخانه یا هر وضعیت دیگر مرتبط با کتاب عکس گرفته اند، دقت کرده اید؟ البته ژست عکس گرفتن به عنوان پژوهش گر، با کتاب با وضعیت استفاده های دیگر از آن، فرق می کند. بعد از این، هم به عکس ها بیشتر دقت کنید و هم اگر خواستید کتابی در دست عکس بگیرید، به حرکت های خود توجه داشته باشید!

کتاب و پژوهش، نسبت بسیار نزدیکی به هم دارند. می توان کتاب خواند، اما پژوهشگر نبود. اما اگر دنبال پژوهش رفتید، نمی توانید از کتابخانه و مطالعه فاصله بگیرید. همیشه شنیده اید که پژوهش با سؤال شروع می شود اما نه هر سؤالی. پرسشی که به ذهن پژوهش گر و دانشمند می رسد با نوع سؤالات روزمره زمین تا آسمان فرق دارد. ارزش و اعتبار سؤال های علمی و پژوهشی هم متفاوت است. به طور معمول، یک سؤال خوب و عمیق از ذهن کسی می تراود که پایه های علمی قوی تری داشته باشد، یعنی کسی که اهل کتابخانه و مطالعه باشد. پس: یا مکن با پیل بانان دوستی یا بنا کن خانه ای در خور پیل.

کتاب و کتابخانه رابطه ای گسترده با موضوع پژوهش دارد؛ رابطه ای که باید به درستی درک شود و در جایگاه خود قرار گیرد. می شود موضوع را از بحث اهمیت کتاب خوانی و ضرورت علاقه مندسازی کودکان و نوجوانان به کتاب شروع کرد اما فرض ما بر این است که با معلمان و دانش آموزانی علاقه مند به پژوهش - در هر سطح - روبه رو هستیم. کسی که کوچک ترین دل بستگی و وابستگی به پژوهش دارد، باید با کتابخانه و مطالعه مانوس باشد. لفظ «باید» در موارد زیادی واژه ای مناسب نیست، اما این «باید» از آن هایی است که نمی توان درباره اش کوتاه آمد. پژوهش گر باید اهل مطالعه باشد، وگرنه با پژوهش هایی بی مایه یا کم مایه روبه رو خواهیم بود.

گاهی در پژوهش های دانشگاهی، اقدام پژوهی یا پژوهش های دانش آموزی، فرد را به مطالعه ای اولیه درباره ی موضوعی ارجاع می دهیم. او می رود و پس از مدت کوتاهی با این جملات آشنا برمی گردد: «در این زمینه هیچ کار پژوهشی انجام نشده است، یا هیچ منبعی وجود ندارد و من اولین کسی هستم که می خواهم درباره ی آن کار کنم!» آیا می توان پذیرفت که درباره ی موضوعی، هیچ کاری انجام نشده باشد و هیچ منبعی موجود نباشد؟ این نکته، یکی از مهم ترین نشانه های کمبود ارتباط پژوهش گر با کتابخانه و مطالعه است.

بلکه چون بیشتر می‌خوانند، بیشتر می‌دانند! یادتان باشد سؤال‌های عمیق به ذهن افراد دقیق می‌آید؛ دقتی از نوع مشاهده، مطالعه و تفکر. بیشتر خواندن برای دانشمندان و پژوهشگران به منزله‌ی بیشتر

اگر می‌خواهید پژوهشگر خوبی باشید و به‌خصوص اگر می‌خواهید به‌طور جدی در این مسیر گام بردارید، در زندگی‌تان جای بیشتری برای کتاب و مطالعه باز کنید.

این‌جا، آن‌جا، همه‌جا کتاب!

هیچ پژوهشی بی‌نیاز از کتاب‌خانه و مطالعه نیست، اما اشتباه نشود؛ همه‌ی پژوهش، کار کتاب‌خانه‌ای نیست. نسبت میان کتاب‌خانه و پژوهش چند نکته قابل توجه است: **اول؛** هر کار پژوهشی در هر نوع و سطحی، به‌طور معمول نیاز به مطالعه و مراجعه به کتاب‌خانه دارد. پژوهشگر بعد از انتخاب موضوع و تعیین هدف، موظف است آگاهی‌های پیشین درباره‌ی موضوع را جمع‌آوری، مطالعه، طبقه‌بندی و تحلیل کند.^۱

دوم؛ «کار کتاب‌خانه‌ای» ضرورت هر پژوهشی است و به دلایل متعددی انجام می‌گیرد:

- پژوهشگر با مراجعه به پژوهش‌های قبل و منابعی که درباره‌ی موضوع وجود دارد، آگاهی و اطلاعات بیشتری کسب می‌کند.

- این آگاهی موجب می‌شود پژوهشگر از دوباره‌کاری و تکرار تجربه‌های اشتباه، به‌دور باشد.

- آگاهی‌های پژوهشگر او را در شناخت دقیق‌تر مسئله و بنابراین تدوین فرضیه‌های مناسب یاری می‌رساند.

- مطالعه منابع می‌تواند درباره‌ی روش‌های اجرا، انواع ابزارهای اندازه‌گیری، آزمودنی‌ها و شیوه‌های به‌کار برده شده توسط پژوهشگران قبلی، بینش زیادی به پژوهشگر بدهد.^۲

سوم؛ مطالعه‌ی منابع مربوط به موضوع پژوهش یکی از مراحل مقدماتی در تمام پژوهش‌های علمی است، ولی روش‌های اجرای این فعالیت از حوزه‌ای به حوزه‌ی دیگر تا اندازه‌ای متفاوت است.^۳

یک جهت این بحث می‌تواند منفی به نظر برسد، اما امیدوارم شما نیمه‌ی پر لیوان را ببینید! هر نوع پژوهشی در هر سطحی و حتی پژوهش به عنوان روش تفکر که باید هدف اصلی فعالیت‌های پژوهش دانش‌آموزی قرار گیرد، نیاز به کار کتاب‌خانه‌ای و مطالعه دارد. اگر از نیمه‌ی پر لیوان به قضیه نگاه کنید، معنایش این است که باید بیشتر اهل کتاب و کتاب‌خوانی باشید. اتفاقاً میل به دانایی و افزایش مطالعه، می‌تواند یکی از نتایج تفکر پژوهشی باشد. شناخت مسئله، مسئله‌یابی و اقدام به حل مسئله زمانی موفق‌تر صورت خواهد گرفت که آگاهی‌ها و دانش افراد افزون‌تر باشد.

دانشمندان بیشتر می‌خوانند!

اگر دانشمندان بیشتر می‌دانند، نه به آن دلیل است که دانشمندند،



دانستن است و این هم یعنی رسیدن به درک درست و دقیق از مسائل. اگر به این نکته از زوایه‌ی تربیت بنگریم، به نتایجی دست می‌یابیم: - انجام فعالیت‌های سرسری و تشریفاتی به نام پژوهش، تأثیر زیادی در افزایش دقت و کنجکاوی معلم و دانش‌آموز نخواهد داشت. - معلمی که به دنبال اقدام‌پژوهی است (معلم پژوهنده)، باید بخش عمده‌ای از تلاش‌هایش را به مطالعه و کسب آگاهی‌ها متمرکز سازد. - تفکر پژوهشی به عنوان اقدام عام در مدرسه، نیاز به تحریک و ترغیب دانش‌آموزان به مطالعه دارد. - دانش‌آموزانی که نگاهی جدیدتر به پژوهش دارند، باید ضرورت و اهمیت ارتباط پژوهش با کتاب‌خانه را درک کنند.

آن‌ها در کتاب‌خانه می‌مانند

کار کتاب‌خانه‌ای، یکی از مراحل اغلب پژوهش‌هاست، اما پژوهش‌هایی هم وجود دارند که همه‌ی آن‌ها کار کتاب‌خانه‌ای است. لازم است این دو موضوع در هر جایی اعم از مدرسه و دانشگاه با دقت تفکیک شود؛ کار کتاب‌خانه‌ای به منزله‌ی مقدمه‌ی هر پژوهش و کار کتاب‌خانه‌ای به منزله‌ی پژوهش.

کار کتاب‌خانه‌ای به منزله‌ی مقدمه‌ی هر پژوهش، بخشی از مراحل کار هر فعالیت پژوهشی است. در گزارش پژوهش که به صورت مکتوب تنظیم می‌شود، و به طور معمول شامل پنج فصل است، فصل دوم به گزارش کار کتاب‌خانه‌ای اختصاص می‌یابد. در این فصل که با

عناوینی چون «پیشینه‌ی پژوهش»، «تاریخچه‌ی پژوهش»، «سوابق پژوهش»، «ادبیات پژوهش» و امثال آن شناخته می‌شود، پژوهشگر حاصل مطالعات و یافته‌های خود از منابع متعدد را می‌آورد.

کار کتابخانه‌ای به منزله‌ی پژوهش، نوع خاصی پژوهش است که فقط در کتابخانه صورت می‌گیرد. توجه کنید که فقط «نوع خاصی از پژوهش» به صورت کامل کتابخانه‌ای است و طبعاً هم روش اجرا و هم روش گزارش آن با سایر پژوهش‌ها فرق دارد.

در بین انواع پژوهش‌ها، این «پژوهش تاریخی» است که به طور عمده با کار در کتابخانه سروکار دارد. این پژوهش تاریخی با وقایعی سروکار دارد که قبل از تصمیم پژوهشگر به مطالعه‌ی آن‌ها، به وقوع پیوسته است و بنابراین، به غیر از اسناد و مدارک، از روش دیگری برای جمع‌آوری اطلاعات نمی‌توان استفاده کرد.

پژوهش تاریخی به نسبت انواع پژوهش‌های دیگر از اعتبار کمتری برخوردار است.

مدرسه، کتابخانه، دانش‌آموز

اگرچه درباره‌ی اهمیت کتابخانه در مدرسه، سخن بسیار گفته شده است اما شاید لازم باشد به این موضوع یک بار هم از زوایه‌ی تفکر پژوهشی نگاه کنیم.

پژوهش به عنوان روش تفکر (تفکر پژوهشی) می‌تواند مدرسه را وارد جریانی کند تا به نگاه خلاق و پویاتری به کتابخانه برسد. شاید با یک نگاه هدفمند به روش اندیشیدن، به فلسفه‌ی جدیدی از جایگاه کتابخانه در مدرسه دست یابیم.

اگر وظیفه‌ی مدرسه توسعه‌ی تفکر پژوهشی است، آن گاه باید دانش‌آموزان بیاموزند که با مراحل روش علمی به سراغ مسائل زندگی بروند. در این مسیر، هرچه بیشتر بدانند، به دیدگاه بهتری از مسئله‌یابی و حل مسئله دست خواهند یافت.

کتابخانه‌ی مدرسه می‌تواند محل انباشت کتاب‌ها باشد. با یک تغییر کاربری در نوع نگرش‌ها، کتابخانه به کانون دانایی و اندیشیدن تبدیل خواهد شد.

رهنمودهایی برای مدرسه

۱. در کتابخانه‌ی مدرسه به جای پرداختن به تعداد کتاب‌ها، به تنوع موضوعات اهمیت بدهید.

۲. شناسایی علایق و گرایش‌های علمی دانش‌آموزان، یکی از ضرورت‌های فعال‌سازی کتابخانه‌ی مدرسه است.

۳. با کمک و هدایت معلمان، سعی کنید برای هر موضوعی، «راهنمای مطالعه‌ی موضوعی» درست کنید. بسیاری از دانش‌آموزان

در انتخاب کتاب، سرگردان هستند. با یک برنامه‌ی راهنما، می‌توان به علایق دانش‌آموزان جهت داد و آنان را در موضوعی علیم هدایت کرد. ۴. دانش‌آموزان علاوه بر یک «راهنمای مطالعه‌ی موضوعی» که مکتوب است، به یک راهنمای فعال هم نیاز دارند. می‌توان تعاملی دوسویه بین معلمان علاقه‌مند به موضوعی علمی با دانش‌آموزان هم‌جهت به وجود آورد.

۵. امروز کتاب‌های جذاب هم از نظر محتوا و هم از نظر صفحه‌آرایی و گرافیک در بازار کتاب وجود دارند. هر مدرسه‌ای به یکی دو نفر کتاب‌شناس خوب و ماهر هم نیاز دارد.

۶. موضوع پژوهش و کتابخانه می‌تواند با همه‌ی درس‌ها تلفیق شود، به شرطی که باز کار به کپی‌برداری و خلاصه‌نویسی از یک کتاب نرسد.

۷. روش کار کتابخانه‌ای باید در مدرسه، هم به معلمان و هم به دانش‌آموزان آموزش داده شود.

فرصت‌هایی برای اندیشه و عمل

۱. از دانش‌آموزان بخواهید زندگی چند دانشمند را که در زندگی‌شان زیاد اهل کتابخوانی بوده‌اند، برای بقیه مطرح کنند. اگر در دور و بر خودشان هم کسانی را می‌شناسند که زیاد اهل مطالعه هستند، می‌توانند به معرفی آن‌ها بپردازند. ۲. نمونه‌هایی از گزارش پژوهش مانند پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکترا را سر کلاس ببرید و درباره‌ی فصل دوم آن‌ها صحبت کنید.

۳. به چند دانش‌آموز فرصت دهید تا با مطالعه‌ی چندین کتاب درباره‌ی یک موضوع مشخص، علاوه بر بحث و بررسی، تحلیل و دیدگاه خود را هم توضیح دهند.

۴. وضعیت پژوهش‌ها در مدرسه‌ی شما چه‌گونه است؟ آیا همه‌ی کارها، کار کتابخانه‌ای به روش مرسوم است یا...؟ ۵. به صورت فردی یا گروهی، به دانش‌آموزان موضوعاتی برای پژوهش تاریخی بدهید. از آن‌ها بخواهید که به منابع بیشتری مراجعه کنند.

پی‌نوشت

۱. شورای کتاب کودک (۱۳۸۲)، فرهنگ‌نامه‌ی کودکان و نوجوانان، جلد هشتم، تهران: نشر

فرهنگ‌نامه ۲. دلاور، علی (۱۳۸۱)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: رشد.

۳. همان منابع

۴. گزارش پژوهش در دانشگاه‌ها با عنوان پایان‌نامه یا رساله شناخته می‌شود. در مراکز علمی و سازمان دیگر، عنوان گزارش پژوهش یا موارد مشابه مورد استفاده قرار می‌گیرد.



اشک دیروز، اشک امروز

رضا خانیکی

دبستان شهید محمدی سارو، بهشهر

در اولین روزهای خدمت در مناطق محروم، در دوره‌ی ابتدایی شروع به تدریس کردم. با این که دوره‌ی مقدماتی را گذرانده بودم، ولی ممکن بود در کلاس درس اتفاق‌هایی بیفتد که تا آن زمان با آن برخورد نکرده بودم. وارد کلاس که شدم بچه‌ها به احترام از جای خود بلند شدند. من هم با قیافه‌ای در هم کشیده گفتم: «برجا» خواستم وقار و هیبت را در کلاس نشان دهم، ولی نگاه معصومانه‌ی بچه‌ها چیز دیگری می‌گفت. می‌گفت ما معلم مهربان می‌خواهیم. بعد از چند دقیقه محمد دستش را بالا برد و گفت: «آقا اجازه! این حسین ما را اذیت می‌کند.» ناگهان و بی مقدمه از جایم برخاستم و به طرف حسین رفتم. با زدن یک پس گردنی به حسین، خواستم از بقیه‌ی بچه‌ها هم زهرچشمی گرفته باشم. اشک از چشم حسین، سرازیر شد. کلاس غرق در سکوت شد. با خودم گفتم که تا پایان سال دیگر از این اتفاقات نخواهم داشت. ولی افسوس که نگاه من عمیق نبود. اشک حسین، اشک نفرت بود. درون قطرات اشک حسین نکات زیادی بود که بعد به آن‌ها پی بردم. بعد، علی، دوست بغل‌دستی حسین، پیش من آمد و گفت: «آقا اجازه! مداد حسین را محمد اشتباهی برداشته بود. حسین خواست مداد خود را از او بگیرد.» با گفتن این جمله عرق سرد بر پیشانی‌ام نشست، ولی چه فایده؟! سال‌ها گذشت. در یکی از مدارس برخوردار در پایه‌ی چهارم تدریس می‌کردم. با بچه‌ها رابطه‌ای دوستانه داشتم. هر تکلیفی از بچه‌ها می‌خواستم، انجام می‌دادند. وقتی در روزهای پایانی سال تحصیلی، آخرین درس «فارسی» چهارم، یعنی نیایش، را می‌خواندیم به جمله‌های «خدایا، روزها آمدند و شب‌ها گذشتند، یک سال پای درس معلم عزیزمان نشستیم و با خوبی‌ها و زیبایی‌ها بیشتر آشنا شدیم»، ناگهان اشک از چشم حسین که در ته کلاس نشسته بود سرازیر شد. برخاستم و به طرف حسین رفتم، اما او سرش پایین بود. چند قطره اشک روی صفحه‌ی کتابش چکیده بود. از او پرسیدم که چرا گریه می‌کند.

به اصرار زیاد من بلند شد و با چشمانی اشک‌آلود گفت: «آقا اجازه! دل‌مان برای شما خیلی تنگ می‌شه. امسال به ما چه خوش گذشت، سال دیگر معلم ما می‌شید؟»

اشک حسین، اشک نفرت نبود. بلکه حاکی از علاقه به معلم و کلاس بود.

و من به این نتیجه رسیدم که برای ورود به ذهن دانش‌آموز و تعلیم و تربیت، اول باید در دل او جای گرفت تا بعد بتوان تعلیم و تربیت را انجام داد.



زری آقاجانی

مربی فلسفه، کلاس فلسفه

اشاره

در نخستین بخش از سلسله مطالب فلسفه برای کودکان، درباره‌ی آشنایی با آموزش و تاریخچه‌ی فلسفه برای کودکان سخن گفتیم. اکنون در این شماره به ارائه‌ی برخی ویژگی‌های مربی و کلاس فلسفه و لزوم آموزش این مقوله به کودکان و نیز درج توصیه‌هایی در این زمینه می‌پردازیم. مطالعه‌ی این سلسله مطالب، به‌ویژه برای آموزگاران پایه‌ی ششم که از امسال درس جدید تفکر و پژوهش را تدریس می‌کنند، مناسب خواهد بود.

از یک کارشناس تربیتی معروف پرسیدند: «معلم فلسفه چه گونه باید افکارش را به رشته‌ی تحریر درآورد؟» پاسخ داد: «به زبان مردم»

سه عنصر مهم

در آموزش فلسفه برای کودکان سه عنصر مهم وجود دارد که عبارت‌اند از: مربی، داستان‌های فلسفی و کتاب راهنمای مربی. در این زمینه توجه به نکات زیر بسیار مهم است.

- از مهم‌ترین ویژگی‌های مربیان آموزش فلسفه برای کودکان، صوری و مهربانی با کودکان است:

- مربیان باید از تجارب فلسفی (مهارت فلسفیدن)، تفکر و دانش ادبیات کودک برخوردار باشند.^۱

- مربیان باید بدانند که این آموزش دیر بازده است و دست کم یک سال وقت می‌خواهد تا به نقطه‌ای

برسد که هدف آموزش فلسفه برای کودکان به دنبال آن است.

- به دلیل این که آموزش فلسفه به کودکان موضوع نسبتاً جدیدی

است، بهتر است ابتدا طی جلساتی برای پیشبرد مناسب طرح به والدین اطلاع‌رسانی گردد، تا آموزش در خانه نیز دنبال شود.

- بهتر است قبل از کلاس، مربیان داستانی را که قرار است کار کنند، چند بار بخوانند تا ضمن آشنایی با زوایای آن مطمئن شوند که داستان مناسب کودک و کلاس فلسفه است.

- مربی باید همیشه بداند که در مقام مربی، نقش هدایت‌کننده دارد و این کودکان هستند که نقش اصلی را ایفا می‌کنند (در کلاس فلسفه یک نفر محور نیست، بلکه همه محوریت دارند!).

- در حین بحث ممکن است انواع پاسخ‌ها داده شود، پاسخ‌هایی که حسابگر است یا آن‌هایی که ناشیانه است. مربی باید صبور باشد و به کودکان نشان دهد که به افکار و احساسات آن‌ها احترام قائل است. هم‌چنین کودکان دیگر را ترغیب کند تا به عقاید و نظرات دوستانشان احترام بگذارند، اما هر جا که لازم بود، می‌توانند محترمانه نظرات را رد کنند.

- لازم است گاهی خود مربی هم چیزی نگوید و بگذارد کودکان بفهمند که ممکن است او هم پاسخ تمام سؤال‌ها را نداند.

- به عنوان مربی باید طوری رفتار کنیم که دانش‌آموزان با راحتی و احساس امنیت پاسخ‌هایشان را ارائه دهند، زیرا پاسخ‌های غیرحقیقی ارزشی ندارد.

- دقت کنیم که بحث‌ها از موضوع اصلی خارج نشود.



- در ارائه‌ی نظرات دقت کنیم تا کودکان بی‌دلیل روی عقایدی که نادرستی آن‌ها کاملاً مشهود است، پافشاری نکنند و سعی کنیم با احترام و ارائه‌ی دلیل آن‌ها را متقاعد کنیم تا دچار سردرگمی و کج‌فهمی نشوند.

- نکته‌ی مهمی که باید در حین بحث‌ها رعایت شود، عدم استهزاء و تحقیر کودکان توسط خود مربی و هم‌کلاسی‌هاست. باید مراقب این رفتارها باشیم.

- سعی کنیم همه‌ی کودکان در بحث شرکت کنند، حتی به اندازه‌ی یک جمله یا حتی یک کلمه‌ی کلیدی.

- اگر پاسخ کودکان مبهم بود، از آنان بخواهیم مثالی بزنند تا منظورشان واضح شود. - وقتی که کودکان با عقیده‌ای مخالفت می‌کنند از آنان دلیل بخواهیم تا بدانند که برای رد هر چیزی باید دلیل مناسبی بیاورند.

- آرایش کلاس و نحوه‌ی نشستن کودکان خیلی مهم است زیرا قرار است آنان در بحث‌هایی نشاط‌انگیز و نه رقابت‌انگیز با یکدیگر شرکت کنند، پس باید صورت‌های یکدیگر را به وضوح ببینند، بنابراین ضروری است کلاس را به شکل دایره و با نیم‌دایره بچینیم.

- بهتر است کلاس فلسفه با یک داستان جذاب آغاز شود و توجه کودکان را به خود جلب کند (شاید بتوان با موضوعات درسی هم کندوکاو به وجود آورد، اما آن جذابیت داستان را نخواهد داشت!).

- چنان‌چه کودکان باسواد هستند، بهتر است هر قسمت داستان توسط کودکان و با رضایت خودشان خوانده شود و اگر کودکان هنوز خواندن نمی‌دانند، بهتر است مربی برای آنان داستان خوانی کند (شاید استفاده از کارت‌های قصه‌گویی که تصویر آن واضح است برای این کودکان جذاب‌تر باشد، تا در حین خواندن داستان، آن‌ها را ببینند و با آن ارتباط برقرار کنند).

- پس از خواندن داستان از کودکان بخواهیم که چند دقیقه سکوت کرده و به آن‌چه خوانده‌اند، فکر کنند.

- داشتن دفترچه‌ای برای ثبت مطالب و سؤالات طرح شده، خالی از لطف نیست، زیرا

پس از چند جلسه کودکان متوجه پیشرفت خود در طرح سؤالات کامل‌تر و عمیق‌تر می‌شوند و البته بهتر است این کار را برای کودکان اجبار نکنیم

- می‌توانیم از مباحث مطرح شده برای محفوظ ماندن مسائل برای جلسات بعد و یا کودکان تازه‌وارد یک شبکه مفهومی با یک نقشه‌گرافیکی تهیه کنیم.

- پس از خواندن داستان، طرح سؤال از کودکان را شروع می‌کنیم. ممکن است در جلسات اول به دلیل زمینه‌ی ذهنی که در مدارس درباره‌ی متکلم‌وحده بودن معلم وجود دارد، ابتدا کودکان سؤالی نپرسند (زیرا آموزش‌های ما بیشتر معلم‌محور است) اما به تدریج و با هدایت مربی سؤالات آغاز می‌شود. به همین دلیل سعی کنیم کودکان را بیشتر درگیر بحث و طرح سؤال کنیم.

- اگر کودکان احساس کنند که این کلاس، بسیار راحت و بدون هرگونه مشکلات انضباطی است و می‌توانند بدون مسخره یا تنبیه شدن سؤال‌هایشان را بپرسند، باید یقین داشت که به موفقیت نزدیک شده‌ایم.

- اگر کودکان در طرح سؤال مشکل داشتند، از آن‌ها بپرسیم کدام قسمت داستان برایشان جالب بوده است و چرا؟ سعی کنیم آن‌ها را تشویق کنیم که درباره‌ی آن بحث کنند و بیان نظراتشان را ادامه دهند.

- سؤال‌های کودکان را روی تخته‌سیاه و یا روی ورقه‌هایی با ذکر نام و نشان یادداشت کنیم. این کار کمک می‌کند که کودکان بدانند، می‌توانند صاحب افکاری منحصر به فرد باشند و به اعتماد به نفس آنان برای طرح سؤال‌های بعدی کمک خواهد کرد.

برای کودکانی که در طرح سؤال مشکل دارند، تا جایی که امکان دارد از کودکان دیگر کمک بگیریم تا به این ترتیب باب همکاری و مشارکت را میان آنان باز کنیم و این‌گونه دانش‌آموزان متوجه شوند که می‌توانند از همدیگر یاد بگیرند و معلم تنها آموزنده‌ی کلاس نیست. - اگر هنوز در جلسات اول دانش‌آموزان خیلی فعال نیستند، می‌توانیم خودمان با طرح

سؤال از کودکان، آنان را به سؤال‌سازی تشویق کنیم

- پس از طرح و جمع‌آوری سؤالات حالا نوبت آن است که بحث را آغاز کنیم. ابتدا سؤال‌های تکراری را حذف می‌کنیم، البته با رأی و رضایت کودکانی که آن‌ها را طرح کرده‌اند.

- گفت‌وگو را از سؤال‌های طرح شده‌ی کودکان شروع می‌کنیم. به این ترتیب ذهن کودکان را به چالش درمی‌آوریم تا به پاسخ سؤال‌ها برسند.

- وقتی که کودکان با عقیده‌ای مخالفت می‌کنند از آنان دلیل بخواهیم تا بدانند که برای رد هر چیزی باید دلیل مناسبی بیان کنند.

- در کلاس بحث‌ها را جمع‌بندی کنیم. در کلاس فلسفه، تنبیل و زورنگ معنی ندارد. در جلسات اول کودکانی که بیشتر در بحث شرکت کرده‌اند حتی، اگر پاسخ‌هایشان درست هم نبوده است، به دلیل تلاش در اندیشه‌ورزی تشویق کنیم

- در پایان کلاس از نظرات کودکان درباره‌ی بحث‌ها مطلع شویم و از آنان بپرسیم که آیا این کلاس برایشان جالب بوده است و آیا دوست دارند در جلسات بعدی دوباره‌ی این بحث‌ها را به نوعی دیگر دنبال کنند؟

- هرگز فراموش نکنیم که هر کودک استعداد و خصوصیات خاص خودش را دارد، بنابراین هیچ‌وقت آن‌ها را با هم مقایسه نکنیم!

- بگذاریم کودکان خود به پاسخ درست برسند، زیرا آن‌ها در نهایت به جواب مناسب خواهند رسید.

- همیشه به علاقه‌ی بچه‌ها توجه کنیم، زیرا بهانه‌ی خوبی برای شروعی دیگر خواهد بود! لازم به یادآوری است که آموزگاران و مربیان باید بدانند که هدف از این کلاس‌ها ایجاد شرایطی برای بیان فکرها و بحث‌های فلسفی است، نه برقراری بحث‌های علمی و درسی که کلاس را به مجموعه‌ای از سؤالاتی تبدیل کند، که در نهایت معلم پاسخ آخر را می‌دهد!

منبع
۱. فرامرز قراملکی، احمد. دومین شماره از ویژه‌نامه‌ی فلسفه و کودک. صفحه‌ی ۱۴ تا ۲۳.



حمید دهقان

روزنامه‌نگار و کارشناس میراث فرهنگی

مینیاتوری از تاریخ و تمدن ایران!

آشنایی با برخی از موزه‌های استان همدان

اشاره

در شماره‌ی قبل و در نخستین بخش از سلسله مطالب «میراث ما»، با موزه‌ی رضا عباسی در تهران آشنا شدیم. مؤلف این مجموعه گزارش‌ها، این بار به غرب کشورمان نظر افکنده است و ما در این شماره، میهمان پیشینه‌ی تاریخی استان همدان خواهیم بود. همدان را پایتخت تاریخ و تمدن ایران نامیده‌اند و می‌گویند نخستین پایتخت شهرنشینی ایران زمین بوده است. همدان را خاستگاه آریاییان نیز معرفی کرده و گفته‌اند که مادها این شهر را بنا کرده و «هگمتانه» نام نهاده‌اند. هگمتانه به معنای «محل تجمع» از دو واژه‌ی پارسی باستان «هگمتا» به معنای گرد آمدن و پسوند اسم مکان «نا» تشکیل شده است.

موزه‌ی هگمتانه

در کاوش‌ها و حفاری‌های انجام شده به وسیله‌ی باستان‌شناسان در منطقه و به ویژه در تپه‌ی تاریخی هگمتانه، آثار و اشیای گران‌بهایی به دست آمده است که در موزه‌ی هگمتانه نگه‌داری می‌شود.

موزه‌ی هگمتانه در شرق مجموعه‌ی فرهنگی هگمتانه و جنب گودال معروف به گودال فرانسوی‌ها قرار دارد. در گذشته مدرسه‌ای به نام «پرورش» بوده که پس از تغییرات و تعمیرات لازم به موزه تبدیل شده است.

اشیا و آثار این موزه در دو بخش تاریخی و اسلامی به نمایش گذاشته شده است. آثار سنگی، سفالی، استخوانی و فلزی از دوره‌های پیش از اسلام و بعد از اسلام از جمله اشیای موزه به شمار می‌آیند.

ستون‌های متعلق به کاخ‌های هخامنشی مانند، شالی ستون دوران اردشیر دوم با خط میخی، دو مهر استامپی سنگی و سر گاو از جنس سفال از دوره‌ی هخامنشی از ارزشمندترین و برجسته‌ترین اشیای مکشوفه‌ی این منطقه به شمار می‌آیند.

در سالن مرکزی و راهروی سمت چپ

موزه، تابوت‌های سنگی و سفالی دوره‌ی پارثیان از کاوش‌های میدان شیر سنگی و خمرها و سنگ‌های تزیینی با نقش‌های زیبا و سنگ قبرهای دوره‌های اسلامی را می‌تواند دید که از شاخص‌ترین آثار



موزه‌ی مردم‌شناسی

محلی که امروز موزه‌ی مردم‌شناسی همدان است، در گذشته حمام قلعه نام داشته و به حمام حاج محمدسعید نیز معروف بوده است. موزه‌ی مردم‌شناسی در یکی از محله‌های قدیمی همدان به نام «محله‌ی قلعه» یا «قاشق‌تراشان» در خیابان شریعتی واقع شده است و بنای آن به اواخر دوره‌ی قاجار منسوب است.



بنای این موزه از لحاظ ساختاری و معماری از ویژگی‌هایی برخوردار است. حمام قلعه در دو بخش حمام گرم و حمام سرد داشته است که با ستون‌های سنگی و قوس‌های جناغی به یکدیگر متصل می‌شده‌اند.



نمایش گذاشته شده است. وجود آکواریوم‌های آب شور با انواع ماهیان خلیج فارس از ویژگی‌های این سالن است.

سالن شماره‌ی پنج (کانی‌ها و فسیل‌ها)

مجموعه‌ای از سنگ‌ها، فسیل‌ها و کانی‌های ایران که در این بخش از موزه به نمایش گذاشته شده، با استقبال زیاد کارشناسان و سایر بازدیدکنندگان روبه‌روست.

بین‌المللی نیز به این مجموعه اضافه شده است.

سالن شماره‌ی دو (گالری حشرات)

در این سالن انواع حشره‌ها در ۱۰۰ ویتترین به نمایش گذاشته شده است. این بخش از موزه علاوه بر این که مورد بازدید عمومی است، برای دانش‌آموزان و دانشجویان جنبه‌ی آموزشی نیز دارد. مجموعه‌ای از نمونه‌های حشره‌های ایران همراه نمونه‌های خارجی دیدنی‌های این سالن را تشکیل داده است.

این بنا پس از مرمت، در بهمن‌ماه سال ۱۳۸۷ به موزه‌ی مردم‌شناسی و سفره‌خانه‌ی سنتی تبدیل شده است.

موزه‌ی تاریخ طبیعی

موزه‌ی تاریخ طبیعی همدان در سال ۱۳۵۱ تأسیس شد. در سال ۱۳۷۱ این موزه در یک واحد ساختمانی با زیربنایی حدود ۶۰ متر مربع و با دو اتاق کوچک و دارای راهرو و کارگاه تاکسیدرمی به‌طور رسمی گشایش یافت و پس از چهار بار جابه‌جایی در مکان فعلی در انتهای چهارباغ آزادگان استقرار یافته است.

موزه‌ی تاریخ طبیعی همدان اکنون متنوع‌ترین موزه‌ی تاریخ طبیعی ایران به شمار می‌آید که در خاورمیانه نظیر ندارد و هر سال هزاران نفر از آن دیدار می‌کنند. این موزه از پنج سالن و فضاهای جنبی به شرح زیر تشکیل شده است.

سالن شماره‌ی یک (گالری خلیج فارس)

در این تالار مجموعه‌ای منحصربه‌فرد از صدف‌ها، مرجان‌ها و اسفنج‌های سواحل خلیج فارس نگهداری می‌شود. نمونه‌های منتخب

فضاهای جنبی موزه

فضاهای جنبی این موزه نیز برای عرضه‌ی خدمات به بازدیدکنندگان آماده است. بخش پرندگان زنده، کارگاه تاکسیدرمی و اتاله حشره‌ها، مخزن حشره‌ها و سالن اسلاید، فیلم و سخن‌رانی فضاهای جنبی موزه را تشکیل می‌دهند.

گفتنی است موزه‌ی تاریخ طبیعی همدان در سال ۱۳۵۱ به کوشش **جعفر محمدعلی‌زاده** در راستای هدف‌های آموزشی دانشگاه بوعلی‌سینا تأسیس شده است.

موزه‌ی شهرستان ملایر

موزه‌ی شهرستان ملایر با آثاری ارزشمند در بنایی فاخر به نام عمارت تاریخی لطفعلی‌خان قرار گرفته است. این ساختمان در زمان حکومت فتحعلی‌شاه‌قاجار با بهره‌گیری از هنر معماران زبده‌ی زمان در دو طبقه ساخته شده و هر طبقه از زیبایی‌های خاصی برخوردار است. حوض خانه‌ی بنا به تاق‌نماهای زیبای آجری، جریان آب قنات و تزیینات لمبه کوبی چوبی همراه با درهای ارسی با شیشه‌های رنگارنگ توجه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند.

سالن شماره‌ی سه

(گالری پرندگان و پستان‌داران)
این تالار که تعداد فراوانی از پرندگان و پستان‌داران کشورمان را در خود جای داده، با حدود ۳۰۰ صحنه (دیوراما) از موقعیت بسیار با ارزشی برخوردار است.

سالن شماره‌ی چهار (خزندگان و آبزیان)

در بخشی از این سالن، خزندگان و در بخش دیگر ماهیان خلیج فارس، دریاچه‌ی خزر و آب‌های سطحی استان همدان به

اختلالات

یادگیری

دانش آموزان

دوره‌ی غیرحضوری

کد دوره: ۹۱۴۰۰۵۱۳

طول دوره: ۲۴ ساعت

مقطع و زمینه: ابتدایی

برگزارکنندگان: مرکز برنامه‌ریزی
و آموزش نیروی انسانی
و دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

پرونده‌ی ضمیمه‌ی
رشد آموزش ابتدایی
شماره‌های ۱ تا ۴
(مهر، آبان، آذر و دی ماه ۱۳۹۱)

توجه به موضوع اختلالات یادگیری اخیراً به‌طور چشم‌گیری توسعه یافته و نظر بسیاری از مربیان و متخصصان آموزش کودکان را به خود جلب کرده است. تا چند سال گذشته، آموزش و پرورش استثنایی فقط کودکانی را شامل می‌شد که مشکلاتی در یادگیری و به‌علی نظیر نقایص بینایی یا شنوایی، عقب‌ماندگی ذهنی، معلولیت‌های کلامی یا زبانی، اختلال‌های شدید هیجانی، فلج یا دیگر مشکلات ناشی از فقدان سلامتی جسمی داشتند. مؤسسات، مدارس استثنایی و کلاس‌های ویژه برای آموزش و پرورش این دسته کودکان که دچار معلولیت‌های آشکار بودند، سازمان‌دهی می‌شد و مجموعه‌ای از برنامه‌های درسی را برای آموزش جداگانه‌ی این گروه‌های متفاوت در نظر می‌گرفت و اجرا می‌کرد. در این میان، کودکانی که در مدارس چیزی یاد نمی‌گرفتند و ناشنوا، نابینا یا عقب‌مانده‌ی ذهنی هم نبودند، هیچ نوع خدمات ویژه‌ای دریافت نمی‌کردند؛ زیرا هیچ برنامه‌ای برای آن‌ها تدوین نشده بود. به علت وجود این موقعیت و اصرار و تمایل مفرط والدین، متخصصان آموزش و پرورش تشخیص دادند تعداد قابل توجهی از کودکان وجود دارند که در یادگیری تکلم، استفاده‌ی درست از زبان، تکامل به‌هتجار ادراکات بینایی و شنوایی، خواندن، نوشتن، هجی کردن و محاسبه کردن دچار تأخیرند. برخی از این کودکان زبان را درک نمی‌کنند، ولی ناشنوا نیستند و برخی از آن‌ها نمی‌توانند آن‌چه را می‌بینند درک کنند ولی نابینا نیستند و بعضی دیگر نمی‌توانند به کمک روش‌های عادی آموزش یاد بگیرند؛ در حالی که دچار عقب‌ماندگی ذهنی نیستند. مشکل این گروه از کودکان امروزه عنوان «ناتوانی ویژه در یادگیری» (Specific learning disability) معرفی شده است. ناتوانی‌های یادگیری ویژه در حال حاضر اصطلاحی است که انواع گوناگونی از مشکلات را دربر می‌گیرد. در واقع، کودکان دچار این ناتوانی‌ها با این که از نظر هوشی در حد متوسط و بالاترند، گروهی ناهمگن و غیر یک‌نواختی را تشکیل می‌دهند. آن‌ها به این دلیل ویژه هستند که اختلال‌ها بر دامنه‌ی نسبتاً محدودی از درس و عملکردشان تأثیری معناداری دارند. وجه اشتراک همه‌ی آن‌ها این است که در یادگیری دروس مدرسه مشکل دارند این اختلال تقریباً همیشه به افت تحصیلی منجر می‌شود اما این بدان معنی نیست که کودک دچار افت تحصیلی دارای اختلال یادگیری است (احدی و کااوند ۱۳۹۰). افرادی چون آلبرت انیشتین فیزیک‌دان، ادیسون مخترع و مبتکر، آگوست رودین مجسمه‌ساز بزرگ، وویی گلد برگ

LD چیست؟

نگاهی مختصر به تاریخچه و تعاریف اختلالات یادگیری

مواجهه‌اند و آن ناتوانی در تمرکز، دقت و توجه بر مطالب مورد بحث است.» وی نتیجه می‌گیرد که این کودکان در فرایند رشد دقت و توجه طبیعی، دچار تأخیر یا وقفه شده‌اند.

نظریه‌ی تأخیر در رشد: طرف‌داران این نظریه معتقدند که کودکان ناتوان در یادگیری آگاهی‌ها و محرک‌های محیطی را در زمینه‌هایی خاص کندتر از هم‌سالان خود جذب می‌کنند و بنابراین، شبیه کودکان کوچک‌تر عمل می‌کنند. تعدادی از تحقیقات نشان می‌دهند که این کودکان از نظر کیفیت یادگیری با دیگر کودکان تفاوتی ندارند اما از نظر کمیت متفاوت‌اند؛ یعنی، در فراگیری مطالب کندتر یا آهسته‌تر از کودکان به‌هنگار عمل می‌کنند. این نظریه را **گریشلی** (۱۹۷۰) بیان کرده است.

نظریه‌ی ضایعات خفیف مغز: نتایج تحقیقات **برت‌نر** و دیگران (۱۹۷۲) نشان داده است که کودکان با ناتوانی یادگیری در مقایسه با کودکان به‌هنگار دارای نشانه‌های بیشتری از آسیب‌های عصبی هستند.

نظریه‌ی چندعاملی: هاستراک (۱۹۷۶) در مقاله‌ای می‌نویسد: «نظریه‌های مختلف که تاریخ مطالعات و تحقیقات درباره‌ی ناتوانی‌های ویژه یادگیری را تشکیل می‌دهند و هر کدام توضیحات و دلایل گوناگونی را مطرح می‌سازد بسیار با ارزش‌اند. اکثر آن‌ها سعی کرده‌اند نشان دهند که این پدیده در اثر یک عامل به‌وجود می‌آید. هر کدام از نظریه‌ها کوشیده است علت مشکل را با یک نظریه توجیه کند.» از نظر هاستراک چون یادگیری فرایند پیچیده‌ای است و عوامل مختلف ممکن است به آن آسیب برسانند؛ بهتر است به‌جای نظریه‌های یک عاملی که سعی می‌کنند تمام انواع ناتوانی‌های یادگیری را توضیح دهند، این‌گونه کودکان را به گروه‌های متفاوت تقسیم کنیم تا نظریه‌های مختلف در هر کدام گروهی از این کودکان را شامل شود.

افراد زیادی خدمات و تحقیقات برجسته‌ای در مورد ناتوانی‌های یادگیری انجام داده‌اند. بعضی از صاحب‌نظران در زمینه‌ی ناتوانی یادگیری عبارت‌اند از: **ویلیام کروکشتاک، ساموئل اورتون، کاترینا دی‌هرش، ساموئل کرک و باربارا بیتمن.**

تعاریف ناتوانی‌های یادگیری

تاکنون تعاریف مختلفی از ناتوانی‌های یادگیری مطرح شده است. تعریف اولیه‌ی ساموئل کرک (۱۹۶۳) از ناتوانی یادگیری، یکی از اولین تلاش‌ها برای بیان این موضوع بود:

هنرمند سینما، چارلز اسکواب تاجر بزرگ، **لئونارد دواوینچی** نقاش و مجسمه‌ساز، **بت‌هون** موسیقی‌دان همگی دچار اختلالات یادگیری بوده‌اند.



تاریخچه

واژه‌ی اختلال یادگیری از اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی برای توصیف تفاوت بین هوش و مهارت‌های تحصیلی، که به‌وسیله‌ی آزمون‌های استاندارد اندازه‌گیری می‌شوند، به کار رفت. (کاکاوند ۱۳۸۵).

اختلال یادگیری دهه‌ی ۱۹۶۰ به‌عنوان جدیدترین حوزه‌ی فرعی در قلمرو کودکان استثنایی وارد شد. در سال ۱۹۶۳ **ساموئل کرک**، متخصص بهداشت روان و پیش‌گام آموزش و پرورش استثنایی، برای اولین بار اصطلاح اختلالات یادگیری را به کار برد: «اصطلاح اختلالات یادگیری را برای توصیف گروهی از کودکانی که اختلالاتی در زمینه‌ی رشد زبان، گفتار، خواندن و مهارت‌های وابسته به ارتباط دارند، به کار برده‌ام.»

در نگاهی به تاریخچه‌ی اختلالات یادگیری نظریه‌های گوناگونی را می‌توان یافت. از جمله:

نظریه‌ی غلبه‌ی طرفی مغز: مغز انسان از دو نیم‌کره‌ی راست و چپ تشکیل شده است. این دو نیم‌کره توسط جسم پینه‌ای به‌هم وصل شده‌اند. وجود جسم پینه‌ای سبب می‌شود که دو نیم‌کره از فعالیت‌های یکدیگر آگاه باشد (مانت کسل ۱۹۶۲). در مغز سازمان فعالیت‌ها برای رفتارهای مختلف، متفاوت است. **اورتون** (۱۹۳۷) بر این عقیده بود که یک طرف از مغز باید بر طرف دیگر غلبه کند. فرض او بر این بود که نارسایی‌ها در تکلم، نوشتن، خواندن و غیره در اثر نبود غلبه‌ی طرفی مغز ایجاد می‌شود.

نظریه‌ی شناخت‌گرایان: افرادی چون **ونر، پیاژه و برونر** ادعا می‌کنند رشد کلامی بعد از رشد غیرکلامی به‌وجود می‌آید، یعنی، رشد غیرکلامی زیربنای رشد کلامی است. آن‌ها معتقدند که اگر ارتباط و توازن رشد عادی کلامی و غیرکلامی به‌هم بریزد، احتمال دارد آن سمتی که بهتر رشد کرده است، برای حل مسائل به کار گرفته شود.

نظریه‌ی کوتاهی دامنه‌ی توجه: طرف‌داران این نظریه معتقدند که کودکان ناتوان در یادگیری، در تمرکز و دقت مشکل دارند. **راس** (۱۹۷۶) می‌نویسد: «به‌نظر می‌رسد یک نقص ذهنی وجود دارد که بیشتر کودکان ناتوان در یادگیری با آن





به صورت طبیعی رشد نمی‌کنند؛ یعنی بعضی از خرده توانایی‌ها رشد می‌کنند ولی برخی تأخیر رشدی دارند. بنابراین، اختلال در یک یا بیش از یک فرایند روان‌شناختی در این افراد؛ حاصل الگوی نامناسب رشدی در آن‌هاست؛

- این کودکان دارای بهره‌ی هوشی متوسط و بالاتر هستند؛
- از نظر حواس (بینایی، شنوایی، لامسه و...) سالم‌اند؛
- از امکانات محیطی و آموزشی نسبتاً مناسبی برخوردارند؛
- ناهنجاری‌های شدید رفتاری ندارند؛
- پیشرفت آموزشی این کودکان به‌طور چشم‌گیری کمتر از بهره‌ی هوشی، سن و امکانات آموزشی‌ای است که از آن برخوردارند.

- کارکرد تحصیلی آن‌ها پایین‌تر از حد انتظار است.
- در استفاده از راهبردهای آموزشی انعطاف ندارند.
- بین توانایی‌ها و مهارت‌های آن‌ها تفاوت درخور توجهی وجود دارد.
- در حافظه، ادراکات، دقت و توجه و تمرکز، عملکرد ضعیفی دارند.

این کودکان با برخورداری از هوش عادی، ممکن است در یک یا چند زمینه‌ی یادگیری دچار مشکل شدید شوند. از این‌رو، برای کمک به آن‌ها بایستی از روش‌های درمانی و مداخله‌ای ویژه استفاده کرد. دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی در کنار تحصیل در مدارس عادی برای رفع مشکلاتشان از خدمات ویژه‌ی مراکز مشکلات یادگیری بهره‌مند می‌شوند.

منابع

۱. احدی، حسن و کاکاوند، علیرضا. اختلالات یادگیری (از نظریه تا عمل). انتشارات ارسباران. ۱۳۹۰.
۲. ام. گیرو، اگریستینا. اختلالات یادگیری. مترجمان: انگچی، لیلی و مجتبی‌زاده، مهدی. انتشارات پینار. زنجان. ۱۳۸۵.
۳. سیف‌نراقی، مریم و نادری، عزت‌الله. نارسایی‌های ویژه در یادگیری. انتشارات مکیال. ۱۳۷۹.
۴. کرک، ساموئل و چالفا، جیمز. اختلالات یادگیری تحولی و تحصیلی. مترجمان: رونقی، سیمین، خانجانی، زینب و وثوقی‌رهبری، مهین. انتشارات سازمان آموزش و پرورش استثنایی. ۱۳۷۷.
۵. هالاهان، کافمن، مارگارت پی. ویس، مارتینز. اختلالات یادگیری (مبانی-ویژگی‌ها و تدریس مؤثر). انتشارات ارسباران. ۱۳۹۰.

نارسایی یادگیری به عقب ماندن، اختلال یا رشد با تأخیر در یک یا چند مورد از فرایندهای گفتار، زبان، خواندن، نوشتن، حساب یا دیگر موضوعات مدرسه اشاره دارد که حاصل معلولیت روان‌شناختی است و احتمالاً به علت بد کارکردی مغزی یا اختلال‌های رفتاری یا هیجانی به‌وجود می‌آید. ناتوانی یادگیری نتیجه‌ی عقب‌ماندگی ذهنی، محرومیت حسی یا عوامل آموزشی و فرهنگی نیست.

به دلیل مشابهت و نزدیکی تعاریف، برای جلوگیری از تکرار این مبحث به تعریفی ساده، روشن و گویا در این زمینه می‌پردازیم: ناتوانی‌های ویژه‌ی یادگیری آن دسته از کودکان را شامل می‌شود که در یک یا تعدادی از فرایندهای پایه‌ی روان‌شناختی دچار مشکل هستند. این مشکلات ممکن است به شکل‌های گوناگون مانند دشواری در گوش دادن، صحبت کردن، فکر کردن، خواندن (مهارت‌های پایه، آگاهی واجی)، مهارت‌های فهم خواندن، نوشتن، انجام محاسبات و منطق محاسبات ظاهر شوند. این تعریف شامل کودکان با صدمه‌ی مغزی، آسیب ادراکی، نارساخوانی، آفازی (مشکلات زبانی) و... می‌شود اما آن دسته از کودکانی را که دارای نقص بینایی، شنوایی، حرکتی، عقب‌ماندگی ذهنی، مشکلات هیجانی یا محرومیت‌های محیطی هستند، دربر نمی‌گیرد.

به بیان دیگر، کودکان با مشکلات ویژه‌ی یادگیری (LD) به کودکانی اطلاق می‌شود که با برخورداری از هوش متوسط و بالاتر و نداشتن نقایص حسی به‌دلیل آسیب شدید مغزی و مشکلات عاطفی-اجتماعی، قادر به بهره‌گیری کامل از امکانات آموزشی و پرورشی متداول نیستند و در یک یا چند ماده‌ی درسی ضعف محسوس و مشهود دارند. بنابراین، دانش‌آموزان مرزی (دیرآموز) در این گروه جای نمی‌گیرند.

از تعاریف مختلفی که متخصصان در این زمینه بیان کرده‌اند، ویژگی‌ها و مشخصاتی به شرح زیر می‌توان استخراج کرد:

- این افراد دچار بدکارکردی سیستم عصبی مرکزی هستند؛
- الگوی نامناسب رشدی دارند. توانایی ذهنی یا هوشی یک ظرفیت واحد نیست بلکه از تعدادی توانایی ذهنی پایه تشکیل شده است. در افراد ناتوان در یادگیری، مؤلفه‌های مختلف ذهنی

اختلالات زودهنگام

یادگیری

حسن شفیعی - کارشناس ارشد روان‌سنجی

اعظم محمودزاده - کارشناس ارشد روان‌شناسی کودکان استثنایی



نشانه‌های تشخیص زودهنگام اختلالات یادگیری در کودکان

علائم دیگر

کودکانی که در اوان کودکی زمانی طولانی متحمل سوءتغذیه شده‌اند، در آزمون‌های مختلف شناختی عملکرد کم‌تر از حد متوسط نشان می‌دهند (کاپلان، ۱۳۷۹). خصوصیات فرعی آن‌ها مشتمل است بر بی‌میلی با امتناع از رفتن به مدرسه و انجام دادن تکالیف کتبی، عملکرد تحصیلی ضعیف در سایر زمینه‌ها مانند ریاضیات، بی‌علاقگی کلی به کار مدرسه، فرار از مدرسه و اختلال سلوک (همان، ۱۳۷۹). کودک ممکن است در مرتب‌کردن اشیاء یا یادگیری تشخیص راست از چپ مشکل داشته باشد. یادگیری مهارت‌هایی نظیر بستن بند کفش یا گفتن زمان که هم‌سالانش به راحتی از عهده‌ی آن برمی‌آیند، ممکن است برای او مشکل باشد. مشکل یادگیری ویژه، گاهی در ابتدا به صورت مشکلی رفتاری یا مشکل ارتباط با هم‌سالان معرفی می‌شود. این مشکل را ناشی از شیطننت دانستن و عدم تشخیص مشکل یادگیری بنیادین، تله‌ی خطرناکی است. [در این صورت] کودک ممکن است از انجام دادن کار مدرسه امتناع کند یا از مدرسه بگریزد. (همان، ۱۳۷۹).



مشکلات مهارت‌های حرکتی

مرور ادبیات مهارت‌های حرکتی در کودکان با نارسایی‌های ویژه‌ی یادگیری، نشان می‌دهد که مشکلاتی نیز با مهارت‌های حرکتی به‌ویژه در سنین پایین وجود دارد. مطالعات نشان می‌دهد که این کودکان در مهارت‌های ظریف حرکتی و برخی از مهارت‌های درشت حرکتی نظیر ایستادن روی پا و ایستادن با چشم بسته روی هر یک از دو پا و دوچرخه‌سواری مشکل دارند. در بررسی پیشینه‌ی آن‌ها مشکلاتی نظیر اشتباه در پوشیدن کفش‌ها، مشکلات جهت‌یابی و صحبت کردن زیر لب به‌دست آمده است (باشعور لشکری، ۱۳۷۹).

محققان برای دانش‌آموزان با نارسایی‌های یادگیری فهرستی طولانی از مشکلات تحصیلی، رفتاری و روان‌شناختی محققان تهیه و در نظر گرفته‌اند. آن‌چه بیش از همه مورد توجه آن‌ها قرار گرفته، مشکلات تحصیلی به‌رغم هوش‌بهر طبیعی است (باشعور لشکری، ۱۳۷۹). از مجموعه‌ی اختلالات کودکان، اختلالات یادگیری و شرایط مربوط به آن، بسیار شایع است و ۱۰ تا ۱۵ درصد کودکان دبستانی را دربرمی‌گیرد. به همین دلیل آشناسدن با روش‌های شناسایی به موقع آن اهمیت بسیار دارد. (برادری، ۱۳۷۷). از هر سه کودک مبتلا به اختلالات یادگیری، حدود دو نفر به آموزش‌های جبرانی در ریاضیات نیاز دارند (هامیل و بارتل، ۱۳۸۱).

والدین و تشخیص اولیه

گاهی والدین نخستین کسانی هستند که به مشکل فرزندشان پی می‌برند. تأخیر در سخن گفتن، نارسایی یا دشواری در بیان خواسته‌ها، ناشیگری، سازمان‌دهی ضعیف، تمرکز ضعیف و فقدان خویشتن‌داری، همگی علائم مشکل یادگیری ویژه هستند. کودک ممکن است بی‌قرار و تکانشی باشد و قادر به تمرکز روی یک تکلیف در یک دوره‌ی زمانی مناسب نباشد (دی، هامیل و بارتل، ۱۳۸۱). کودکانی هستند که بدون این که سینه‌خیز رفتن را برای مدتی تجربه کنند، روی باسن راه می‌روند. آن‌ها در واقع یک تجربه‌ی لازم و مهم را کسب نکرده‌اند. البته ممکن است بعدها تجربه‌های دیگری مانند شنا کردن را کسب کنند که مشابه سینه‌خیز رفتن است، و به این ترتیب چنین نقیصه‌ای را جبران کنند اما همیشه و لزوماً این امر پیش نمی‌آید و فعالیتی که بتواند جای‌گزین سینه‌خیز رفتن شود، صورت نمی‌گیرد. در چنین مواردی به دلیل نبودن یک تجربه‌ی لازم، فرد دچار مشکلاتی در یادگیری خواهد شد (تبریزی، ۱۳۸۰).



۴۵

آموزش و تدریس
دوره‌ی ۱۶ شمادری
ایان ۹۱



در فعالیتهای کلاسی و عملکردی دیگر دانش آموزان از او دیده شود (ایلوارد، ۱۳۷۷). در DSM-IV گفته شده است که ضعف روحیه، اعتماد به نفس پایین و کمبود مهارتهای اجتماعی با اختلالات یادگیری، رابطه دارند (کاپلان، ۱۳۷۹).

مشکلات ناشی از عوامل شخصیتی

عوامل شخصیتی چون خجالتی بودن و پایین بودن عزت نفس از عوامل مهم دخیل در بروز اختلالات یادگیری است (بشاور، ۱۳۸۳). اکثر کودکان مبتلا به این اختلال از نوشتن و خواندن دل خوشی ندارند و از آن اجتناب می کنند. اضطراب آن ها در مقابل تقاضاهایی که زبان نوشتاری را ایجاد می کند، افزایش می یابد (کاپلان، ۱۳۷۹). اختلال در خواندن ممکن است یکی از تظاهرات تأخیر در کودکان مبتلا به این اختلال رشد یا درنگ تکاملی باشد. کودکان مبتلا به این اختلال در مقایسه با کودکان فاقد اختلال از نظر تمرکز دچار اشکال هستند و میزان توجه کمتری دارند (همان، ۱۳۷۹). طبق ICD-۱۰ کودکان مبتلا به اختلال خاص خواندن اغلب سابقه ای اختلال تکلم زبان و هجی کردن دارند. این اختلال زمینه ای خانوادگی دارد و بچه های مبتلا از خانواده هایی برآمده اند که در آن ها سابقه ای این اختلال وجود دارد. در تحقیقات جدید، رابطه ای میان اختلال دیسلکسیا و تولد در ماه های اردیبهشت، خرداد و تیر مشاهده شده است که سهم مواجهه ی پیش از تولد با بیماری های عفونی مادر، مثل آنفلوآنزا را در ماه های زمستان مطرح می سازد. وزن بسیار پایین به هنگام تولد و نارسایی شدید کودکان خطر ابتلا به اختلالات یادگیری را بالا می برد (همان، ۱۳۷۹). در کودکی که دچار انواع صدمات حین تولد شده است، بروز ناتوانی های یادگیری و سایر تأخیرات رشد بیشتر دیده می شود (ایلوارد، ۱۳۷۷). اغلب در کودکان دارای ناتوانی یادگیری که در حرکات درشت مشکل دارند، نوعی ضعف و ناتوانی در انجام دادن تکالیف حرکتی دیده می شود. این کودکان در تکالیف حرکتی نظیر، تقلید حرکات و تغییر از یک حالت بدنی به وضعیت دیگر معمولاً بسیار محدود عمل می کنند. همچنین ممکن است حرکات آن ها اغلب با الگوهای خاص کشیدگی عضلانی، خصوصاً در سر و گردن نیز همراه باشد (همان، ۱۳۷۷). بنا به نظر کالوگر و کالسون ۸۵ تا ۹۰ درصد اختلالات یادگیری به اختلالات خواندن مربوط است.

بسیاری از والدین می گویند که کودکانشان رفتاری ناشیانه دارند یا شروع راه رفتن و دوچرخه سواری آن ها با تأخیر همراه بوده است. بعضی می گویند که فرزندشان همیشه با اشیای مختلف تصادف می کند و فعالیتهای ورزشی را به دشواری انجام می دهد و حرکات بدنی را دوست ندارد. آموزگاران نیز متوجه شده اند که این گونه دانش آموزان کارهایی مثل، نوشتن، قیچی کردن، دگمه دوختن و بستن بند کفش را به سختی انجام می دهند. ممکن است آن ها نتوانند توبی را بگیرند یا کتاب هایشان از دستشان به زمین بیفتد و در زمین بازی هرگز با دیگران بازی نکنند (مک نامارا، ۱۳۸۶).

مشکلاتی که با شیطننت اشتباه گرفته می شوند

اگر کودک نتواند داستانی را برای چند دقیقه گوش دهد، توانایی تمرکز و گوش کردن به درسی مثل ریاضی را نخواهد داشت یا اگر نتواند اشیای را با چشم تعقیب کند، قادر به تعقیب چشمی اعداد و نیز بالا و چپ و راست نخواهد بود (تبریزی، ۱۳۸۰). مشکلات رفتاری در منزل نظیر فعالیت زیاد، بد اخلاقی، ناتوانی در گوش کردن و پی گیری دستورات، دروغ گویی، دزدی، امتناع از آنچه از وی خواسته می شود، در این کودکان شایع است (ایلوارد، ۱۳۷۷). این کودکان ممکن است احساس خشم یا افسردگی کنند و احترام به نفس پایین نشان دهند. (کاپلان، ۱۳۷۹). ممکن است گوشه گیر یا پرخاشگر و خودسر شوند و از لحاظ اجتماعی منزوی گردند (همان، ۱۳۷۹). این رفتارها ممکن است نشانگر عزت نفس پایینی باشد که به دلیل مشکلات در کار مدرسه به وجود آمده است یا نشانگر ناپختگی اجتماعی باشد که خود، نوعی مشکل یادگیری ویژه است. همچنین ممکن است مشکل تمرکز، که به بی قراری و تکانش وری وی منجر می شود، به اشتباه شیطننت تعبیر شود (سلیکوویتز، ۱۳۸۱). خصوصیات مزاجی ممکن است در پیدایش اختلال بیان نوشتاری نقشی ایفا کند؛ به خصوص ویژگی های نظیر کوتاهی میدان توجه و زود پریشان شدن حواس (کاپلان، ۱۳۷۹). ممکن است کودک به علت انجام ندادن تکالیف، به هم ریختن کلاس و پرخاشگری توبیخ شود یا خواهرش را آزار دهد یا اشیای را پرت کند. او نمی تواند بیش از چند دقیقه معما یا بازی را تحمل کند (لطفی کاشانی و وزیری، ۱۳۸۳). نیز ممکن است مواردی نظیر دودیدن در کلاس و به طور کلی ایجاد اختلال



ویژگی های عمومی

اگرچه نمی توان ویژگی های صددرصد مشابهی را در این کودکان مشاهده کرد اما می توان گفت اغلب آنان ویژگی های زیر را دارند:

۱. بیشتر این کودکان پسر هستند. تعداد پسران چهار برابر دختران است؛
۲. اغلب در کلاس های درس مشکلات رفتاری دارند؛
۳. تمایل به خواندن ندارند؛
۴. قادر نیستند یک دایره ی لغات بینایی ایجاد کنند؛
۵. دامنه ی توجهشان کوتاه است؛
۶. در تمرکز مشکل دارند؛
۷. معمولاً در مدرسه افت تحصیلی دارند؛
۸. معمولاً دارای مشکلات جسمانی مثل، ضعف بینایی و شنوایی هستند؛

۹. اغلب مسائل هیجانی دارند؛

۱۰. احساس ناامیدی، بی لیاقتی و کم جرتی می کنند؛
۱۱. در خواندن شفاهی و کلامی تردید می کنند و گاهی دچار لکنت می شوند؛

۱۲. به جای این که چشم هایشان را هنگام خواندن حرکت دهند، سرشان را تکان می دهند؛
۱۳. کلمه به کلمه می خوانند؛

۱۴. به زحمت و با صدای کشیده و لحن یکنواخت می خوانند؛

۱۵. به نقطه گذاری توجه ندارند و از توجه به معنی لغت غافل اند؛

۱۶. وقتی مطلبی را آهسته می خوانند، لب هایشان را

تکان می دهند یا در ذهنشان لغات را می خوانند؛

۱۷. حافظه ی دیداری و شنیداری شان ضعیف است؛

۱۸. فاقد قدرت تمیز و تشخیص کافی شنیداری هستند؛

۱۹. در مدرسه سازگاری شخصی مناسبی ندارند؛

۲۰. رشد اجتماعی کافی ندارند؛

۲۱. به اندازه ی کافی شادابی و کنجکاوای ندارند؛

۲۲. نمی توانند کاغذ را با قیچی برش دهند؛

۲۳. در لی لی کردن توانایی کافی ندارند؛

۲۴. برتری جانبی ندارند (تبریزی، ۱۳۸۰).

منابع

۱. ایلوارد، الیزابت، ای. و براون، فرانک. ار. تشخیص و سامان دهی ناتوانی های یادگیری. مترجم: رضا برادران. انتشارات سازمان آموزش و پرورش استثنایی، تهران، ۱۳۷۷.
۲. باشعور لشکری، مریم. نارسایی های ویژه ی یادگیری، انتشارات دنیای هنر، تهران، ۱۳۷۹.
۳. بشاورد، سیمین. اضطراب ریاضی و راه های غلبه بر آن. انتشارات سازمان آموزش و پرورش استثنایی، تهران، ۱۳۸۳.
۴. تبریزی، مصطفی. درمان اختلالات خواندن. انتشارات گفتمان خلاق، تهران، ۱۳۸۰.
۵. تبریزی، مصطفی. درمان اختلالات ریاضی، انتشارات فراروان، تهران، ۱۳۸۰.
۶. سلیکوویتز، مارک. اختلال در خواندن و سایر مشکلات یادگیری. انتشارات انجمن اولیا و مربیان، تهران، ۱۳۸۱.
۷. کاپلان، هارولد. خلاصه ی روان پزشکی علوم رفتاری - روان پزشکی بالینی. مترجم: نصرت الله پورافکاری. انتشارات شهرآب - آغاز، تهران، ۱۳۷۹.
۸. لطفی کاشسانی، فرح و وزیری، شهرام. روان شناسی مرضی کودک. انتشارات ارسباران، تهران، ۱۳۸۳.
۹. مکنامارا، باری. ای و مکنامارا، فرانسیس. جی. کلیدهای برخورد با ناتوانی در یادگیری. مترجم: ترانه بهبهانی، انتشارات صابرین. تهران، ۱۳۸۶.
۱۰. هامیل، دونالد. دی و بارتل، نئی ار. آموزش دانش آموزان دارای مشکلات یادگیری و رفتاری. مترجمان: اسماعیل بیابانگرد، محمدرضا نائینیان، انتشارات سازمان آموزش و پرورش استثنایی، تهران، ۱۳۸۱.



ما هستیم، چون شما هستید و مجله‌ی خودتان را می‌خوانید

اشاره

گروه داوری، برای چاپ مناسب تشخیص داده نشد. منتظر مطالب جدیدتان هستیم.

توجه!

همان‌طور که مشاهده کردید، از مهرماه ۱۳۹۱ مجله به صورت چهار رنگ منتشر می‌شود. از این رو از کلیه‌ی کسانی که نوشته، به ویژه تجربه‌های عملی خود در کلاس درس را به دفتر مجله می‌فرستند، درخواست می‌کنیم عکس‌ها و طرح‌های رنگی و با کیفیتی را که از سوژه‌ی خود تهیه کرده‌اند، حتماً به نوشته‌ی خود الصاق کنند. بدیهی است وجود عکس‌های با کیفیت در کنار تجربه‌های اثربخش، در داوری نوشته‌ها بی‌تأثیر نخواهد بود.

با وبلاگ‌های فعال آموزگاران آشنا شویم

آموزش ابتدایی - مغان آراز

<http://moghanaraz.blogfa.com>

وب‌نوشته‌های علیرضا پناهی، آموزگار پایه‌ی ششم دبستان یادآوران آغدام - پارس آباد مغان

کلاس دومی‌ها

www.kelas-dovomiha.mihanblog.com

فاطمه مقری، آموزگار پایه دوم، دبستان پسرانه سما - شماره یک، مشهد

یار مهربان

www.yaremehraban11.blogfa.com

وب‌نوشته‌های فهیمه عباسی شاهکوه، آموزگار استان گلستان (گرگان)

دبستان آنلاین

<http://dabestanonline.blogfa.com>

وب‌نوشته‌های محمود شوکتی‌رودی، آموزگار شهرستان خواف، خراسان رضوی

مهر به یاد ماندنی

www.sadresalam.blogfa.com

وب‌نوشته‌های زهرا قاسمی‌ورزنه، آموزگار منطقه‌ی بن‌رود

آفتاب مهربان

www.aftabemehraban.blogfa.com

وب‌نوشته‌های م. بزرگی ابراهیمی، آموزگار پایه‌ی اول، ناحیه‌ی چهار اهواز

تلاشگران

www.talashgaran11.blogfa.com

وبلاگ محمد نیکویی، آموزگار پایه‌ی ششم از مازندران

آموزگار پایه‌ی ششم

www.amouzeshe5.blogfa.com

وبلاگ حسن‌رضا ترابی، آموزگار بیرجندی

در صفحه‌ی با همراهان، با مخاطبان مجله همراه می‌شویم. در این شماره نیز به پاره‌ای از نامه‌ها، نوشته‌ها و مکتوباتی که از خوانندگان محترم دریافت داشته‌ایم، اشاره‌هایی کرده‌ایم. برای تماس با ما از راه‌های ارتباطی گوناگونی که در شناسنامه‌ی مجله نوشته شده است، بهره بگیرید.

مقاله‌ها و نوشته‌های دوستانی را که نام آن‌ها در پی می‌آید، دریافت شد. به دلیل بالا بودن تعداد آثار دریافت شده از همکاران و محدودیت صفحات مجله، متأسفانه چاپ آثار این افراد در رشد آموزش ابتدایی میسر نیست:

حمده‌الله شرفی (ناظر آموزشی مدارس، نهضت سوادآموزی مریوان)، **خبراله میرزاپور** (آموزگار دبستان شهیدرجایی، منطقه‌ی شوط آذربایجان غربی)، **فرخنده صلاحی** (آموزگار دبستان قدس، بافق یزد)، **زهرا صمیمی** (آموزگار دبستان پسرانه‌ی فهیم، زرین‌شهر)، **طاهره شالچی** (آموزگار دبستان شهدای کرک، کاشان)، **صدیقه صادقی طاهری** (معاون آموزشی دبستان آسیه، کاشان)، **زری کاظمی** (معاون مجتمع حافظ، دهاقان)، **فرح‌ناز پاک‌قدم** (آموزگار دبستان پروین اعتصامی، شاهین‌شهر)، **فرشته خویان** (دبیر دبیرستان شاهد غفاری، ناحیه‌ی دو، اصفهان)، **عبداله عبدیانی** (مریوان)، **سیدآوات سجادی** (آموزشیار نهضت سوادآموزی، مریوان)، **ریزان عبدیانی**، **مهربان نیکخواه**، **سوما تابا** (آموزگار، مریوان)، **غلامحسین ظفری** (ناحیه‌ی سه، اهواز)، **محمد رضا سهرابی** (آموزگار دبستان شاهد، اسلام‌آباد غرب کرمانشاه)، **افسر فیلی** (مدیر مجتمع، اسلام‌آباد غرب کرمانشاه)، **حسین پیریایی** (مدیر مجتمع آموزشی مرصاد، بروجرد)، **حمیدرضا قاسمی ندوشن** (آموزگار دبستان شهیددهقانی، صدرآباد ندوشن)، **شمسی مسلمیان** (آموزگار دبستان از ناحیه‌ی دو، همدان)، **زهرا طاهری** (آموزگار دبستان فرهنگ، منطقه‌ی ۱۳ تهران)، **جهان افسری** (مدیر آموزشگاه رسالت دو، خمینی‌شهر)، **فاطمه‌السادات محسنی** (آموزگار دبستان شهیدهاشمی روستای سن‌سن، شهر کاشان) و **صدیقه رستمی** (آموزگار دبستان ابودر غفاری، رامیان گلستان).

یک پاسخ به شش نفر

همکاران محترم **شهباز گودرزی** - شیراز، **کلتوم دهقان اسدی** - معاون پرورشی دبستان شهیدمردادی ناحیه‌ی یک مشهد، **شبناز خندان** - مدیر دبستان حضرت فاطمه (س) اندیشه‌ی شهریار، **گلستان جوادی مقدم** - مدیر دبستان نور گرمسار، **صفورا رسولی** - مدیر دبستان نیکان کانی دینار، مریوان، **شیدا زارعی** - کارشناس آموزش ابتدایی، بهبهان؛ مطالب ارسالی شما همکاران گرامی پس از بررسی در شورای برنامه‌ریزی مجله، به دلیل مخالفت سه نفر از پنج عضو